

# فرآیند، الزامات و نتایج مردمی‌سازی در اندیشه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

اردیبهشت ۹۹

## فهرست

|         |                                       |
|---------|---------------------------------------|
| ۲.....  | مقدمه.....                            |
| ۳.....  | ادبیات نظری.....                      |
| ۴.....  | کارکردهای مشارکت مردمی در اجتماع..... |
| ۵.....  | روش تحقیق.....                        |
| ۷.....  | ویژگی‌های فعالیت مردمی.....           |
| ۱۰..... | نتایج مردمی شدن.....                  |
| ۱۹..... | حوزه‌های راهبردی فعالیت مردمی.....    |
| ۲۶..... | عوامل موثر بر مردمی شدن.....          |
| ۵۵..... | نقش دولت در مردمی‌سازی.....           |
| ۶۲..... | موانع مردمی شدن.....                  |
| ۷۲..... | نتیجه‌گیری.....                       |

## مقدمه

جامعه اسلامی ایران به دلیل مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و سازندگی، جامعه‌ای مردمی است؛ لذا با همین رویکرد توانسته از ابتدای انقلاب تاکنون موانع کوچک و بزرگ بسیاری را پشت سر بگذارد. مشارکت در فرآیندهای انتخاباتی، دفاع مقدس، نهضت سوادآموزی، جهاد سازندگی، پوشش‌های مردمی در بلایای طبیعی و مواردی از این دست گوشه‌ای از حضور فعال مردم در صحنه است.

لذا امامین انقلاب بر حضور و مشارکت فعال و مسئولانه مردم تأکید دارند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مردم و مسئله مردم را مسئله اصلی می‌دانند: «مسئله اصلی ما، مسئله مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده مردم، عزم راسخ مردم. ... در همه تحولات و جنبش‌های گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است؛ یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پایید، کاری نخواهد کرد» (بیانات در دیدار مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کلان سیستم، همواره و متناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف، با درایت و رهبری حکیمانه امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم را در قالب بهترین شکل مشارکت که همانا «سپردن نهایی امور به دست مردم» است راهبری نموده است: «نکته اساسی در انقلاب ما این بود که نقش مردم با پیروزی انقلاب تمام نشد... مردم خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند، شرکت می‌کنند، انتخاب می‌کنند؛ کار دست مردم است. ... امروز به برکت انقلاب اسلامی، مردم می‌دانند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور هم خود مردم‌اند» (بیانات در دیدار مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

واقعیت این است که اصل انقلاب اسلامی با حضور و مشارکت مسئولانه و سازنده مردم، پیروز و حیات بعد از آن نیز با همین منوال ادامه یافته است. نظریه تشکیل حکومت اسلامی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نهادها و ارگان‌های مردم‌نهاد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، از مصادیق بزرگ مشارکت و مردم‌سالاری دینی در دوران معاصر است که توسط امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ارائه گردیده است.

با توجه به توضیحات فوق، برای مردمی شدن فعالیت‌ها، چه فرآیندی باید طی شود؟ نقطه شروع در این فرآیند و مراحل آن کدامند؟ به کدام بخش باید اهمیت بیشتری داد؟ چه علل و عواملی، بر مشارکت مردم اثرگذارند؟ موجبات مردمی شدن فعالیت‌ها کدامند؟ مردم در چه حوزه‌هایی باید مشارکت داده شوند؟ مردمی شدن فعالیت‌ها، چه نتایجی به دنبال دارد؟ موانع مردمی شدن فعالیت‌ها چیست؟

لازمه‌ی حرکت به سمت مردمی‌سازی فعالیت‌ها و پاسخ به سوالات فوق، ترسیم و طراحی مدل و الگویی برای مردمی کردن فعالیت‌هاست لذا، هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه الگوی مفهومی پارامترهای موثر در مشارکت اجتماعی است.

## ادبیات نظری

مشارکت در لغت، اسم مصدر به معنای «با هم شریک شدن و شرکت کردن با هم» است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۴۴) و در اصطلاح، به کنش یا عملی گفته می‌شود که عامل با توجه به انتظارات افراد دیگر، آن را انجام می‌دهد (گلایی و اخشی، ۱۳۹۴).

اگرچه مشارکت تاریخچه طولانی و پیچیده‌ای دارد ولی در دیدگاه و نظریه‌های مشارکت، می‌توان دو رویکرد را تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان. در نگرش اول، مشارکت از حیث خرد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و موضوع بحث آن، مشارکت اعضای جامعه به صورت خرد در یک فعالیت است. سولاتی که در این نوع از مشارکت از آن بحث می‌شود، چنین است: «به چه میزان سرمایه نیاز است؟»، «چه منافعی برای تیم‌های شرکت‌کننده حاصل می‌شود؟»، «درصد سهم برای عوامل به چه میزان است؟»، «چه قواعدی بر ایجاد یا انفکاک مشارکت حاکم است؟» و... انواع مشارکت افراد، که در مدل‌های کسب‌وکار از آن بحث می‌شود، از این نوع است. «مشارکت مالی»، «مشارکت بازرگانی»، «مشارکت پژوهشی»، «مشارکت تجهیزاتی» و «مشارکت پروژه‌ای»، از انواع مشارکتی هستند که به این دسته مربوط می‌شوند.

اما رویکرد دوم مشارکت، به آن از منظر جمعی و اجتماعی نظر می‌افکند و موضوع بحث آن، مشارکت اعضای جامعه، به شکل اجتماعی است. این مدل‌ها، از رفتار اجتماعی اعضای یک جامعه، در قبال اهداف و حوزه‌های فعالیتی بحث می‌کنند و به حالت‌های مختلف مشارکت، که بین دو فرد به وقوع بپیوندد، نمی‌پردازد. در این رویکرد، مشارکت به فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که طی آن، اعضای جامعه در امور جامعه شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (اسدیور و همکاران، ۱۳۹۷).

## کارکردهای مشارکت مردمی در اجتماع

از دیدگاه اصل مشارکت، همه افراد در مورد اموری که مربوط به خودشان است، اعم از امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، احساس مسئولیت می‌نمایند و حق دارند در مورد آن‌ها فکر کنند و اندیشه خود را آزادانه بیان نمایند. چنین مشارکتی از ایستادگی مردم در برابر دگرگونی، نوسازی و تحول جوامع می‌کاهد و باعث رشد و توسعه جامعه می‌شود. تحقیقات روان‌شناختی نشان داده است که هرگاه مردم فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سرنوشت آن‌ها اثر می‌گذارد شریک شوند، خلاقیت و نوآفرینی آنان با احساس مسئولیت بیشتری افزایش می‌یابد.

چنین دیدگاهی که بر مشارکت مردم تأکید دارد به نحو چشم‌گیری نه‌تنها می‌تواند بر توفیق یک برنامه اجتماعی صحنه‌گذار، بلکه فواید دیگری نیز، از جمله جذب سرمایه، نیروی انسانی متعهد، بهره‌وری، احساس مسئولیت بالا، نوآوری، مقاومت در برابر مشکلات، افزایش فرهنگ تحمل و مدارا، دوری از انزوا، به جریان افتادن سرمایه را در برداشته باشد. برخی از کارکردهای مشارکت عبارت‌اند از:

- فراهم نمودن احساس مالکیت برای مردم؛
- بازگشودن فرصت‌های پیشرفت بر روی مردم؛
- توزیع قدرت در بین مردم و سهیم کردن آنان در اختیارات و تصمیم‌گیری‌ها؛
- اجازه دادن به مردم برای نظارت بر امور تأثیرگذار بر سرنوشت آنان؛
- برابری مردمان و برخورداری از حقوق شهروندی؛
- ایجاد فرصت‌های برابر برای پیشرفت همه مردم، به ویژه گروه‌های پایین جامعه (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

## روش تحقیق

پس از بررسی‌های انجام شده، روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» به عنوان روش مناسب برای پاسخگویی به سوال پژوهش پیش رو انتخاب شد؛ چرا که این نظریه زمانی به کار می‌رود که به یک تئوری گسترده، یا توضیح یک فرآیند نیاز است (کریسول، ۲۰۰۵، ص ۲۴۳).

نظریه داده‌بنیاد عبارت است از: فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق جمع‌آوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه گردآوری شده، برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن می‌باشد (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). از آنجا که در حوزه‌ی الگوی مشارکت مردمی، کار چندانی صورت نگرفته است، از این رو، بررسی مولفه‌ها و چارچوب‌های آن، مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری از طریق گردآوری منسجم و سازمان‌یافته بیانات ایشان در این زمینه و دستیابی به نظام مفهومی‌های حاکم بر سخنان ایشان و استنباط از آن، در این پژوهش دنبال شد.

فرآیند روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شرح زیر است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶):

الف. انتخاب نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به عنوان استراتژی پژوهش: از آنجا که این نظریه، در داده‌ها، بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد. به همین دلیل، مسئله پژوهش پیش رو، تبیین الگوی مردمی‌سازی فعالیت، بر مبنای رهنمودهای مقام معظم رهبری با استفاده از روش داده‌بنیاد است.

ب. در نظر گرفتن یک فرآیند برای بررسی و مطالعه: در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک فرآیند، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم کنش‌ها بین وقایع مربوط به یک موضوع است. فرآیند مذکور در این پژوهش، پس از بیان مسئله و انتخاب روش داده‌بنیاد، جمع‌آوری داده‌ها از بیانات مقام معظم رهبری، تجزیه و تحلیل و کدگذاری آن‌ها، ارائه مدل اولیه، اعتبارسنجی آن و در نتیجه، ارائه مدل نهایی است.

ج. انجام نمونه‌برداری نظری: نمونه‌برداری نظری، فرآیند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که بدان‌وسیله تحلیل‌گر، به طور همزمان داده‌های خود را جمع‌آوری و کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد برای بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آن‌ها را پیدا کند. انجام نمونه‌برداری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، تا زمانی ادامه می‌یابد که اشباع نظری رخ دهد؛ به این معنا که داده‌های جدیدی ظاهر نشود و تمام مفاهیم تئوری، به خوبی توسعه یابند و ارتباط آن‌ها با سایر مفاهیم توضیح داده شود (آلدیابت و لی‌ناونس، ۲۰۱۸). در این مرحله، بیانات مقام معظم رهبری، طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های مرتبط با «مردمی‌سازی»، «مشارکت»، «حرکت عمومی»، «بسپج عمومی»، «نقش رسانه»، «جایگاه و نقش مردم»، «حضور مردم»، «گفتمان عمومی»، «فضای عمومی»، «ذهنیت عمومی»، «تبلیغ و ترویج»، «حرکت خودجوش»، «آتش به اختیار» و «موانع فعالیت» مبتنی بر اصل اشباع نظری، فیش‌برداری و احصاء شد.

د. کدگذاری داده‌ها و خلق نظریه: در روش داده‌بنیاد، سه مرحله کدگذاری انجام می‌شود که خلق نظریه در نتیجه مرحله سوم کدگذاری صورت می‌گیرد. این سه مرحله عبارتند از: «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» (بلیور، ۲۰۱۵). کدگذاری باز، فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شود. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات، در خصوص پدیده در حال مطالعه را به وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر، مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع با یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد. «منظور از مفاهیم، برچسب‌های مفهومی هستند که بر حوادث یا سایر پدیده‌ها زده می‌شوند» (تراب‌زاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲).

کدگذاری محوری، فرآیند ربطدهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی و ابعاد است. در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری، باز تدوین شده و در جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فزاینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد.

کدگذاری انتخابی، «به فرآیند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با سایر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط بین آن‌ها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تایید و توسعه بیشتری دارند، اشاره دارد. در واقع در این مرحله، نظریه‌پرداز یک نظریه را از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری، به نگارش درمی‌آورد» (همان). نظریه خلق شده در این مرحله، شرحی انتزاعی برای فرآیندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد.

در این بخش از تحقیق، نکته‌های کلیدی داده‌های به دست آمده، تحلیل شده و معانی یافت شده از آن‌ها کدگذاری می‌شود. کدها، اشاره به نکته‌ها و موضوعات در خلال بیانات مقام معظم رهبری داشته و تاکیدات ایشان را بیان می‌دارد. فرآیند مقایسه و کنار هم قرار دادن این کدها، برای یافتن محورهای مشترک موجب شکل‌گیری مفاهیم شد. معیار توقف در کدگذاری باز، رسیدن به غنای محتوایی و اطلاعاتی و در حقیقت کفایت نظری است.

در گام بعدی، از راه مقایسه هر مفهوم، با مفاهیم دیگر و نسبت‌یابی بین آن‌ها، محورهای مشترکی کشف شد که مقوله‌ها را به‌وجود آورد.

ه. یادداشت‌نگاری: یادداشت‌هایی می‌باشند که پژوهشگر در سراسر فرآیند پژوهش می‌نویسد تا ایده‌هایی را در مورد داده‌ها و مقوله‌های کدگذاری شده شرح دهد.

و. اعتبارسنجی نظریه: پس از تدوین یک نظریه، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، فرآیند را به وسیله مقایسه آن، با فرآیندهای موجودی که در پیشینه تخصصی یافت می‌شود، اعتبارسنجی می‌کند. در انتهای مراحل که در بالا گذشت، مفاهیم و مقولات استخراجی و در نتیجه، مدل اولیه به تایید خبرگان رسیده و اعتبارسنجی می‌شود. اعتبارسنجی مدل ارائه شده، مبتنی بر جامعیت نظری تحلیل‌ها و کدگذاری و نیز جامعیت مفاهیم و مقولات، سنجش معیار استخراج داده‌ها و مفاهیم، مبانی معرفت‌شناسی و اصول حاکم بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری و معیار کنترل فرآیند است که بر اساس نظر محققان و حساسیت نظری آن‌ها حاصل می‌شود.

ز. نگارش و ارائه نظریه: نظریه‌پردازان داده‌بنیاد، ممکن نظریه خودشان را در سه شکل ارائه دهند. الگوی کدگذاری بصری، مجموعه‌ای از قضایا (یا فرضیه‌ها) و داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود. در این مطالعه، سعی شده است از شکل اول بیان نظریه استفاده و نظریه به صورت الگوی کدگذاری بصری بیان شود.

با توجه به توضیحاتی که گذشت، منطق پژوهش ایجاب می‌کند که ابتدا کدگذاری‌ها، سپس مفاهیم و مقولات و در مرحله آخر، مدل ارائه گردد.

لازم به ذکر است الگوی طراحی شده، صرفاً یک طرح اولیه و شماتیک می‌باشد و نیاز به اصلاح با نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر دارد.

## ویژگی‌های فعالیت مردمی

حضور مردم در صحنه یعنی بی‌تفاوت نبودن؛ سرنوشت کشور را رها نکردن؛ بی‌رغبت نبودن نسبت به حوادثی که در کشور می‌گذرد؛ این معنای حضور در صحنه است (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در آستانه انتخابات مجلس خبرگان، ۱۳۸۵/۹/۲۲).

در حرکت مردمی ممکن است کار انقلاب با تأخیر انجام گیرد، ولی از سطحی‌گری و ناپایداری به دور است (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

این سر مقدس؛ یعنی انگیزه و عزم قیام، بتدریج در ذهنیت ملت مصر قوام یافت و شکل گرفت و در لحظه‌ی مناسب تاریخی، عریان در صحنه‌ای پرشکوه به میدان آمد.

تونس و یمن و لیبی و بحرین هم دقیقاً محکوم به همین حکمند؛ «و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً».

در چنین انقلاب‌هایی، اصول و ارزش‌ها و هدف‌ها، نه در مانیفست‌های پیش‌ساخته‌ی گروه‌ها و حزب‌ها، بلکه در ذهن و دل و خواست آحاد مردم حاضر در صحنه، نگاشته و در قالب شعارها و رفتارهای آنان اعلام و تثبیت می‌شود. (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

خب، حالا یک سؤال اینجا مطرح میشود و آن، این است که فرآیند ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟ حالا شما یک جوان متعهد هستید، می‌خواهید در این حرکت عمومی حضور داشته باشید؛ شیوه‌ی حضور شما چگونه است؟ این، آن مطلبی است که من یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم؛ یک توضیحی باید بدهیم.

ببینید، درست توجه کنید! یک حرکت عمومی معقول و منضبط -منضبط! وقتی می‌گوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱).

اینکه من بارها می‌گویم فردا مال شما است و شما خودتان را باید آماده کنید برای مدیریت فردا، این تعارف نیست، این شوخی نیست، این واقعیت است؛ البته مراقب باشید که بر همین صراط مستقیم پیش بروید؛ یعنی همین انگیزه را حفظ کنید. خیلی‌ها بودند و هستند که یک روز با شور و احساس و هیجان حرف می‌زدند، بعد مثلاً در شرایط دیگری، شکل دیگری شدند؛ مراقب باشید این‌جوری نشود؛ یعنی حرکت، یک حرکت مستمر، خستگی‌ناپذیر، با تکیه به کمک الهی و به امید رسیدن به ثواب الهی [باشد]؛ این‌جوری حرکت بکنید که آن‌وقت حرکتتان در جهت درست باقی خواهد ماند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷).

آزادی؛ آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عمل. البته اینجا یکی از عزیزانی که صحبت کردند، یک جمله‌ی کوتاهی راجع به آزادی گفتند که کاملاً درست بود. آزادی از جمله‌ی مقولاتی است که حتماً به قانون، به چهارچوب احتیاج دارد. چون طبیعت آزادی این است که اگر قانون و چهارچوب وجود نداشته باشد، از حد تجاوز خواهد کرد، به تعدی و به ولنگاری و به جاهای بدی خواهد انجامید که امروز شما نمونه‌هایش را در غرب مشاهده میکنید. این آزادی اگر نباشد، رشد وجود ندارد. اگر در جامعه، آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عمل وجود نداشته باشد، رشد در جامعه متوقف خواهد شد. رشد جامعه -رشد معنوی جامعه- و پیشرفت جامعه، حتماً به این آزادی‌ها احتیاج دارد (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷).

مردم‌سالاری؛ انتخابات عمومی در کشور ما جزو کم‌نظیرترین انتخابات‌ها در تمام دنیا و در کشورهای مختلف است. تقریباً همه‌ی سال‌ها و اخیراً هر دو سال یک بار، انتخابات انجام می‌گیرد. در انتخابات همه آزادند، همه شرکت می‌کنند، با شور و شوق هم ملت ما شرکت می‌کنند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

ارزش و اصل دیگر، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملت ایران است یعنی ملت، در مقابل دیگران احساس انفعال و سرافکندگی نداشته باشد؛ یعنی روحیه‌ی «ما می‌توانیم»؛ این امروز بحمدالله در کشور وجود دارد (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

دنیای اسلام تا وقتی انقلاب عظیم اسلامی پیش نیامد، یک نظام مبتنی بر تعالیم اسلام و هدایت اسلامی را تجربه نکرد. این انقلاب درست در خط جهت‌گیری ائمه (علیهم‌السلام) قرار داشت. ما اگر در این بیست و هفت سال توانستیم و در وسع و قدرت ما بود که حرکت خود را با همان نواخت و آهنگی که ائمه (علیهم‌السلام) پیش می‌رفتند، تنظیم بکنیم، امروز به قله‌های خیلی رفیعی رسیده بودیم؛ منتها ما ضعیف و ناقص هستیم. آنچه پیغمبر اکرم در ظرف ده سال حکومت خود انجام داد، جوامع معمولی و رهبران معمولی مؤمن به همان راه، در ظرف صد سال هم نمی‌توانند انجام بدهند. نواخت کار و آهنگ حرکت ما، آهنگی است که از ضعف‌های ما سرچشمه می‌گیرد. ما در جنب آن انسان‌های قدسی و بزرگ، انسان‌های ضعیفی هستیم، ولی به‌رحال حرکت کردیم و به قدر وسع و توان خود پیش رفتیم (بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان در سالروز شهادت حضرت امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۹/۷).

انقلاب فقط شورش کردن، به خیابان ریختن و جنجال کردن نیست. انقلاب یعنی تغییر بنیادین همه‌ی نهادهای اصلی زندگی جامعه؛ تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابجاست، به آنچه صحیح و مستقیم و بجاست. این حرف را ما از اول هم می‌گفتیم و چنین نیست که امروز بگوییم. این امری است که بتدریج و در طول زمان با تلاش و مجاهدت دائمی انجام می‌گیرد؛ مشروط بر اینکه روح و خواست و ضرورت انقلاب در مردم باقی بماند (بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵).

مردم خون دل می‌خوردند، کاری هم نمی‌توانستند بکنند؛ چون فشار زیاد بود. این حرکت عظیمی که در آنجا اتفاق افتاد، یک حرکت دفعی نبود. حرکت‌های بزرگ اجتماعی، اتفاقات لحظه‌ای نیست؛ اینها بروز لحظه‌ای است. اتفاق در طول زمان، با پی‌درپی آمدن عوامل گوناگون - معرفت‌ها، بصیرت‌ها، خون‌دل‌ها، عقده‌ها - جمع می‌شود، ناگهان به یک مناسبتی، در یک وقت مناسبی بروز می‌کند (بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷).



## حرکت مردمی:

یعنی بی تفاوت نبودن مردم نسبت به سرنوشت کشور

با سرعت پایین است

عزمی می‌خواهد که به تدریج در اذهان عموم شکل می‌گیرد

در لحظه مناسب بروز پیدا می‌کند

برخواسته از ذهن و دل و خواست مردم است

حرکت عمومی معقول و منضبط است

حرکتی غوغاسالارانه و بلبشویی نیست

مستمر و پایدار است

حرکتی خستگی‌ناپذیر است

حرکتی جهت رسیدن به ثواب الهی است

نیازمند آزادی اندیشه است

باید همراه با آزادی عمل در چارچوب قانون باشد

همراه با شور و شوق مردم برای حضور است

همراه با روحیه "ما می‌توانیم" است

احساس انفعال و سرافکنندگی ندارد

## نتایج مردمی شدن

جنگ چیز تلخی است، جنگ هشت‌ساله واقعاً تلخ بود، خسارت‌بار بود، برای ما خیلی زحمات درست کرد؛ بنده در متن کار حضور داشتم؛ خیلی تلخ بود، خیلی سخت بود، خیلی غصه‌دار بود، بارها اشک‌های ما را درمی‌آورد و انسان را خسته میکرد اما با همه‌ی این سختی‌ها این حُسن بزرگ را داشت که به جوان ایرانی نشان داد که قادر است، که می‌تواند، اگر اراده بکند و در یک میدانی وارد بشود، خواهد توانست بر رقیب و حریف خودش فائق بیاید؛ کمالینکه ما فائق آمدیم. جوان ایرانی وارد میدان جنگ شد، اگر جنگ نبود، این اتفاق به این شکل نمی‌افتاد. جنگ مثل یک آتش‌سوزی است؛ وقتی آتش‌سوزی میشود، همه کارهای دیگر را کنار می‌گذارند و می‌روند آتش را خاموش کنند؛ همه متوجه جنگ شدند. استعدادها بروز کرد، نشان داده شد که جوان ایرانی می‌تواند؛ موجب رشد خودباوری شد (بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

بسیج وقتی که جلو افتاد، وقتی این نیروی جوان و پیش‌ران، حرکت صحیح خودش را دنبال کرد، آن آدم ناامید و افسرده هم بانشاط می‌شود و امیدوار می‌شود (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

مطلب بعدی این است که عرض کنیم در کشور ما استعدادها و ظرفیت‌های بسیار گسترده‌ای وجود دارد که تاکنون از آنها استفاده نشده است؛ اگر استفاده بشود، وضعیت کشور بمراتب پیش خواهد رفت و بهتر خواهد شد (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

اگر ما بتوانیم از همه‌ی ظرفیت کشور با برنامه‌ریزی درست استفاده کنیم، پیشرفت کشور، رشد کشور بسیار بیشتر از امروز خواهد شد (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

خب، کار به این معنا یک برکتی دارد که این برکت در هیچ چیز دیگر نیست. کار به این معنای گسترده‌ای که عرض کردیم، سازنده است؛ هم سازنده‌ی خود انسان است، هم سازنده‌ی جامعه است، سازنده‌ی دیگران است؛ بنابراین ارزش است. بیکاری، تنبلی، وقت‌گذرانی‌های بیجا، بی‌مورد، هدر دادن نیروی جوانی، نیروی فکری، نیروی بدنی مذموم است، ضد ارزش است؛ این منطق اسلام است. هرکسی در هرجایی که دارد یک کاری را انجام می‌دهد، دارد یک ارزش می‌آفریند. اگر با نیت خدایی همراه باشد، عبادت است، ثواب است (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸).

به این حقیقت بایستی با دقت نگاه کرد؛ این ظرفیت عظیم، ناشی از همین جمهوریت و اسلامیت است؛ از همین مردم‌سالاری دینی و اسلامی است؛ این است که این ظرفیت عظیم را به وجود آورده است. و راز ماندگاری و مصونیت و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی هم این است و این را جمهوری اسلامی در ذات خود دارد و ان‌شاءالله آن را همواره حفظ خواهد کرد (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲).

یک پیام دیگر این انتخابات و این حضور عظیم مردمی، وجود اعتماد متقابل میان نظام اسلامی و مردم است (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲).

یک پیام دیگر هم در این انتخابات بود و آن وجود نشاط و امید در مردم است. این البته در کشور ما و جامعه‌ی ما یک چیز طبیعی است؛ چون اکثریت کشور ما جوان هستند و جوان، مظهر نشاط است؛ مظهر امید است. با امید وارد میدان شدند - امید به آینده اگر نباشد، دل ناامید و افسرده وارد میدان انتخاب نمی‌شود - حضور مردم، حضور جوان‌ها، نشانه‌ی امیدواری آنهاست (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲).

چون قبل از این هشت سال هم، نیروی مردمی بسیج، در میدان بود. بعد از آن هم، تا امروز بوده است - یک نیروی عظیم مردمی وارد میدان شد، و همه معادلات را به زیان حسابگران سیاسی و نظامی دنیا بر هم زد (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۲/۸/۳۰).

وقتی که بین این نیروی عظیم با مرکزیت کشور، با مسؤولین کشور، با دستگاه اداره کننده کشور، با رهبر، با دولت، پیوند و ارتباط مستحکم باشد، اداره کنندگان چنان قدرت روحی پیدا می کنند که در مقابل فشارها و تحمیلات جهانی بگویند «نه»؛ تا استکبار نتواند بر آن‌ها چیزی را تحمیل کند. کما این که امروز آمریکایی‌ها و بقیه قدرت‌های ظالم و غاصب، بر خیلی از دولت‌ها تحمیل می کنند. هم آن‌ها قدرت پیدا می کنند، هم نیروی مردم در راه مصالح کشور به کار می رود. اراده‌های مردم، مشت‌های گره کرده مردم، در راه استقلال و آباد شدن کشور و در راه آزاد زیستن و عزت ملت به کار می افتد. و کدام عزت برای یک ملت از این بالاتر، که هیچ قدرتی نتواند آن را ابزار دست و وسیله برای رسیدن به خواسته‌های خودش قرار دهد؟! این، برای یک ملت، از هر عزتی بالاتر است (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۲/۸/۳۰).

انتخابات می تواند برای کشور و ملت ما یک وسیله‌ی مصونیت و یک نمودار اقتدار باشد و ملت و نظام اجرایی کشور را در مقابله‌ی با چالش‌های گوناگون جهانی، از گذشته مستحکم‌تر کند. انتخابات می تواند نظام جمهوری اسلامی را جوان‌تر از آنچه هست، بکند. انتخابات پُرشور از سوی مردم می تواند روز نویی را برای آنها رقم بزند (بیانات در دیدار مردم کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱).

ضمناً تشکل‌های دانشجویی فرصتی هم برای دانشجو ایجاد می کند برای کار دسته‌جمعی. و من به کار دسته‌جمعی اعتقاد دارم و این را یک نیاز دانشجو می دانم؛ کسب مهارت‌های گوناگون؛ مهارت‌های سیاسی، اجتماعی (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

تشکل‌ها می توانند مصونیت‌بخش باشند؛ می توانند دانشجو را از افتادن در گرداب‌های مختلف و منجلاب‌های مختلف نجات بدهند و حفظ کنند. این، نقشی است که تشکل‌ها می توانند ایفاء کنند (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

در مورد انتخابات خبرگان آنچه که من عرض می کنم - همان‌طور که اشاره شد - یک تشکر صمیمانه عمیق از شما مردم است. این کاری که در انتخابات انجام گرفت و این رأی بالایی که در این انتخابات داده شد، دشمن را، بیگانه را و تحلیل‌گر خصم و مغرض را حیرت‌زده کرد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۸/۸).

اما بسیج با حضور در سازمان‌های نیروهای مسلح و با فداکاری عمومی، موجب استحکام هرچه بیشتر پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شد (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون، ۱۳۸۰/۸/۲۱).

حضور مردم و بسیج حقیقی دل‌ها و جسم‌ها و جان‌ها می تواند پشتوانه‌ی این حرکت عظیم جهانی باشد. این مسؤولیت عظیم بسیج است (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون، ۱۳۸۰/۸/۲۱).

بسیج - همان‌طور که گفتیم - مایه‌ی عزت کشور و نظام است. چرا؟ چون معنای بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور است. هر دولتی و هر کشوری وقتی مردم را داشته باشد، هر جایی که متن مردم حضور پیدا کنند و مردم حرکت بکنند به یک سمتی، پیروزی قطعی است؛ [این] یک چیز مسلم است. آنجایی کشورها ضربه می‌خورند، شکست می‌خورند که مردمشان در صحنه نباشند یا وحدت عمل نداشته باشند. آنجایی که مردم در صحنه‌اند و پیوند و اتحاد میان آحاد مردم هست، پیروزی و پیشروی قطعی است. بسیج یک چنین نمونه‌ای است؛ مظهری است از همین حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر؛ به این چشم به بسیج باید نگاه کرد (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

حضور در صحنه یکی از مهم‌ترین کارها است؛ توانایی‌های بسیج، توانایی‌های کارگشا و گره‌گشا است (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

پس، این نعمت - یعنی نعمت مشارکت مردم در دفاع از کیان انقلاب و از عزت و آبرو و سربلندی کشور - نعمت بزرگی است. من به شما عرض کنم که با همین روحیه است که جوانان خواهند توانست نقش خود را در هر مرحله‌ای در پیشبرد و توسعه و آبادانی کشور ایفا کنند، و مردمی چون شما می‌توانند با چنین روحیه‌ای مدعی شوند که عضو فعال یک ملت زنده و عزیز مانند ملت ایرانند (بیانات در دیدار مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴).

درباره‌ی محتوای پیام، سخن اصلی ما این است که ملت ایران برای این که رشد و پیشرفت لازم را در همه‌ی صحنه‌ها - که شایسته‌ی آن است - به دست بیاورد، احتیاج دارد به تقویت همبستگی ملی و مشارکت عمومی در همه‌ی میدان‌های طلب‌کننده‌ی حضور ملت. کشور متعلق به ملت ایران است؛ آینده هم متعلق به این ملت است؛ امروز و فردا را هم ملت ایران ساخته‌اند و می‌سازند؛ لذا نام‌گذاری امسال به «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» اشاره به نیاز بزرگ ملت در همه‌ی مسائل است؛ همکاری، همدلی، بازو به بازو دادن و دل‌ها را به یکدیگر مرتبط کردن و به سمت هدف‌های والای این ملت - که برای بهروزی و پیشرفت او و کشورش لازم است - پیش رفتن (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱).

امسال بخصوص همبستگی ملی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اولاً به خاطر مسأله‌ی بسیار مهم انتخابات ریاست جمهوری که در پیش است؛ ثانیاً به خاطر این که یک بار دیگر ملت ایران با همبستگی و مشارکت خود توطئه‌های دشمنان ایران اسلامی را خنثی کنند (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱).

آنچه امروز درباره‌ی این مسأله عرض می‌کنم، چند نکته است: یکی این که حضور آگاهانه در انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب هوشمندانه از سوی آحاد مردم، یک مشارکت در سرنوشت کشور است. کشور ما متکی به آراء مردم است. علت این که دشمنان ملت و طمع ورزان به این آب و خاک نتوانسته‌اند در طول بیست و شش سال گذشته گزندی وارد کنند، حضور و اراده و مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف بوده است (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱).

کار دست مردم، صحنه دست مردم، ابتکار عمل دست مردم؛ این هنر امام بود؛ این هنر امام بزرگوار بود؛ صحنه را داد دست صاحبان کار؛ چون کشور صاحب دارد. در دوران طاغوت می‌گفتند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ شاه؛ درحالی که او یک انگل و سربار و زیادی در کشور بود، نه صاحب کشور؛ صاحب کشور مردمند؛ بله، کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه می‌کنند به صحنه، می‌شناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض می‌کنم روز نه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ می‌ترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی می‌کنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوان‌هاست که می‌جوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر می‌گذارند، صبر هم می‌کنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آن‌جائی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه (بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹).

مطمئن باشید اگر حضور بسیج مستضعفین در هشت سال دفاع مقدس نبود، امروز سرنوشت کشور چیز دیگری بود؛ دشمن مسلط می‌شد و این حرکت عمومی، این هیجان عمومی، این جوانی که خودش می‌آمد، همه‌ی خانواده‌ی خودش را هم در پشت جبهه

در حال و هوای دفاع از انقلاب و دفاع از کشور و دفاع از نظام قرار می‌داد، پدید نمی‌آمد؛ این خیلی حادثه‌ی عظیمی بود (بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۱۳۸۸/۹/۴).

اما آنچه نقطه‌ی مهم‌تر عرض من است، خطاب به جوان‌هایی است که در سرتاسر کشور فعالیت‌های فرهنگی را به صورت خودجوش شروع کردند که بحمدالله خیلی هم وسیع شده است. من می‌خواهم بگویم آن جوان‌هایی که در تهران، در شهرهای گوناگون، در استان‌های مختلف، در خود مشهد، در بسیاری از شهرهای دیگر کار فرهنگی می‌کنند، با اراده‌ی خودشان، با انگیزه‌ی خودشان - کارهای بسیار خوبی هم از آن‌ها ناشی شده است که از بعضی از آن‌ها ما بحمدالله اطلاع پیدا کردیم - کار را هر چه می‌توانند به‌طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوان‌های مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت، ایفا کرده است. علاوه‌ی بر اینها، مراجع فرهنگی. مراجع فرهنگی یعنی چه کسانی؟ یعنی علما، اساتید، روشنفکران انقلابی، هنرمندان متعهد، اینها نگاه نقادانه خودشان را نسبت به اوضاع فرهنگی کشور همچنان داشته باشند و تذکر بدهند. البته من در مورد تذکرات، معتقدم باید با منطق محکم و با بیان روشن، نقطه نظرات صحیح را ارائه بدهند. با تهمت‌زنی و جنجال‌آفرینی، بنده موافق نیستم؛ با تکفیر کردن و متهم کردن این و آن، بنده موافق نیستم. اعتقاد من این است که مجموعه‌ی انقلابی کشور - که بحمدالله تعداد بی‌شماری از آنها در بین جوانهای ما، در بین صاحب‌نظران ما، اساتید ما، بزرگان ما، تحصیل‌کرده‌های ما حضور دارند - می‌توانند با منطق محکم وارد میدان بشوند، نقادی کنند. نقاط ضعف را و نقاط منفی را به رخ ما مسئولین بکشاند. گاهی می‌شود که مسئول، متوجه نیست چه دارد می‌گذرد در متن جامعه، اما آن جوان در متن جامعه است، او می‌فهمد؛ آن عزم ملی و مدیریت جهادی که عرض کردیم در زمینه‌ی فرهنگ، این است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

البته باید مردم کمک کنند. من به شما عرض بکنم که مردم - چه افراد سیاسی، چه افراد اقتصادی، چه آحاد مردم - باید به دولت کمک کنند، به مسئولین کشور کمک کنند. این کار البته فقط هم کار دولت نیست؛ هر سه قوه باید با یکدیگر همکاری کنند تا کار پیش برود؛ و مردم هم باید کمک کنند به این‌ها؛ این کمک لازم است و جدیت مسئولین بخصوص قوه‌ی مجریه هم لازم است. اگر بتوانیم این حرکت را راه بیندازیم، عرض کردیم که این جریان، جریان انقلابی است و هم سرعت خواهد داشت، هم موفقیت خواهد داشت. ما در هر جایی که کار انقلابی کردیم، اینها را داریم (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱).

یقیناً حماسه‌ی سیاسی در دو حرکت بزرگ ملت ایران جلوه‌ی بیشتری یافت: یکی حرکت انتخابات در نیمه‌ی اول سال، و دیگری راهپیمایی سراسری و عظیم ملت در نیمه‌ی دوم. درباره‌ی انتخابات حرف بسیار زدیم؛ هم این انتخابات، هم همه‌ی انتخابات‌های متعددی که از اول انقلاب تاکنون برگزار شده است. همچنین درباره‌ی راهپیمایی‌های بزرگ سراسری بیست‌و‌دوم بهمن، هم این حقیر و هم دیگران، مطالب متعددی را بر زبان آورده‌اند که نمی‌خواهیم آنها را تکرار کنیم؛ ولی دو نکته درباره‌ی این دو حادثه وجود دارد. درباره‌ی هر کدام از این دو حادثه‌ای که به معنای واقعی کلمه هر کدام یک رسانه‌ی فراگیر از وضعیت کشور ما و ملت ما در مقابل لجن‌پراکنی‌های مغرضانه‌ی تبلیغات جهانی است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

اینکه می‌بینید در خبرگزاری‌های خارجی از زبان سیاستمدارها و دیپلمات‌ها و مانند اینها این روزها زیاد تکرار می‌شود که ایران را با فشار و تحریم و تهدید و مانند اینها نمی‌شود به زانو درآورد، این ناشی از قضایای یک ماه و دو ماه و شش ماه اخیر که نیست، [بلکه] ناشی از چهل سال حرکت ملت ایران است (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۸/۴/۵).

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را

میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اُتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد...

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نسل جدید ما فراموش نکند، ما دوره‌ی قبل از انقلاب را با همه‌ی وجودمان لمس کردیم؛ دیکتاتوری را، در حاشیه بودن مردم را، بی‌اعتنائی به مردم در امر حکومت را با همه‌ی وجودمان دیده‌ایم؛ جوانهای ما ندیده‌اند. مردم، قبل از پیروزی انقلاب هیچ نقشی در مدیریت کشور و تعیین مدیران نداشته‌اند؛ رؤسا، سلاطین، پادشاهان و اطرافیانشان، می‌آمدند، می‌رفتند، [اما] مردم فقط تماشاچی بودند؛ هیچ نقشی نداشتند. انقلاب اسلامی آمد و مردم را از حاشیه به متن آورد؛ مردم شدند صاحب اختیار (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۵/۱۲).

رهبر انقلاب اسلامی به مخالفت آمریکا و اذنان او با «حشدالشعبی» یا همان نیروهای مردمی، اشاره کردند و افزودند: مخالفت آمریکایی‌ها با نیروهای مردمی به این علت است که آنها می‌خواهند عراق، عامل مهم اقتدار خود را از دست بدهد (بیانات در دیدار با آقای حیدر العبادی نخست وزیر عراق و هیات همراه، ۱۳۹۶/۳/۳۰).

جشن حماسی انتخابات دیروز، بار دیگر گوهر درخشان عزم و اراده‌ی ملی را در برابر چشم جهانیان به جلوه آورد. مشارکت گسترده و پرشور شما، و هجوم مشتاقانه به مراکز رأی‌گیری، و تشکیل صفهای طولانی برای رسیدن به صندوق‌های رأی در همه جای کشور، و از همه‌ی قشرهای اجتماعی، نشانه‌ی آشکار از استحکام پایه‌های مردم‌سالاری اسلامی و دلبستگی همگانی به این موهبت بزرگ پروردگار بود و ایران و ایرانی را در آزمون میدان عمل، سرافراز و روسفید کرد. دیروز با این حضور مترکم و افکندن بیش از چهل میلیون برگه‌ی رأی در صندوقها، نصاب تازه‌ی در انتخابات ریاست جمهوری پدید آمد و پیشرفت روزافزون ملت ایران را در عرصه‌ی حضور و بروز قدرتمندانه نشان داد. ایران اسلامی بار دیگر بدخواهان و کین‌ورزان و حسودان را عقب نشانید و دل دوستان و تحسین‌کنندگان خود را لبریز از شادی و افتخار کرد. پیروز انتخابات دیروز، شما مردم ایرانید و نظام جمهوری اسلامی است که به‌رغم توطئه و تلاش دشمنان، توانسته است اعتماد این ملت بزرگ را به‌طور فزاینده جلب کند و در هر دوره درخشش تازه‌ی نشان دهد. آزمون برجسته‌ی دیروز تنها مشارکت گسترده نبود، آرامش و متانت و نجابت شرکت‌کنندگان که امنیت انتخابات را تضمین کرد، نیز بخش مهمی از این آزمون خیره‌کننده بود. همه‌ی قشرها، همه‌ی سلیقه‌ها، همه‌ی گرایش‌های سیاسی در کنار هم به صحنه آمدند و دوشادوش یکدیگر به نظام جمهوری اسلامی رأی دادند (پیام به مناسبت حضور گسترده و حماسی مردم در انتخابات، ۱۳۹۶/۲/۳۰).

آنچه برای اداره‌ی کشور و حفظ کشور و منافع ملت به صورت فوری، فوری لازم است، حضور مردم است؛ حضور مردم است! حضور مردم است که گره‌گشا است، حضور مردم است که دشمنان را از هیبت جمهوری اسلامی می‌ترساند؛ این واقعیتی است، این را بدانید (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۲/۱۷).

اگر می‌خواهید این احساس، این عظمت، این مصونیت باقی بماند برای ما، باید در انتخابات شرکت کنید؛ اگر می‌خواهید نظام جمهوری اسلامی، اقتدار خودش را در چشم جهانیان -چه دشمن، چه دوست- حفظ بکند، باید در انتخابات شرکت کنید. حضور در انتخابات، حفظ اقتدار کشور است، حفظ اُبهت کشور است، حفظ مصونیت کشور است؛ این است. اگر چنانچه در مورد انتخابات کوتاهی بشود، عواملی دست‌اندر کار بشوند که مردم را دلسرد کنند، مأیوس کنند و کوتاهی بشود در انتخابات، به کشور لطمه خواهد

خورد، ضربه خواهد خورد؛ هرکسی هم در این لطمه سهیم باشد، پیش خدای متعال مسئول است (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۲/۱۷).

مردم باید در کار تولید [دخالتهای] ما سیاستهای اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولت‌ها است، کار مردم نیست؛ کار ارتش‌ها است، کار دولت‌ها است - با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند - کاری که مربوط به دولت‌ها و مربوط به ارتش‌ها است - توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱).

معنای این شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که مردم‌سالاری دینی در کشور تثبیت شده است؛ معنای آن این است که نظام جمهوری اسلامی توفیق یافته است که مردم‌سالاری را در کشور نهادینه کند؛ این چیز کمی نیست (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

در درجه‌ی اول، گسترش مشارکت و حضور گسترده‌ی مردم در انتخابات اهمیت دارد. شور انتخاباتی در کشور و حضور مردم پای صندوق‌های رأی می‌تواند تهدیدهای دشمنان را بی‌اثر کند؛ میتواند دشمنان را ناامید کند؛ می‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. ملت عزیز ما در همه‌ی نقاط کشور این را بدانند؛ حضور گسترده‌ی آنها در پای صندوق رأی، در آینده‌ی کشور تأثیر دارد؛ در امنیت، در استقلال، در ثروت ملی، در اقتصاد، در همه‌ی مسائل مهم کشور تأثیر می‌گذارد (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱).

آن چیزی که در مورد انتخابات خواسته‌ی ماست، فکر ماست، آرزوی ماست، این چند چیز است: اول اینکه شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون‌کننده است. همه‌ی تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و در اثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد (بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۴). آن چیزی که هیبت این ملت را حفظ می‌کند، قدرت معنوی او را به رخ دشمنان میکشاند و آنها را از تعرض منع می‌کند و می‌ترساند، حضور مردمی است (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

مشارکت مردم میتواند آینده‌ی کشور را تأمین و تضمین کند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

ملت ایران بعنوان الگوی حرکت‌های اخیر منطقه تأثیر زیادی در جهت‌گیری این حرکت‌ها دارد و پیشرفت، امنیت، مشارکت عمومی، اعتماد به نفس ملی و وحدت ملی ایران، قطعاً تأثیر مثبت و پیشبرنده خواهد داشت (بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

مشارکت در سرنوشت کشور علاوه بر اینکه در اداره و تعیین مدیریت کشور نقش دارد، در خنثی کردن دشمنی- دشمنان هم بزرگترین نقش را ایفا می‌کند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱).

این جانب به طور قاطع به ملت عزیز عرض می‌کنم که اهمیت بازسازی در امروز، کمتر از اهمیت جنگ در دوران هشت‌ساله‌ی گذشته نیست؛ و همان‌طور که همت و اراده و مشارکت مردم در جنگ دارای نقشی بزرگ و بسیار مؤثر بود، امروز نیز همکاری و حضور و مشارکت مردم می‌تواند نقش مهمی را در بازسازی ایفا کند. دشمنان در کار بازسازی نیز مانند جنگ کارشکنی و دشمنی

خواهند کرد؛ اما اراده‌ی انقلابی مردم می‌تواند توطئه‌ی دشمنان را خنثی کند. در بازسازی، حضور و شرکت فعال نیروهای انقلابی یقیناً خواهد توانست کارهای دشوار را آسان و مدت‌های طولانی را به زمانهای کوتاه مبدل سازد. عشق و صمیمیت قادر به انجام کارهایی است که سرپنجه‌ی تدبیر گاه از انجام آن ناتوان است. شایسته است مسئولان دولتی با سازماندهی نیروهای انقلابی و مردمی و جهت دادن به کار و سرمایه و ابتکار مردم، بازسازی را به مرحله‌ی تحقق برسانند و موانع را از سر راه مشارکت فکری و مالی و کاری مردم برطرف سازند (بیانات در خطبه نماز جمعه، ۱۳۶۸/۴/۲۳).

عمده‌ی حرف بنده با مردم است. مردم عزیز ما باید بدانند که حضور آنها در عرصه‌های مختلف، تعیین‌کننده است. تعیین‌کننده‌ی چه؟ تعیین‌کننده‌ی امنیت ملی. اگر مردم در صحنه حضور داشته باشند، کشور در امنیت باقی خواهد ماند (شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۶/۲/۱۰).

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: گفتمان‌سازی در خصوص اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به یک گفتمان عمومی، بسیاری از مشکلات را بر طرف و کارها را تسهیل خواهد کرد (بیانات در جلسه با سران قوا، ۱۳۹۲/۱۲/۶).

امروز جوانان دانشمند شما در بیش از ده رشته‌ی مهم درجه‌ی اول علمی و فناوری کشور آنچنان پیشرفتی کرده‌اند که در ردیف‌های اول دنیا - یعنی در ردیف‌های کمتر از دهم دنیا - قرار گرفته‌اند؛ اینها به برکت حضور مردم است. این حضور، این اعتماد متقابل، این احساس مسئولیت عمومی هرچه ادامه پیدا کند، کشور پیشرفت بیشتری پیدا خواهد کرد (بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۰/۳/۱۴).

بحمدالله تلاش مردمی در این قضیه تلاش خیلی خوبی بود. این، بار اول هم نیست؛ در همه‌ی حوادث طبیعی و بلایای طبیعی - که حوادثی [است] که ظاهر بلا دارد، اگر چه باطنش ممکن است نعمت و عطای الهی باشد - ملت ایران حقیقتاً جانانه وارد میدان می‌شوند؛ ما این را بارها و بارها آزموده‌ایم. این روح همبستگی در میان مردم ما و حالت بسیج‌شوندگی برای خدمت به هم‌میهنان یک چیز استثنائی است؛ مشوق مسئولین دولت هم هست، کمک‌کار آنها هم هست. در این قضیه هم همین جور بود؛ هم مردم وارد شدند و کمک کردند از همه‌ی اکناف کشور، هم مسئولین با اتفاق کلمه، با تمرکز، با وحدت توانستند کارهای ابتدائی را در این مسئله انجام بدهند؛ البته کارهای زیادی باقی است که بایستی انجام بگیرد. ما به مسئولین محترم این نکته را تأکید کردیم، خود آنها هم توجه داشتند و توجه دارند که کارهای اصلی بعد از این است. این ویرانی‌ها، این خرابی‌ها، تخریب مزارع، تخریب خانه‌ها و از این قبیل ضایعاتی که به وجود آمده است، بایستی ان‌شاءالله جبران بشود، و خواهد شد. و مردم عزیز ما به همکاری‌هایشان با مسئولین ادامه بدهند؛ این کار لازمی است. حضور مردم در صحنه، همکاری آنها، کمک آنها حقیقتاً گره‌گشا است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۸/۱/۱۴).

یک وقت نگاه تنگ‌نظرانه است و مسئول دولتی انحصاراً کار را در دست می‌گیرد، این کار می‌ماند، متوقف می‌شود؛ اما کار وقتی داده شد به نیروی عظیم و بی‌پایان مردم، با انگیزه‌هایشان، با توان‌های مادی و معنوی‌شان، آن وقت کار رشد پیدا میکند، شکوفایی پیدا می‌کند (بیانات در دیدار اعضای ستاد مرکزی اعتکاف و اعضای سومین جشنواره‌ی سراسری علمی فرهنگی اعتکاف، ۱۳۹۳/۲/۱۵).

هر دولتی و هر کشوری وقتی مردم را داشته باشد، هر جایی که متن مردم حضور پیدا کنند و مردم حرکت بکنند به یک سمتی، پیروزی قطعی است (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

آن جایی کشورها ضربه می‌خورند، شکست می‌خورند که مردمشان در صحنه نباشند یا وحدت عمل نداشته باشند. آن جایی که مردم در صحنه‌اند و پیوند و اتحاد میان آحاد مردم هست، پیروزی و پیشروی قطعی است (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).



هر جا یک حرکتی، یک نهضتی به مردم متکی بود و مردم با آن همراه شدند، این نهضت قابل ادامه است (بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۲/۳/۱۴).

وقتی مردم وارد میدان می‌شوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم می‌شود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم می‌خورد (بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۲/۳/۱۴).

مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب می‌شود کشور مصونیت پیدا کند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۲/۲/۲۵).

حضور مردم است که به نظام اسلامی و به کشور عزیز ما مصونیت می‌بخشد. حضور مردم است که عوامل قدرت و قوت را در درون ما تقویت میکند: علم ما، بصیرت ما و سازوکارهای مدیریت ما پیشرفت می‌کند این به خاطر حضور مردم است (بیانات در دیدار دست اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۲/۱۶).

همه‌ی ابزارهای اقتدار قدرتهای استکباری در مقابل حضور مردم، در مقابل ایمان ملت‌ها کند است، ناکارآمد است (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، می‌توانند همه‌ی مشکلات را حل کنند (بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی، ۱۳۹۰/۹/۲۱).

این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند - [نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور

آمریکا در فلسطین به نتیجه نرسید، در سوریه به نتیجه نرسید، در عراق به نتیجه نرسید، در افغانستان و در پاکستان مقاصدی که داشت تحقق پیدا نکرد، اخیراً در اروپا هم ملاحظه می‌کنید و می‌شنوید که نقشه‌های آمریکا نقش بر آب شده است. باید بدانیم در کشور عزیز ما هم، آن‌ها بعد از سی سال تلاشی که علیه این انقلاب انجام دادند و علیه ملت انقلابی ما انجام دادند، باز نتوانستند به نتایجی دست پیدا کنند؛ نشانه‌اش همین حضور مردم است. افراد مؤثر در دولت آمریکا و نظام آمریکا این را صریحاً گفتند، گفتند ما تحریم‌ها را به‌وجود آوردیم و تشدید کردیم که مردم را ضد نظام، بکشانیم به خیابان‌ها؛ این را صریحاً گفتند که تحریم برای این است که انقلاب را ریشه‌کن کنند و مردم را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که عرض کردیم، در سال ۱۳۹۲ انتخاباتی انجام گرفت با نصاب بالا از مشارکت مردم، و در بیست‌ودوم بهمن سال ۹۲، راهپیمایی‌ای انجام گرفت پرشورتر و وسیع‌تر و بزرگ‌تر از راهپیمایی‌های هر سال دیگر (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

وقتی مردم آمدند توی صحنه، مردم فهمیدند، مردم احساس کردند، مردم تصمیم گرفتند، آن وقت دیگر قدرت‌ها هیچ کار نمی‌توانند بکنند (بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷).

## نتایج مردمی شدن

رشد خودباوری و روحیه ما می توانیم

شکوفایی استعداد و توانایی مردم

فائق آمدن بر مشکلات

ایجاد نشاط و امیدواری

پیشرفت و رشد کشور در همه صحنه‌ها

ارزش آفرینی

انسان سازی

آسیب‌ناپذیری کشور

ایجاد اعتماد متقابل میان مردم و نظام

تغییر معادلات سیاسی و... دنیا

تقویت روحیه مسئولین برای مقابله با فشارها

افزایش مصونیت و اقتدار کشور

آسان شدن کارهای دشوار

استحکام کشور در مقابله با چالش‌های گوناگون

زمینه‌ای برای کسب مهارت‌های گوناگون

ایجاد پشتوانه حرکت عظیم جهانی (انقلاب)

پیروزی و پیشروی قطعی

نقش آفرینی مردم در پیشبرد توسعه و آبادانی

خنثی شدن توطئه‌های دشمن

حرکتی با سرعت و موفقیت

رسانه‌ای فراگیر از وضعیت کشور

آوردن مردم از حاشیه به متن مدیریت کشور

گره‌گشایی

تثبیت و نهادینه‌شدن مردم‌سالاری دینی

کوتاه شدن زمان‌های طولانی کار

حل شدن همه‌ی مشکلات کشور

تقویت عوامل قدرت و قوت در درون کشور

## حوزه‌های راهبردی فعالیت مردمی

بسیج می‌تواند دستگاه‌های مسئول را، هم در جهت‌دهی، هم در هدف‌گذاری، هم در عمل‌یاری بدهد (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه نیز جهاد است. این‌ها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی‌سبیل‌الله است (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

خب، راهش چیست؟ راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات این‌ها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور - البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند - چنین نسلی لازم داریم (بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

کشور به نیروی مقاومت بسیج نیاز دارد؛ اما به بسیج عظیم مردمی در همه‌ی میدان‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و - آن وقتی که لازم باشد - نظامی نیز نیازمند است (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون، ۱۳۸۰/۸/۲۱).

وقتی می‌گوییم «بسیج»، مراد ما فقط یک مجموعه‌ی نظامی و ملبس به لباس نظامی و آموزش‌های نظامی نیست، بلکه بسیج، یعنی مجموعه‌ی انسان‌هایی که نیروی خودشان را به میدان می‌آورند تا در جهاد عمومی کشور و ملت‌شان، در جهت رسیدن به قله‌ها، فعال باشند و با آنها همکاری کنند و در کارشان سهیم باشند؛ این، معنای بسیج است. آن مادری که با عشق به فرزند خود - که عشق مادران به فرزندان‌شان، چیزی شبیه افسانه‌هاست؛ افسانه‌یی که هر روز در زندگی ما، هزاران و هزاران بار واقعیت و تجسم پیدا میکند - با طوع و رغبت، او را راهی جبهه‌ی دفاع می‌کند و بعد که جنازه‌ی فرزند شهیدش را تحویل می‌گیرد، به جای اظهار پشیمانی، به جای اظهار سرافرازی و افتخار می‌کند، مظهر یک بسیجی کامل است. آن خانواده‌هایی که در دوران سخت این کشور، در همه‌ی مشکلاتی که بر سر راه این ملت وجود داشت، خود را سهیم دانستند؛ با زبان‌شان، با پول‌شان، با کار دستیشان، با حضورشان، همان کاری را که می‌توانستند انجام بدهند، آن را به میدان آوردند، اینها بسیجی‌اند. یک سیاستمدار بسیجی، یک نظامی بسیجی، یک دانشجوی بسیجی، یک روحانی بسیجی، یک کشاورز بسیجی، یک کارگر بسیجی، یک محقق و دانشمند بسیجی، یک استاد بسیجی، از همه‌ی قشرها یک بسیجی، آن کسی است که مقدرات و امکان خود را در راه هدف‌های عظیم این ملت به میدان می‌آورد؛ خود را سهیم می‌کند؛ خود را مسؤول می‌داند و مایل نیست کنار بنشیند، تا دیگران تلاش کنند، او هم نگاه کند؛ یا آن‌جایی که سودمند است، سودش را ببرد؛ و یا تا یک گوشه‌اش ساییده شد، بنا کند به ایراد گرفتن و اعتراض کردن؛ این جور انسان هم در جامعه داریم؛ بسیجی آن کسی است که این‌گونه نیست. آن‌جایی که نیازمند رفتن به عرصه‌ی نظامی است، او پیشاهنگ است؛ جوان و پیر هم نمی‌شناسد؛ دور و نزدیک هم نمی‌شناسد؛ آن‌جایی که جای حضور در عرصه‌ی سیاسی و میدان سیاست است، او فعال و پرنشاط است؛ آن‌جایی که در عرصه‌های بین‌المللی باید حضور پیدا کرد - عرصه‌های گوناگون بین‌المللی؛ عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی فرهنگی، عرصه‌ی ورزشی - او در آن‌جا، مظهر عزت ملت و کشور خود است. با این روحیه، با این احساس، در آن‌جا حاضر می‌شود؛ آن‌جایی که جای علم است، جای تحقیق است، جای صبر کردن بر مشکلات نوآوری علمی است، از جان و ذهن خودش مایه می‌گذارد؛ آن‌جایی که جای پول خرج کردن است، اگر پولی دارد، پول خرج می‌کند. این، بسیجی است (بیانات در دیدار هزاران نفر از بسیجیان در سالروز شهادت حضرت امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۹/۷).

اما عرصه‌ها، عرصه‌ها بی‌پایان است. عرصه‌ها هیچ محدودیتی ندارد. عرصه‌ی دفاع، عرصه‌ی سیاست، عرصه‌ی سازندگی، عرصه‌ی اقتصاد، عرصه‌ی هنر، عرصه‌ی علم و تحقیق، تشکّل‌های مذهبی، عزاداری‌ها؛ همه‌جا و همه‌جور؛ اینها عرصه‌های حضور بسیج است؛ همه‌جا (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶).

ما امروز در کشورمان اسامه بن زیدهای زیادی داریم؛ جوانان زیادی داریم؛ دختران و پسران عظیم و جمعیت انبوهی از این مجموعه‌ها داریم که حاضرند در همه میدان‌های فعال - در میدان درس، در میدان سیاست، در میدان فعالیت‌های اجتماعی، در میدان مشارکت‌های گوناگون برای فقرزدایی، برای سازندگی، و در هر صحنه و عرصه‌ای که برای آنها برنامه‌ریزی شود و امکان داده شود - شرکت کنند. این موقعیت بسیار مهمی برای کشور ماست (بیانات در دیدار با جوانان در مصلاّی بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱).

آحاد ملت ایران اسلامی در میدانند. البته انگیزه‌ها همه‌جا یکسان نیست؛ نشاطها و اراده‌ها، مانند هم نیست؛ همه یکسان حاضر نیستند در راه هدف‌های عالی کشور و ملتشان سرمایه‌گذاری و اقدام کنند. یکی حاضر است جان بدهد، یکی حاضر است مالش را بدهد، یکی حاضر است مقداری وقتش را بدهد، یکی حاضر است چند کلمه حرف زدنش را بدهد، یکی حاضر است تماشاچی باشد و تحسین کند. همه یکسان نیستند (بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی(ع)، ۱۳۷۹/۷/۲۹).

خدا را شکر میکنیم که از روز اول انقلاب، نیروی خود جوش مردم در همه میدانها حاضر بود و امام، قدر این نیرو را دانست و آحاد ملت قدر این جریان جوشنده عظیم را در میان خودشان دانستند (بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی(ع)، ۱۳۷۹/۷/۲۹).

عرصه سوم - که باز بر محور مردم حرکت می‌کند - عبارت است از بهره‌برداری از فکر و عمل مردم در راه اعتلای کشور؛ یعنی استعدادها را شکوفا کردن و معطل نگذاشتن (بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

اگرچه که عرصه‌ی نبرد یکی از مظاهر حضور مردمی و حضور بسیج است بدون تردید. بهترین نیروهای ما، پاک‌یزه‌ترین نیت‌های جوانان ما، پاک‌ترین و پاک‌دامن‌ترین عناصر جوان ما در بسیج می‌توانند حضور پیدا کنند و متشکل شوند. واقعیت هم همین بوده است. در هر جایی که اسلام به آن نیازمند است و جمهوری اسلامی نسبت به آن احساس نیاز می‌کند، نیروی بسیج میتواند در آنجا حضور پیدا کند؛ همچنانی که خوشبختانه در عرصه‌ی علم و تحصیل دانش، جوانان بسیجی، می‌بینیم و می‌شنویم که رتبه‌های بسیار خوب و برجستگی‌هایی را کسب کردند و از خودشان نشان دادند. هر جایی که جای حضور - حضور مردمی و حضور نیروی انسانی فعال و پرانگیزه - است، آنجا جای بسیج است (بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

از جمله‌ی کارهای مهم، کارهای فرهنگی است؛ ما خلل و فرج فرهنگی زیاد داریم؛ جاهایی که نفوذگاه دشمن است از لحاظ فرهنگی، بسیار است؛ این راه، هم مجموعه‌های مسئول دولتی، هم مجموعه‌های گسترده‌ی عظیم مردمی موظفند که انجام بدهند. «آتش‌به‌اختیار» به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۶/۴/۵).

هر جایی از کشور، [از جمله] همین آذربایجان شما و تبریز شما - که آقای امام جمعه‌ی محترم الان گفتند و درست گفتند - دریایی از ظرفیت‌های گوناگون اقتصادی و علمی و اجتماعی و هنری و بقیه‌ی جنبه‌های زندگی است؛ دریایی است از ظرفیت؛ این ظرفیت‌ها باید شناخته بشود و از آنها استفاده بشود؛ چه کسی باید بکند این کار را؟ ما مسئولین؛ به عهده‌ی ما مسئولین است. البته اینکه می‌گوییم ما مسئولین، معنایش این نیست که تکلیف از گردن جوانها برداشته است. معنای آتش به اختیاری که ما گفتیم، این است: یعنی همه‌ی جوانها، همه‌ی گروه‌های مؤمن در زمینه‌های مختلف، هر کاری که برایشان میسر است، و مطابق با قوانین کشور و مصلحت کشور [است]، باید انجام بدهند و معطل کسی نباید بمانند (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۹).

ما کم کاری داشتیم؛ اینها را معرفی نکردیم. خیلی کار میشد کرد و باید کرد؛ دستگاه‌های مسئول و همه‌ی ما دچار کم کاری هستیم. و به نظر می‌رسد که این کار را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگی مؤمن انقلابی مردمی خودجوش؛ این جوان‌هایی که می‌بینید در اطراف کشور به‌طور خودجوش کارهایی انجام می‌دهند - کارهای فرهنگی انجام می‌دهند، کارهای هنری انجام می‌دهند، حقایق را احیاء می‌کنند، استعدادهایی را بروز می‌دهند، از استعدادهای بالفعلی استفاده می‌کنند - این کار را هم آنها باید بکنند. با زبان هنر، با زبان تصویر، با استفاده‌ی از ابزارهای جدید باید بتوانند این حادثه را، این شخصیت‌ها را [معرفی کنند] (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۴/۶).

خب، اینها هدف‌های تعیین شده است. اگر حضور مردم در این راه‌ها و برای این هدفها تأمین شود، این هدفها حتی زودتر از دورانی که در نظر گرفته شده است، حاصل خواهد شد. حضور مردم چه جوری است؟ این، همان نکته‌ی اصلی است. اینجاست که مسئولین باید زمینه‌ها را، مدل‌ها را، فرمول‌های عملی و قابل فهم عموم را، فرمول‌های اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی می‌شود این کارها را کرد. هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه، هم قوه‌ی مقننه به شیوه‌ی خاص خود می‌توانند این را تأمین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند - می‌توانند استفاده کنند؛ این جزو کارهایی است که باید ان‌شاءالله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد (بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

درباره‌ی محتوای پیام، سخن اصلی ما این است که ملت ایران برای این که رشد و پیشرفت لازم را در همه‌ی صحنه‌ها - که شایسته‌ی آن است - به دست بیاورد، احتیاج دارد به تقویت همبستگی ملی و مشارکت عمومی در همه‌ی میدان‌های طلب‌کننده‌ی حضور ملت. کشور متعلق به ملت ایران است؛ آینده هم متعلق به این ملت است؛ امروز و فردا را هم ملت ایران ساخته‌اند و می‌سازند؛ لذا نام‌گذاری امسال به «همبستگی ملی و مشارکت عمومی» اشاره به نیاز بزرگ ملت در همه‌ی مسائل است؛ همکاری، همدلی، بازو به بازو دادن و دل‌ها را به یکدیگر مرتبط کردن و به سمت هدف‌های والای این ملت - که برای بهروزی و پیشرفت او و کشورش لازم است - پیش رفتن (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱).

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، آتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد....

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

مردم باید در کار تولید [دخالت داده بشوند]. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولت‌ها است، کار مردم نیست؛ کار ارتش‌ها است، کار دولت‌ها است - با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند - کاری که مربوط به دولت‌ها و مربوط به ارتش‌ها است - توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید

شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی<sup>۱</sup> [همین طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱).

این جانب به طور قاطع به ملت عزیز عرض می‌کنم که اهمیت بازسازی در امروز، کمتر از اهمیت جنگ در دوران هشت‌ساله‌ی گذشته نیست؛ و همان طور که همت و اراده و مشارکت مردم در جنگ دارای نقشی بزرگ و بسیار مؤثر بود، امروز نیز همکاری و حضور و مشارکت مردم می‌تواند نقش مهمی را در بازسازی ایفا کند. دشمنان در کار بازسازی نیز مانند جنگ کارشکنی و دشمنی خواهند کرد؛ اما اراده‌ی انقلابی مردم می‌تواند توطئه‌ی دشمنان را خنثی کند. در بازسازی، حضور و شرکت فعال نیروهای انقلابی یقیناً خواهد توانست کارهای دشوار را آسان و مدت‌های طولانی را به زمانهای کوتاه مبدل سازد. عشق و صمیمیت قادر به انجام کارهایی است که سرپنجه‌ی تدبیر گاه از انجام آن ناتوان است. شایسته است مسئولان دولتی با سازماندهی نیروهای انقلابی و مردمی و جهت دادن به کار و سرمایه و ابتکار مردم، بازسازی را به مرحله‌ی تحقق برسانند و موانع را از سر راه مشارکت فکری و مالی و کاری مردم برطرف سازند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۸/۴/۲۳).

بحمدالله تلاش مردمی در این قضیه تلاش خیلی خوبی بود. این، بار اول هم نیست؛ در همه‌ی حوادث طبیعی و بلایای طبیعی - که حوادثی [است] که ظاهر بلا دارد، اگر چه باطنش ممکن است نعمت و عطای الهی باشد - ملت ایران حقیقتاً جانانه وارد میدان می‌شوند؛ ما این را بارها و بارها آزموده‌ایم. این روح همبستگی در میان مردم ما و حالت بسیج‌شوندگی برای خدمت به هم‌میهنان یک چیز استثنائی است؛ مشوق مسئولین دولت هم هست، کمک کار آنها هم هست. در این قضیه هم همین جور بود؛ هم مردم وارد شدند و کمک کردند از همه‌ی اکناف کشور، هم مسئولین با اتفاق کلمه، با تمرکز، با وحدت توانستند کارهای ابتدائی را در این مسئله انجام بدهند؛ البته کارهای زیادی باقی است که بایستی انجام بگیرد. ما به مسئولین محترم این نکته را تأکید کردیم، خود آنها هم توجه داشتند و توجه دارند که کارهای اصلی بعد از این است. این ویرانی‌ها، این خرابی‌ها، تخریب مزارع، تخریب خانه‌ها و از این قبیل ضایعاتی که به وجود آمده است، بایستی ان‌شاءالله جبران بشود، و خواهد شد. و مردم عزیز ما به همکاری‌هایشان با مسئولین ادامه بدهند؛ این کار لازمی است. حضور مردم در صحنه، همکاری آنها، کمک آنها حقیقتاً گره‌گشا است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۸/۱/۱۴).

وقتی مردم وارد میدان می‌شوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم می‌شود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم می‌خورد (بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۲/۳/۱۴).

یک شاخص دیگر هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روشهای خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است

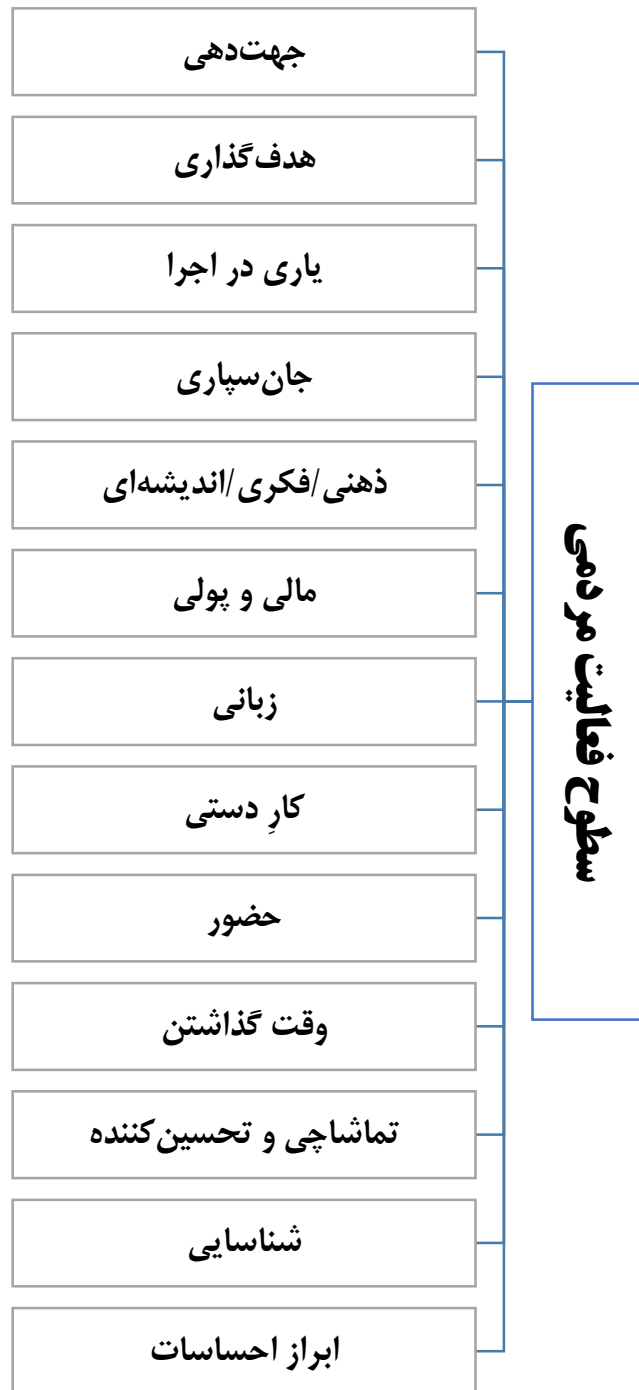
که از اینها می‌شود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا می‌برد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶).

بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیری برای اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی گفتمان‌سازی کنید. ببینید بنده وقتی مسئله‌ی نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه تو دانشگاه با دانشجوها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارتها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حتی با اساتید صحبت کردم؛ اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه‌ی عمومی است، یک خواسته‌ی همه‌ی دانشگاه‌های کشور است؛ که من هر جا هم می‌روم، از زبان دانشجو مطالبه‌اش را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرائیش را در یک مرحله‌ی دیگر می‌شنوم، و اجراء هم دارد میشود. همین نوآوری‌های علمی بسیار، بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین اجرائی را می‌کشد دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

از جمله‌ی مبانی مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم میگفت و تکرار می‌کرد که شما می‌توانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخش‌های مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذایب‌های شخصیت امام بود که توانست جوان‌ها را جذب کند. و جوان‌ها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید. (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان‌شاءالله مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱).

یکی از صحنه‌های بسیار مهم دیگری که مردم عزیز ما در آن نقش ایفاء کردند و کسی هم تصور نمی‌کرد که این صحنه اینجور برای نقش‌آفرینی ظرفیت داشته باشد، عرصه‌ی علم و فناوری است. کی خیال میکرد جوانان ما اینجور وارد این میدان شوند؟ بمجرد اینکه نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری با نخبگان و زبندگان دانشگاهی مطرح شد، آنچنان حرکت عظیمی به وجود آمد که شد یک گفتمان عمومی، شد یک حرکت همگانی. امروز در سرتاسر کشور، در استان‌های مختلف، در شهرهای کوچک و بزرگ، بخصوص در مراکز علمی و حساس، جوان‌های ما کارهای حساس بزرگی را از لحاظ علمی و فناوری دارند انجام می‌دهند (بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).







## عوامل موثر بر مردمی شدن

عوامل پیشرفت حرکت انقلاب\*

یک عواملی وجود دارد که به ما کمک می‌کند، یکی از عواملی که وجود دارد، حکومت است. حکومت جزو عوامل پیشرفت به سمت این آرزوها است یعنی حکومت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی یکی از عوامل است. اگر چنانچه این اختلال پیدا بکند، مطمئناً در راه مشکل ایجاد خواهد کرد. باید کاری کنید که حرکت حکومت کشور و دولت کشور - دولت که می‌گوییم یعنی مجموعه‌ی مدیریت عمومی کشور - و مسئولین کشور، حرکت انقلابی باشد تا اینکه این آرمانها پیشرفت کند.

قشرهای اثرگذار؛ قشرهای اثرگذار - قشرهای علمی، قشرهای اجتماعی اعم از دانشگاهی، اعم از حوزه‌ای، دانشمندان، هنرمندان که اینها قشرهای اثرگذارند - بایستی در این زمینه‌ها فعال باشند.

و نیروهای جوان؛ یعنی مجموعه‌ی شماها که این نیروهای جوان، پیشرانند؛ اینها در واقع مثل لکوموتیو هستند، نقش لکوموتیو را [دارند] که وقتی حرکت کردند، به طور طبیعی به دنبال خودشان قطار را حرکت می‌دهند؛ البته اگر به وظایفی که برعهده‌ی قشر جوان است، درست عمل بشود. البته روحیه‌ی امید و عزم و برنامه‌ریزی - این سه چیز - [هم] لازم است. اولاً امیدتان را اصلاً نباید از دست بدهید. اینکه همین‌طور دائماً یأس را بیایند تزریق بکنند در داخل جامعه - که دارد می‌شود این کار - این کاری خصمانه است؛ حالا ممکن است آن کسی که این کار را می‌کند، واقعاً دشمن نباشد اما کار دشمنانه دارد میکند هر کسی که یأس را [تزریق می‌کند] که «آقا نمی‌شود، فایده ندارد، همه چیز به هم ریخته است»؛ نه، این کار [دشمنانه است]. امید، شرط لازم است؛ یکی این. عزم، اراده، یعنی تصمیم‌گیری - تصمیم باید گرفت، این کارها تصمیم می‌خواهد - و برنامه‌ریزی؛ بدون برنامه‌ریزی هم نمی‌شود؛ این سه چیز را داشته باشید.

\* موانع درونی پیشرفت حرکت انقلاب

یک عده از این موانع، موانع درونی خود ما است؛ یکی درست نفهمیدن مسئله است؛ عدم فهم درست مسائل کشور و مسئله‌ی کشور، مسئله‌ی انقلاب؛ این، شما دانشجویان را و عناصر فکری را موظف می‌کند که روی این مسئله کار کنید.

درست نشناختن محیط؛ این هم یکی از موانع کار است. بعضی‌ها هستند محیط را درست نمی‌شناسند؛ وقتی ما محیط را نشناختیم، احتمال خطا و اشتباه برایمان زیاد است؛ وقتی که جنگاور و رزم‌آور ندانست کجا قرار دارد، دشمن کجا است، دوست کجا است، ممکن است سر اسلحه‌اش را به طرف دوست بگیرد، به خیال اینکه دارد به دشمن شلیک می‌کند؛ محیط را باید شناخت، جبهه‌بندی‌ها را باید دید، باید شناخت.

یکی از موانع، بی‌ارادگی است؛ یکی از موانع، تنبلی است؛ یکی از موانع، بی‌صبری است. بی‌صبری؛ باباجان! این غذا را وقتی شما سر بار گذاشتید، نمی‌شود که بمجرد اینکه آتش زیر غذا را روشن کردید، بنا کنید پا به هم کوفتن که من غذا می‌خواهم! خب باید صبر کنید تا بپزد. گاهی اوقات این‌جوری است؛ بعضی از فعالیت‌هایی که برادرها و خواهرهای خوب انقلابی یک جاهایی انجام می‌دهند، ناشی از صبور نبودن است؛ صبوری لازم است؛ صبر هم یکی از خصلت‌های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم اما صبر انقلابی هم داریم.

یکی از موانع، سرگرمی به چیزهای خراب‌کننده و ویران‌کننده و گمراه‌کننده است؛ مثل اختلافات سر چیزهای بیخودی. اختلافات کوچک و بهانه‌های کوچک، گاهی مایه‌ی اختلافات بزرگ می‌شود؛ مثل حواشی‌ای که وجود دارد. حاشیه‌ای که امروز به نظر من بیشتر از متن، ماها را به خودش سرگرم کرده، همین مسئله‌ی فضای مجازی و فلان شبکه‌ی پیام‌رسان و از این [قبیل] چیزها است؛ اینها «حاشیه‌ای» است. خب یک کاری باید انجام بگیرد، یک کاری هم دارد انجام می‌گیرد؛ این پرداختن افراطی و زیاده به آن همان حواشی است؛ غافل شدن از کار اصلی است.

## \* موانع بیرونی پیشرفت حرکت انقلاب

عمده‌ی موانع بیرونی، تزریق نومییدی، القای ناتوانی و مانند اینها است. اینکه «نمی‌شود، فایده ندارد، نمی‌توانید» الان مرتباً دارد به قول شماها پمپاژ می‌شود، به طور دائم دارد تزریق می‌شود؛ هم احساس ناامیدی، هم احساس ناتوانی.

تبیین‌های دروغ؛ مسائلی را تبیین می‌کنند، تبیین‌های خلاف واقع. تحریف حقایق تاریخی؛ البته این مال حالا نیست، چند سال است یک حرکت مودیان‌های شروع شده در تطهیر رژیم طاغوت، رژیم پهلوی. حالا ای کاش یک چیزی بود که قابل تطهیر بود، قابل تطهیر هم نیست! برای اینکه بگویند خب، شما آن دوره را که ندیده‌اید؛ یک حرکتی در این زمینه دارد انجام می‌گیرد و هدفش این است که یک جوان امروز بگوید «عجب! اینها آدم‌های بدی نبودند، اوضاع بدی نبود؛ پس چرا انقلاب کردید؟»؛ اصلاً همه برمی‌گردد به مسئله‌ی زیر سؤال بردن انقلاب؛ اینها از خارج دارد انجام می‌گیرد.

ایجاد موانع عملی برای حرکت به سمت آرمان‌ها؛ مثل تحریم -هم تحریم مواد، هم تحریم فناوری- کارشکنی‌های گوناگون. پیروزی‌ها را شکست معرفی کردن، ضعف‌های کوچک را بزرگ جلوه دادن، ضعف‌های مدیریتی را منتسب به نظام کردن. فلان مدیر فلان تشکیلات یک ضعفی نشان می‌دهد، یک کار غلطی را فرضاً انجام می‌دهد، این را علم می‌کنند برای اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام انقلابی را زیر سؤال ببرند! این کاری است که دشمن دارد می‌کند؛ باید بشدت به آن توجه داشته باشید.

یکی از دوستان، اینجا قضیه‌ی کنسرت‌ها را گفتند. در چند هزار کنسرت، مثلاً فرض کنید که پنج کنسرت تعطیل می‌شود؛ این را تعمیم می‌دهند، هیاهو، فریاد و از این قبیل که «کنسرت‌ها دارد تعطیل می‌شود!»؛ حالا مثلاً چند هزار کنسرت یا چند صد کنسرت اجرا شده، تعطیل هم نشده؛ [آنجا] چند کنسرت را تعطیل کرده‌اند! فلان مدیر و فلان مدیر و فلان مدیر در مجموعه‌ی مدیران یک خطائی کرده‌اند، یک غلطی کرده‌اند، یک ممشای نادرستی [داشته‌اند]، این را تعمیم می‌دهند نه فقط به مجموعه‌ی مدیریتی کشور بلکه به مجموعه‌ی نظام جمهوری اسلامی! اینها کارهای دشمن است که با برنامه‌ریزی دارد انجام می‌گیرد.

مردم‌سالاری جامع را دیکتاتوری [می‌گویند]؛ یعنی واقعاً الان به نظر من -یعنی با آشنایی‌ای که حالا من دارم- در دنیای امروز هیچ مردم‌سالاری‌ای مثل مردم‌سالاری ما واقعی نیست. ارتباط مسئولان کشور با مردم، انس‌شان با مردم، انتخابشان به وسیله‌ی مردم از همه‌جای دنیا واقعی‌تر است؛ تا آن حدی که من اطلاع دارم. این را الان در کارهای تبلیغی مسلم‌دائمی دشمن به صورت یک دیکتاتوری جلوه می‌دهند که این خب کار آنها است؛ این جور وانمود می‌کنند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷).

یک شاخص دیگر هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روش‌های خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها می‌شود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا می‌برد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶).

یکی از چیزهایی که این شرکتهای دانش‌بنیان را می‌تواند ترویج بکند، ترویج محصولات اینها است (بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

یک نکته، درباره‌ی شکل‌گیری «هسته‌های نخبگانی» در داخل دانشگاه‌ها است. این را من قبلاً هم سفارش کرده‌ام که در داخل دانشگاه‌ها گاهی یک استاد، دو استاد، یک مجموعه‌ی جوان را دور خودشان جمع می‌کنند و یک هسته‌ی نخبگانی به وجود می‌آید؛ این میتواند تکثیر بشود، گسترش پیدا کند، خیلی چیز بابرکتی است؛ هیچ گزارشی به من نرسیده که چنین چیزی اتفاق افتاده. قبلاً بنده این را پارسال و در جلسات مختلفی یکی دوبار تکرار کردم؛ این باید تحقق پیدا کند. این دیگر کار دستگاه دولتی و مانند اینها نیست؛ این کار خود مجموعه‌های دانشگاهی است (بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸).

یک وقت دیگری هم به خود من ایشان [امام] فرمودند، گفتند من در طول این انقلاب یک دست قدرتی را همیشه پشت این حرکت عظیم مردمی دیدم؛ حرکت‌های مردمی این‌جوری است. قضیه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی هم این‌جوری است، قضیه‌ی حوادث بعدی هم که در این کشور اتفاق افتاد این‌جوری است، قضیه‌ی نهم دی در این اواخر این‌جوری است، قضیه‌ی اعتکاف‌ها از همین قبیل است؛ این‌ها پدیده‌هایی است که هیچ تبلیغاتی هم برایش نمی‌شود، تلاشی هم انجام نمی‌گیرد. شما ببینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یک جا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم نمی‌شود. اینجا با وجود موانع فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده‌روی هشتاد کیلومتری - برای پیاده‌روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن - بلند می‌شوند می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه‌ی الهی است، این یک پدیده‌ی الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

یکی این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متکی است به دانستن و فهمیدن، متکی است به بصیرت. واقعیت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا میکند (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند؛ همین بسیج اقشار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره و غیره و همه باید باشند. این گستره‌ی بسیج به‌صورت افقی است. البته شرطش این است که اینها با همدیگر هماهنگی بکنند. یکی از کارهای لازمی که بنده توصیه می‌کنم - همین‌جا هم می‌گویم، مسئولین هم تشریف دارند- و باید انجام بگیرد، [ایجاد] یک سازوکار قطعی است برای هماهنگی و همکاری و هم‌افزایی این سطح وسیع افقی (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

یک نقطه‌ی حاشیه‌ای هم اینجا عرض بکنیم - که در بیانات این دوستان هم بعضاً بود- و آن این است که بسیج، الگوسازی بود؛ بسیج، ایجاد الگو بود. این الگو بدون اینکه هیچ تبلیغاتی برایش بشود، هیچ کاغذی نوشته بشود، کتابی نوشته بشود، پیغامی به کسی داده بشود، به‌طور طبیعی در یک بخش مهمی از دنیای اسلام جا باز کرد؛ یعنی خودش را نشان داد. از روی آن نسخه‌نویسی کردند؛ بعضی‌ها نسخه‌نویسی کردند برای هدفهای خوب، بعضی‌ها نسخه‌نویسی کردند برای هدفهای بد. اینکه جوانها را بیاورند، با انگیزه‌ی دین وارد میدان کنند، مسئولیت را به آنها بسپارند، به آنها اعتماد بکنند؛ این شد یک الگو. (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

تبدیل تلاش و کار به گفتمان در فضای عمومی، به نظر من یکی از کارهای اساسی در زمینه‌ی اقتصاد است، کار باارزش در مجموعه‌ی کار روزانه که باید زیاد باشد و کاهشش یک عیب بزرگ است؛ سعی کنیم تنبلی را، بیکارگی را، بی‌اعتنائی به کار را در چشم مردم به شکل درستی موهون کنیم؛ یعنی بیکارگی باید موهون بشود؛ کار باید ارزش بشود. در روایت داریم که پیغمبر اکرم

یک جوانی را دیدند، از این جوان خوششان آمد؛ صدایش کردند، مثلاً اسمش را پرسیدند، بعد گفتند شغل چیست؟ گفت من بیکارم، من شغل ندارم؛ حضرت فرمودند: سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ از چشمم افتاد؛ یعنی کار این [طور] است. پیغمبر که با کسی رود بایستی ندارد. باید این جور بشود. البته دو طرف طلبکاری می کنند از هم؛ آن که بیکار است، طلبکاری می کند و می گوید به من کار بدهید؛ آن که مطالبه ی کار می کند، طلبکاری می کند و می گوید کار پیدا کن؛ یک راه وسطی وجود دارد که من شاید در خلال صحبتها اشاره بکنم. باید بالاخره تشویق به کار، تشویق به ارزش آفرینی و ثروت آفرینی را در کشور تبلیغ بکنیم؛ هم دولتی ها بگویند، هم کسانی که در مجلات، در روزنامه ها و مانند اینها منبرهای گفتنی و نوشتنی دارند، استفاده کنند از این موقعیت و بیان کنند این مطالب را. یک نکته در مسئله ی کار این است (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴).

بحمدالله امکانات طبیعی و انسانی در کشور وجود دارد و من امیدوارم حرکت اساسی و صحیحی در این باره انجام گیرد، که البته مقدمات آن شروع شده است. همه باید تلاش کنند؛ هم مسؤولان و هم آحاد مردم. باید علم و تجربه و امکانات فنی و استفاده بهینه از موجودی طبیعی و انسانی را به احساس مسؤولیت و ابتکار و پیگیری و دلسوزی بیامیزند (بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲).

البته مسؤولان دارای ایمان و انگیزه اند؛ لذا همه ابزار و وسایل کار را باید جمع کنند. کشور ما به طور طبیعی فقیر نیست؛ ما امکانات فراوان طبیعی کم نداریم؛ از لحاظ نیروی انسانی هم کشور ما بالقوه ثروتمند است؛ لذا مسؤولان باید از این امکانات استفاده کنند و چهره زشت فقر و نیاز و عدم استقلال در زمینه های اقتصادی را از این کشور پاک کنند و بزدایند. این کار - همان طور که عرض کردیم - احتیاج دارد به این که در داخل این مجموعه، ایمان و تخصص و تجربه و کارایی و انگیزه و خلاصه کار جهادی تحقق پیدا کند (بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲).

آن نکته ای که می خواهم به عموم مردم و بخصوص به مسؤولان عرض کنم، این است که ملاحظه کنید توجه به کشاورزی، یکی از نیازهای کشور است. در همه بخش های کشور - صنعت، مسکن، راه، تولیدات زیربنایی، خدمات گوناگون، علم و آموزش و پرورش و امثال اینها - مجموعه ای از وظایف سنگین بر دوش همه ما قرار دارد. فقط دولت مسؤول نیست؛ قوای سه گانه، مسؤولان گوناگون و آحاد مردم هم مسؤولیت دارند. همه ما مسؤولیت داریم که این کارهای بزرگ را بکنیم تا کشور را به نقطه مطلوب آبادانی برسانیم و آبروی اسلام و کشور و این ملت را در مقابل چشم جهانیان حفظ کنیم. امروز این یک وظیفه همگانی است (بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲).

این وظیفه، به چه چیزی احتیاج دارد؟ در درجه اول به این احتیاج دارد که مسؤولان کشور و آحاد مردم، با وحدت کلمه وارد میدان کار شوند. ما باید با هم باشیم؛ همه باید با هم باشند و به سوی یک جهت حرکت کنند تا بتوانند کار انجام دهند. با اختلاف کلمه، کاری صورت نمی گیرد (بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان، ۱۳۸۰/۱۰/۱۲).

ما امروز باید توجه کنیم که علم همچنان که در یک فرد عزت نفس و اعتماد به نفس می آفریند، در یک ملت هم عیناً همین کار را می کند. شما ببینید یک انسان عالم که برای خودش جایگاهی در معرفت علمی قائل است، در مقابل هر قدرت پولی و سیاسی قرار بگیرد، در ظاهر ممکن است الزاماتی او را مجبور به کرنش ها و کوتاه آمدن هایی بکند؛ اما در دل خود برای خودش عزت قائل است. موجودی خودش را با تهیدستی طرف مقابلش مقایسه می کند، لذا احساس عزت و احساس اعتماد به نفس و احساس غرور می کند. یک ملت هم عیناً همین طور است. ملتی که از علم و دانش برخوردار بود، فتوحات علمی داشت و توانست در دنیا در علم نوآفرینی کند، به طور طبیعی دارای اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد بود. اگر این عزت نفس و این اعتماد به نفس در ملتی پدید آمد، بسیاری از مشکلات او حل خواهد شد؛ کارهای بزرگ می کند، خطرپذیری ها می کند، در میدان های دشوار قدم می گذارد و کوه ها را از جا می کند. کلید این کارها علم است. ما باید علم را در کشور احیا کنیم؛ این، نقطه ی اصلی مسأله است (بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

آنچه برای شما جوانان مثل دیگران مهم است، عبارت است از احساس مسؤلیت آگاهانه. البته شما جوان و سرشار از نیرو هستید و از حساسیت بیشتری برخوردارید. احساس مسؤلیت یعنی انسان همان طور که به فکر زندگی، معیشت، اشتغال، ازدواج، و هر چیز مربوط به خود است، نسبت به اهدافی که از خود او فراتر است هم احساس مسؤلیت کند؛ اهدافی که به خود او محدود نمی شود، بلکه مربوط به مجموعه، ملت، تاریخ و بشریت است. انسان باید در قبال این هدفها هم احساس وظیفه، تعهد و مسؤلیت داشته باشد. هیچ انسان و هیچ جامعه‌ای بدون این احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید. این احساس مسؤلیت و تعهد باید آگاهانه باشد. فرد باید بداند که به دنبال چه چیزی است و موانع راه را بشناسد. این امر همان احساس مسؤلیت آگاهانه است (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

امروز وظیفه‌ی ما چیست؟ جوانان عزیز! در این رابطه هم مسؤولان وظیفه دارند و هم خود شما موظفید. بعضی از شما جوانان عزیز می‌گویند به ما اعتماد کنید. این، همان اعتماد است. مشکلی که متوجه ملت ایران - که اکثراً جوانند - است، باید با همت، اراده، ایستادگی، هوشیاری و آگاهی نسل جوان خنثی شود. البته مسؤولان و نظام اسلامی وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. باید بستر این آمادگی فرهنگی و اخلاقی را برای جوانان فراهم کنند؛ اما اولین مسؤولیت را جوانان بر دوش دارند. این مسؤولیت چیست؟ این مسؤولیت آن است که جوان به عنوان یک انسان، خود را امانت خدا و به عنوان یک جوان، ذخیره‌ی ملی بداند (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

شما [ کارگردانان سینما و تلویزیون ] میتوانید سازنده‌ی اخلاق باشید؛ عکسش هم ممکن است. شما میتوانید در نسل جوان این کشور صبر، امید، شوق، انگیزش، سلامت، نجابت و همه‌ی چیزهایی که یک جامعه‌ی پیشرفته نیاز دارد، القاء کنید. میشود هم به جای امید، نومیثی القاء کرد؛ میشود به جای شوق، رکود القاء کرد (بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون، ۱۳۸۵/۳/۲۳).

بگذاریم دانشجو با فکر خود، با زبان باز خود، با تعلق کم خود، با گفتار و عمل خود، تصمیم‌سازی کند. تصمیم‌گیری را بگذاریم کسی بکند که بتوان از او سؤال کرد و او مسئول و پاسخگو باشد. بنابراین دنبال این نباشیم که محیط دانشجویی، محیط تصمیم‌گیری برای اقدام باشد؛ این نه به نفع دانشجویست، نه به نفع آن اقدام. دنبال این باشیم که محیط دانشجویی تصمیم‌سازی کند؛ یعنی گفتمان‌سازی کنید. ببینید بنده وقتی مسئله‌ی نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه تو دانشگاه با دانشجوها مطرح کردم؛ حدود ده سال قبل. نه با وزارتها صحبت کرده بودم، نه با رئیس‌جمهور وقت صحبت کرده بودم، نه حتی با اساتید صحبت کردم؛ اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه‌ی عمومی است، یک خواست همه‌ی دانشگاه‌های کشور است؛ که من هر جا هم میروم، از زبان دانشجو مطالبه‌اش را میشنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله‌ی دیگر میشنوم، و اجراء هم دارد میشود. همین نوآوری‌های علمی بسیار، بخشی از انگیزه و توان خودش را از این شعار گرفته: «تصمیم‌سازی کنید»، «گفتمان‌سازی کنید». این، مجری و مسئولین اجرایی را می‌کشد دنبال این تصمیم، و تصمیم‌گیری خواهند کرد و عمل خواهد شد (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

خوب، این چیزی بود که در انقلاب بود؛ میخواستیم ایرانی بسازیم با این خصوصیات. این مطلب یک اضافه‌ای دارد و آن این است که مسئله فقط ایران هم نبود؛ ایران به عنوان یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه‌ی اول، و همه‌ی جوامع بشری در درجه‌ی بعد، مورد نظر بود. ما میخواستیم این جامعه را با این خصوصیات بسازیم - ما یعنی ملت ایران، انقلاب ایران، انقلابیون ایران؛ منظور، شخص بنده و چند نفر دیگر نیست - و آن را بگذاریم جلوی چشم آحاد بشر و امت اسلامی؛ بگویند این است که هم مطلوب اسلام است، و هم میسور مردم این روزگار است (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

یک عنصر دیگری که باز با جوانها باید در میان گذاشت، مسئله‌ی تدین است. جوانهای عزیز! تدین، رعایت دینی، در حد وسع و امکان، این مایه‌ی توجهات الهی است؛ مایه‌ی توفیقات انسانی است؛ مایه‌ی پیشرفت است؛ این را دست کم نگیرید (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

ایشان تأکید کردند: باید موانع مزاحم برداشته شود تا فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران و دانشمندان، با آرامش به این میدان روی آورند و احساس کنند با موانع غیرمعقول روبرو نیستند.

رهبر انقلاب، گفتمان سازی و ارائه تصویری درست از اقتصاد مقاومتی را وظیفه صدا و سیما، رسانه ها، مسئولان، دلسوزان و صاحبان فکر و اندیشه خواندند و خاطرنشان کردند: دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف پیشرفت ایران، تلاش می‌کنند با ایجاد شبهه و اشکال تراشی، سیاست‌های ابلاغ شده را بی اهمیت جلوه دهند اما اگر تصویر درستی از این حرکت بزرگ و پیشتانزانه ارائه شود و گفتمان سازی صورت گیرد، مردم به آن معتقد می شوند و از مسئولان مطالبه می‌کنند که در این صورت کارها به پیش خواهد رفت.

رهبر انقلاب اسلامی در بیان آخرین انتظار خود از مسئولان موضوع پایش و اطلاع رسانی دقیق را مطرح کردند.

ایشان افزودند: باید مرکزی قوی و بینا برای رصد و پایش دقیق فعالیتها وجود داشته باشد.

گردآوری و پردازش اطلاعات، استنتاج، تعیین شاخص برای هر بخش و اطلاع‌رسانی به مردم از جمله وظایفی بود که ایشان برای این مرکز برشمردند (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

آنچه من می‌خواهم عرض بکنم این است که در این سال‌ها، علیه دانشگاه و برای خارج کردن دانشگاه از این صحنه‌ی مبارزه خیلی تلاش کردند؛ علتش هم این است که دانشگاه مهم است. دانشگاه اگر در خدمت انقلاب باشد خیلی مهم است؛ از خیلی از قشرهای دیگر تأثیرش بیشتر است. اولاً همه جوانند، کم-تعلقند، آماده-به-کارند، ذهن فعالی دارند، فهمیند؛ اینها خیلی نکات مهمی است؛ بعد هم بر روی محیط جامعه تأثیر دارند؛ یعنی دانشجوی انقلابی می‌تواند روی محیط پیرامونی خودش اثر بگذارد؛ اولش خانواده است، بعد مرتب‌بینند، بعد دوستان، و در محیط اجتماعی اثر می‌گذارد؛ لذا برای اینکه دانشگاه را از هویت انقلابی خالی کنند و خلاص بکنند، خیلی تلاش کردند، خیلی کار کردند، خیلی سیاست‌ورزی کردند در این زمینه. متأسفانه از داخل خود ما هم در مواردی کمک شد به اینها که بتوانند دانشگاه را انقلاب-زدایی کنند؛ یعنی روحیه‌ی انقلابی، روحیه‌ی حزب‌اللهی، روحیه‌ی مبارزه از محیط دانشجویی گرفته بشود. اینها مقدمه بود (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

آن‌هایی که انقلاب را دوست دارند، آن‌هایی که به-معنای واقعی کلمه انقلاب اسلامی را وسیله‌ی نجات این کشور و تأمین آینده‌ی این کشور می‌دانند؛ خطاب من به آنها است. من می‌گویم شما دانشجویها باید خودتان را در صفوف مقدم این مبارزه حس کنید. یک مبارزه‌ای است، وجود دارد، تمام نشده، ممکن است حال‌احالاها هم تمام نشود، ادامه داشته باشد؛ در صفوف مقدم این مبارزه باید خودتان را احساس کنید و قرار بدهید. صحنه‌ی درگیری را ببینید. یکی از اشکالات بزرگ این است که بعضی درگیری را حس نمی‌کنند، صحنه‌ی درگیری را نمی‌بینند، نمی‌فهمند که ما درگیری داریم. ارتباط این مبارزه با خودتان را مدنظر داشته باشید. دانشجو باید احساس مسئولیت انسانی، احساس مسئولیت ملی، احساس مسئولیت دینی و اجتماعی و بین‌المللی بکند؛ این چیزی است که از دانشجو توقع می‌رود (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

اولاً آرمان‌گرایی را فراموش نکنید آرمان‌گرایی را فراموش نکنید. آرمانها چیست؟ رسیدن به جامعه‌ی عادل، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ی پیشرفته، جامعه‌ی مؤمن، جامعه‌ی متعبد، جامعه‌ی مرفه، جامعه‌ی متحد، جامعه‌ی قوی و مستحکم، جامعه‌ی مستقل؛ اینها آرمان است. ارزش دارد که انسان جانش را در راه این آرمانها، برای خاطر خدا [بدهد] (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

واقع‌بینی؛ واقع‌بین باشید. بنده یک‌بار در جلسه‌ی مسئولین در ماه رمضان در همین‌جا گفتم، مدام به ما می‌گویند واقع‌بین باشید، واقع‌بین باشید؛ مرادشان از «واقع‌بین باشید» این است که موانع را ببینید؛ من می‌گویم واقع‌بین باشید، یعنی واقعیات مثبت را ببینید؛ جمعیت جوان راه، جمعیت با استعداد راه، توانایی‌های بشری فوق‌العاده راه، استعداد فوق‌العاده ملت راه، امکانات زیرزمینی راه، موقعیت جغرافیایی راه، پیشرفت جمهوری اسلامی راه؛ اینها را ببینید، اینها واقعیات است. پس اینها بخشی از واقعیات است که اینها را باید دید

یک بخش دیگر از واقعیات این است که شما وقتی آرمان‌گرا هستید و می‌خواهید به سمت این آرمان حرکت بکنید، باید توجه داشته باشید که این‌جوری نیست که انسان با معجزه خودش را به آرمان بتواند برساند؛ نه، مشکلاتی وجود دارد، موانعی وجود دارد؛ لابه‌لای این موانع باید راه را پیدا کرد؛ واقع‌بین یعنی این. شما حالا خب حرفهای خیلی خوبی زدید، موانع را مرتب شمردید؛ آیا لابه‌لای این موانع راهی وجود دارد برای اینکه شما پیش بروید یا نه؟ بگردید آن راه را پیدا کنید. من عرض بکنم قطعاً و یقیناً راه وجود دارد؛ بگردید آن راه را پیدا کنید. واقع‌بینی یعنی این. خب البته همه‌ی اینها بحث‌های اندیشه‌ورزانه - یعنی به قول فرنگی‌مآب‌ها بحث‌های تئوریک - نیاز دارد. این‌هایی که عرض میکنم کارهایی است که باید کار اندیشه‌ورز درباره‌اش کرد (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷).

اگر ملت و دولت با همکاری هم، با امید به آینده، با اتحاد و همدلی، با دور ریختن بعضی از حرفهایی که دشمن می‌خواهد به‌زور در مغز این ملت تزریق کند، وارد میدان شوند - کما این که الحمدلله وارد میدان هستند - و تلاششان را منسجم‌تر کنند، شما بدانید در آینده نه چندان دوری - که شما قطعاً آن آینده را خواهید دید - کشور ما به اوج اعتلاء خواهد رسید (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

یک مسئله‌ی مهم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی که مناسب است بنده تذکر بدهم، بحث مدیریت اقتصادی است؛ دولت باید مدیریت کند اقتصاد کشور را. مدیریت را با تصدیگری نباید اشتباه کرد؛ تصدیگری دولت در امر اقتصاد به ضرر کشور تمام می‌شود؛ این را ما عملاً در انقلاب تجربه کردیم و می‌دانیم که تصدیگری دولت خوب نیست. اصلاً سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که این تصدیگری انجام نگیرد؛ [پس] آن را بکلی از حوزه‌ی فکر خارج کنیم، یعنی این مدیریتی که من می‌گویم، مطلقاً اشتباه نشود با تصدیگری در مسئله‌ی اقتصاد.

مدیریت اقتصادی دو رکن مهم دارد؛ یکی این است که ما میدان را باز کنیم برای فعالیت فعالان سالم اقتصادی؛ میدان باز بشود برای این‌ها و کمکشان بکنیم؛ افراد صاحب فکر اقتصادی بنشینند ببینند راه‌های کمک کردن به فعال اقتصادی چیست - راه‌هایی وجود دارد - و موانعی که بر سر راه کار درست اینها و پیشرفت اینها وجود دارد چیست؟ آن موانع را بردارند؛ من حالا یکی دو مثال عرض خواهم کرد؛ یک رکن مدیریت این است. یک رکن دیگر هم این است که دستگاه دولتی، هوشمندانه، هوشیارانه، با چشم باز، مراقب فعالیت مضر اقتصادی باشد؛ یعنی یک فعال اقتصادی‌ای که حرکت مضر میکند، مورد توجه قرار بگیرد، جلوگیری گرفته بشود، جلوی منافذ فساد بسته بشود و گرفته بشود. مدیریت اقتصادی یعنی این، هیچ ربطی به تصدیگری ندارد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

یکی مسئله‌ی میدان را باز کردن، یعنی بهبود فضای کسب‌وکار [است]. یک گزارشی همین اخیراً به دست ما رسید - که حالا دقیقاً جزئیاتش یادم نیست؛ آنچه در ذهنم مانده که خیلی برجسته بود این بود - که در یک موضوع مشخصی در طول مدت کوتاهی، مثلاً شاید دو سه ماه، سی بخشنامه صادر شده از طرف مسئولین! خب این فعال اقتصادی چه‌جوری میتواند برنامه‌ریزی کند برای آینده‌ی خودش؟ کسی که میخواهد در این بخش و مربوط به این قضیه کار کند، چگونه میتواند برنامه‌ریزی کند؟ دائماً بخشنامه پشت سر بخشنامه، تصمیم‌گیری‌های متعارض و گاهی متناقض درباره‌ی یک موضوع؛ اینها باید برداشته بشود؛ یعنی اینها چیزهایی است که مانع کار است؛ این ثبات و آرامشی را که فعال اقتصادی احتیاج دارد این را [ایجاد کنید]. بنابراین، یک رکن مدیریت



عرض کردیم این است که ما بتوانیم به کسانی که فعال هستند از گروه‌های مردمی کمک کنیم، میدان را برای آنها باز کنیم، موانع را از سر راه آنها برداریم... بخش دوم هم مبارزه‌ی با مفسد و بستن منافذ فساد است؛ چشم باز مدیران؛ آنچه نیاز است این است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

خب، ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکتند. جوان هم که می‌گوییم، لزوماً مراد من جوان بیست‌ودوساله و بیست‌وپنج‌ساله نیست؛ البته از جوانهای بیست‌ودوساله و بیست‌وپنج‌ساله خیلی کار برمی‌آید؛ واقعاً این جوری است که این خواهر عزیزمان گفت، که بیست‌ساله‌ها را با شصت‌ساله‌ها مقایسه کرد که شماها هم همه برایش کف زدید؛ بنده بیست‌ساله و بیست‌وپنج‌ساله را [هم می‌گوییم]؛ منتها وقتی من می‌گویم جوان، منظورم صرفاً جوان دهه‌ی بیستی نیست؛ نه، سی‌ساله، سی‌وپنج‌ساله، چهل‌ساله، اینها هم جوانند، یعنی اینها هم می‌توانند در همین عرصه نقش‌آفرینی کنند، می‌توانند کار کنند؛ اینها هستند که اگر متعهد باشند می‌توانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱).

خب، حالا یک سؤال اینجا مطرح میشود و آن، این است که فرآیند ورود جوانان به این حرکت عمومی چیست؟ حالا شما یک جوان متعهد هستید، می‌خواهید در این حرکت عمومی حضور داشته باشید؛ شیوه‌ی حضور شما چگونه است؟ این، آن مطلبی است که من یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم؛ یک توضیحی باید بدهیم.

ببینید، درست توجه کنید! یک حرکت عمومی معقول و منضبط - منضبط! وقتی می‌گوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغاسالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغاسالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد - و صحیح و منتظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد:

اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام می‌دهند یا محور این حرکتند یا لاقط تحریک‌کننده‌ی این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، می‌خواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خوب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصت‌هایش کدام‌ها هستند، تهدیدهایش کدام‌ها هستند، دشمن‌هایش چه کسانی هستند، دوست‌هایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.

یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

عنصر سومی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از ظرفیت‌های ملی‌ای که ما این‌ها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتی شما جوانها ظرفیت‌های ملت خودتان را شناخته‌اید. ملت ایران نشان داده که می‌تواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده بریاید؛ ملت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را راه انداخت؛ این‌ها مثل معجزه است. تشکیل جمهوری اسلامی در دنیای دوقطبی کاپیتالیسم و کمونیسم - که آن روز بود - مثل یک معجزه

است؛ واقعاً شبیه معجزه‌ی عبور از دریا برای بنی‌اسرائیل یا عصای موسی است؛ مثل یک معجزه است. خب ملت ایران این کار را کردند؛ این یک ظرفیت خیلی مهمی است. بعد [هم] توانستند این را نگه دارند. دیگران هم از این کارها همین چند سال قبل از این [کردند]؛ دیدید دیگر؛ بعضی از این کشورهای منطقه‌ی شمال آفریقا و مانند آنها از این کارها کردند، اما نتوانستند نگه دارند. ملت ایران توانست نگه دارد. ملت ایران توانست در مقابل ابرقدرت‌های بزرگ دوران سینه سپر کند، آنها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ پس این خودش یک نقطه‌ی امید است. پس ما این نقطه‌ی امید را داریم. البته نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است. یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه‌ی مقابل ما است. بنده به طور قاطع می‌گویم -البته یک عده‌ای فوراً بنا می‌کنند توجیه و تأویل و انکار و مانند این‌ها، لکن بنده قاطعاً این را می‌گویم، می‌توانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است: عَلِي شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ؛ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ؛ لبِ گودال است؛ این جور است. البته حوادث و تحولات جوامع بتدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمی‌شود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است؛ و بعد هم وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خدا که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». خب، وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؟ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ وعده‌ی چه کسی از خدا درست‌تر است؟ خدا می‌گوید: إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه‌ی اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می‌کند؛ نقطه‌ی امید. پس عنصر سوم هم که وجود نقطه‌ی امید است، وجود دارد.

عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محل بحث ما اینجا است. آنچه شما سؤال می‌کنید - یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است - همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست. خب این چهار عنصری که گفتیم - همه‌ی این‌ها - که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکلهای دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تنبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمی‌خورد (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱).

رهبر انقلاب با اشاره به اینکه معنای سیاست‌های اصل ۴۴ جایگزین شدن بخش خصوصی به جای بخش دولتی نیست، افزودند: این دو بخش باید به هم کمک کنند و مزاحم هم نباشند؛ مثلاً اگر بخش خصوصی می‌تواند کاری را انجام دهد، بخش دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی خود را رقیب بخش خصوصی ندانند و به آن کار ورود نکنند و اگر هم فعالیت دارند، کنار بکشند.

ایشان در عین حال افزودند: البته بخش دولتی نباید بکلی از فعالیت‌های اقتصادی دست بردارد، زیرا کارهایی وجود دارد که جز بخش دولتی یا بخش‌های عمومی غیردولتی کس دیگری نمی‌تواند آنها را انجام بدهد (بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به روحیه‌ی تعاون و همکاری در میان مردم بویژه در حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله، بر لزوم استفاده از این روحیه در همه‌ی کارها تأکید کردند و افزودند: مردم باید تولیدات داخلی را تکریم کنند و اگر رفتار غلطی هم در این زمینه وجود دارد، آن را زشت بدانند ولی به همه‌ی تولیدات داخلی تعمیم ندهند.

ایشان به‌عنوان نمونه یکی از رفتارهای نادرست در عرصه‌ی تولید داخلی را استفاده از نشان خارجی برشمردند و گفتند: این شیوه باید اصلاح شود.

رهبر انقلاب اسلامی، وظیفه و مسئولیت نخبگان علمی و دانشگاهی را کمک به حل مسائل اقتصادی و همکاری با بخش‌های تولیدی در جهت تبادل دانش و تجربه دانستند و افزودند: از وظایف مهم نخبگان، تربیت نیروی انسانی خلاق، مبتکر و متناسب با نیازهای روز و همچنین کار علمی برای حل مشکلات موجود در مسائل بانکی و نظام بودجه‌ریزی کشور است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه دستگاه‌های دولتی باید از ظرفیت علمی دانشگاه‌ها استفاده کنند، گفتند: در ابتدای سال چهار ماه فرصت داده شد تا نظام بودجه‌ریزی کشور اصلاح شود اما متأسفانه این کار انجام نشد و دلیل آن هم گره‌های علمی است که این گره‌ها با کمک دانشگاهیان و نخبگان علمی برطرف خواهد شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه توصیه‌هایی هم خطاب به دستگاه‌های دولتی بیان کردند و گفتند: دستگاه‌های حکومتی باید با جدیت، به دنبال بهبود محیط کسب‌وکار و برطرف کردن قوانین مزاحم و اصلاح عملکردهای غلط باشند تا محیط مساعد تولید در کشور به وجود آید (بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

خب، حالا این طرح بزرگ، این نقشه‌ی راه همه‌جانبه و وسیع، مطرح شد؛ صرف مطرح کردن سیاست‌ها که مشکلی را حل نمی‌کند؛ این آغاز راه است. کارهایی باید انجام بگیرد:

در درجه‌ی اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه‌ی اول، قوه‌ی مجریه، مسئولان دولت؛ و نیز قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه؛ و بخش‌های گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً بایستی در این مسئله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت.

دوم، ورود در میدان عمل [است] عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هر کسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه‌ی راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به‌وجود خواهد آمد. ما امسال را گفتیم سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، بحمدالله حماسه‌ی سیاسی به‌وجود آمد؛ حماسه‌ی اقتصادی متأسفانه تأخیر افتاد؛ لکن حالا در پایان سال، این سرآغازی برای حماسه‌ی اقتصادی خواهد بود که قطعاً باید ان‌شاءالله در سال ۹۳ با جدیت کامل از سوی مسئولین دنبال بشود و در عمل باید شروع بشود.

مسئله‌ی سوم، تبدیل به برنامه و سیاست‌های اجرایی است که دستور این کار از سوی رؤسای سه قوه داده شده؛ هم رئیس جمهور محترم، هم رئیس محترم قوه‌ی مقننه، هم رئیس محترم قوه‌ی قضائیه دستور داده‌اند به زیرمجموعه‌ی خودشان که برنامه‌های اجرایی را در هر بخشی تهیه کنند؛ منتها من می‌خواهم تأکید کنم بر روی زمان‌بندی؛ باید زمان‌بندی کنید. من بخشنامه‌هایی که آقای معاون اول برای دستگاه‌ها فرستاده بودند، دیدم؛ باید زمان‌بندی بشود، مشخص بشود که چقدر کار پیش رفت و تا کی انتظار تحقق این برنامه‌سازی و بعد اجرا را باید داشت؛ باید شتاب بگیرد؛ سهم هر قوه‌ای معین بشود. در قوای مختلف - بخصوص قوه‌ی مجریه - سهم هر دستگاهی مشخص بشود؛ شاخص‌ها - بخصوص شاخص‌های زمانی - معین بشود که بتوان نظارت کرد و بتوان پیشرفت کار را و صحت مسیر را فهمید.

چهارم، هماهنگی میان بخش‌های گوناگون است که البته سازوکار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند. هماهنگی کمک خواهد کرد، هماهنگی بین مجلس و دولت، بین مجلس و دولت و قوه قضائیه. در بخش‌هایی بدون هماهنگی نمی‌شود حرکت کرد؛ در بخش‌هایی هم هماهنگی دارای تأثیر است ولو نه به آن اندازه؛ به هر حال هماهنگی لازم است. سازوکار هماهنگی را باید رؤسای سه قوه ان شاء الله تهیه کنند.

مسئله پنجم، نظارت در همه‌ی سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت‌نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان شاء الله. بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است.

مطلب ششم، رفع موانع است. موانعی وجود دارد که اینها را می‌شود برداشت: موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتم "قانون روی قانون آمدن" کار را مشکل میکند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس میتواند انجام بدهد؛ والا ما حالا قوانینی داریم، [اگر] باز یک قانونی روی آن قانون وضع نکنیم، قابل تفسیر و مشکل‌تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ اینها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند.

الزام هفتم و کار لازم هفتم، گفتمان‌سازی است؛ باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چنجه دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اشکال‌تراشی، مانع‌تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها می‌کنند. نقطه‌ی مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.

آخرین نکته‌ای هم که در این زمینه عرض می‌کنم و عریضم را تمام می‌کنم، پایش و اطلاع‌رسانی است. بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند. این مجموعه‌ی عریضی است که ما به شما برادران و خواهران عزیز می‌خواستیم عرض کنیم (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

مسئله‌ی کار نقش دارد در اقتصاد مقاومت. خوب، کارگر چه کار کند تا در اقتصاد مقاومتی بتواند سهمی باشد؟ همه نقش دارند؛ کارگر هم نقش دارد، کارفرما هم نقش دارد، دولت هم نقش دارد، مسئولین گوناگون هم همه نقش دارند. نقش کارگر در درجه‌ی اول احساس مسئولیت است؛ یعنی کارگر در آن کاری که به او محول است باید احساس مسئولیت کند - همه‌مان باید احساس مسئولیت کنیم - و کاری را که به او سپرده شده است باید مسئولانه انجام بدهد؛ کیفیت را باید افزایش بدهد. همه‌ی آحاد کارگری باید در فکر این باشند، درصدد این باشند که کیفیت کار را بالا ببرند؛ این برکت ایجاد میکند، هم برای خود او، هم برای جامعه (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸).

یکی از چیزهایی که موجب می‌شود که حرکت کارگری حرکت موقفی باشد، ترویج محصول کار کارگر ایرانی است. این را بعد عرض می‌کنم، بنده در مورد ترویج محصول کار حرف خیلی دارم که چند جمله‌ای بعداً عرض خواهم کرد. یکی از چیزهایی که برای موفقیت کارگر در ایجاد کار مناسب لازم است، سلامت محیط کار است؛ یکی از چیزهایی که لازم است، افزایش سهم

دستمزد در هزینه‌ی تولید است. این ممکن است جوری برنامه‌ریزی بشود که به کارفرما هم هیچ صدمه‌ای نزند؛ از هزینه‌های اضافی و زائد کاسته بشود و به سهم دستمزد کارگر افزوده بشود؛ اگر این انجام بگیرد، کارگر تشویق می‌شود. روش‌های درستی وجود دارد؛ بعضی‌ها در دنیا هم اینها را تجربه کرده‌اند. خوشبختانه مسئولین ما واقعاً می‌خواهند خدمت کنند. ما می‌توانیم با نیروی ایمان و شوق و علاقه‌ای که وجود دارد این روش‌ها را پیدا کنیم؛ می‌توانیم در این زمینه‌ها کار کنیم (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸).

ایشان بخش مهمی از سخنانشان را به تبیین نقش جوانان در تحولات چهل سال اخیر اختصاص دادند و تأکید کردند: جوانان عزیز، بدانید که شما نوک پیکان حرکت عظیم ملی هستید، شما باید راه را باز کنید. پیران مجرب هم اگر خسته و بی‌حال و از کارافتاده نباشند، می‌توانند شما را راهنمایی کنند اما موتور پیش‌برنده‌ی این قطار، شما جوانان هستید (در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی، ۱۳۹۷/۷/۱۲).

ایشان شرط دوم برای پیمودن مسیر پرفرازونشیب پیشرفت را، «اعتمادبه‌نفس و عزم بر ایستادگی» دانستند و خاطرنشان کردند: انسان‌های بی‌روحیه، ترسو، مأیوس، تنبل، فرصت‌طلب و خودکم‌بین، در این میدان اگر خود مانعی برای دیگران نشوند، نمی‌توانند هیچ هنری از خود نشان دهند (در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی، ۱۳۹۷/۷/۱۲).

امروز دیدار ما با شما مجموعه‌ای از کارگران عزیز سراسر کشور، در واقع نماد اظهار ارادت ما به طبقه‌ی کارگر است. خیلی حرف زدیم و می‌زنیم، امروز هم مطالبی را عرض خواهیم کرد، لکن عمده این است که می‌خواهیم با این دیدار تجلیل از کارگر و تجلیل از کار بکنیم؛ می‌خواهیم اهمیت کار را در ذهن خودمان و ذهن آحاد ملت ایران برجسته‌تر کنیم. توجه کنیم که همه‌ی دستاوردهای بزرگ در سایه‌ی کار به معنای اعم این عنوان تحقق پیدا میکند. کار ارزش دارد؛ کارگر به برکت ارزش کار، ارزش والایی در جامعه دارد. اینکه معروف است و روایت است که پیغمبر مکرّم اسلام دست کارگر را بوسیدند، فقط یک تعارف نیست؛ این یک تعلیم است (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۴/۲/۹).

همه بایستی همه‌ی هم‌تشان را در بخش‌های مختلف و گوناگون برای مسئله‌ی تولید صرف کنند.

این البته لوازمی دارد؛ هم سرمایه‌گذار، هم کارگر، هم مصرف‌کننده، هم دستگاه‌های متولی دولتی، همه وظایفی دارند؛ این کار، یک‌بعدی نیست؛ همه بایست با هم [همکاری کنند]. اینکه می‌گوییم همدلی و هم‌زبانی مردم با دولت، معنایش این است؛ یعنی همه با هم همکاری کنند تا این سنگ بزرگ را بردارند، این صخره‌ی بزرگ را از سر راه حرکت کشور بردارند (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۴/۲/۹).

یکی هم مسئله‌ی مسئولیت دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ها است. رسانه‌ها هم همین‌جور؛ صداوسیما، دیگران، بایستی روی مسئله‌ی مصرف داخلی و تولید داخلی به معنای واقعی کلمه کار کنند؛ اینها تأثیر می‌گذارد (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۴/۲/۹).

یک مسئله مسئله‌ی ثبات در قوانین است که این به عهده‌ی مجلس است. مراقب باشند مدام قوانین مربوط به مسائل اقتصادی از جمله مسائل مربوط به کار را هرروز عوض و بدل نکنند که بشود آن کسانی که می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند، برنامه‌ریزی کنند.

به‌هرحال متولیان فرهنگی کشور در نکوهش بی‌کاری و کم‌کاری و فرار از کار سخت، برای کار فرهنگی برنامه‌ریزی کنند. آقا جان! کار سخت را باید قبول کرد. اگر کار سخت را ما به خودمان تحمیل نکنیم، قبول نکنیم، به جایی نمی‌رسیم؛ فقط دنبال کار آسان که نمی‌شود رفت؛ باید انسان کار سخت را قبول کند؛ در هر جایی که هست. آن کسانی که توانستند در صنعت، در فناوری، در مسائل علمی به اوج برسند، کارهای سخت را بر خودشان تحمیل کردند. این، فرهنگ‌سازی لازم دارد. اینکه فقط دنبال کارهای آسان باشیم، کار پیش نمی‌رود (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۴/۲/۹).

در این عرصه‌ی رویارویی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها، آنچه که می‌تواند تعیین‌کننده باشد، عبارت است از تصمیم و اراده و بصیرت و روشن‌بینی شما مردم عزیز. وحدت ملت ایران، اتحاد کلمه‌ی مسئولان کشور، همکاری دستگاه‌های مختلف، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌شناسی آحاد مردم می‌تواند ما را به پیشرفت‌های بیشتری برساند؛ می‌تواند آن چهره‌ای را که متناسب با این کشور و این ملت عزیز و بااستعداد است، برای ما به وجود بیاورد (بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

خود اینکه یک مردمی، یک مجموعه‌ای در یک شهر، در یک استان و در کل کشور نسبت به آینده احساس وظیفه کند، نسبت به مدیریت کشور احساس وظیفه کند و بخواهد در آن دخالت کند و ورود در صحنه پیدا کند، چیز ارزشمندی است؛ این ضد آن غفلتی است که دشمن می‌خواهد بر ما تحمیل کند. این روحیه را باید حفظ کرد؛ روحیه‌ی حضور را، روحیه‌ی شرکت را، روحیه‌ی همکاری و تعاون را، به مناسبت مسائل اقتصاد، روحیه‌ی مصرف داخلی را؛ که این هم یکی از مقولات مهمی است (بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اگر ایمان در دل و توکل بر خدا در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها نیز در مقابل چنین اراده‌ای هموار خواهند شد و قدرت مقاومت نخواهند داشت (بیانات در دیدار جمعی از رزمندگان و هنرمندان دفاع مقدس، ۱۳۹۶/۳/۳).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صبح امروز در دیدار بسیار پرشور بیش از ۲۰ هزار نفر از استادان و دانشجویان دانشگاه‌های استان فارس، قضاوت صحیح درباره‌ی عملکرد انقلاب اسلامی را نیازمند نگاه کلان به اهداف، موانع درونی و بیرونی و مسیر طی‌شده‌ی جمهوری اسلامی دانستند و تأکید کردند: ایستادگی، تلاش بی‌وقفه، اتحاد، ادامه‌ی مبارزه با موانع و گم‌نکردن هدف، بدون تردید تحقق همه‌ی آرمان‌های انقلاب را میسر خواهد کرد (دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

ایشان خاطرنشان کردند: این راهبرد کلی در محیط‌های دانشجویی در درس و تحقیق و نظریه‌پردازی، نگاه کلان به اهداف انقلاب و هوشیاری کامل و مراقبت دائم برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ی دشمنان از رویدادها و مسائل دانشجویی و دانشگاهی ظهور می‌یابد (دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

ایشان مسئولان آموزش عالی را به بررسی و اجرایی شدن پیشنهاد دانشجویان مبنی بر تشکیل پژوهشگاه‌های دانشجویی توصیه کردند و افزودند: در بحث تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، محیط‌های دانشجویی باید با فکر و زبان و عمل، بر تصمیم‌سازی و ایجاد گفت‌وگو متمرکز شوند و فضای هدایت‌شده‌ای را برای مسئولان تصمیم‌گیر به وجود آورند (دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

امروز کشور از استقلال برخوردار است و این خواسته‌ی عمومی این مردم در انقلاب بوده (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).  
خب، در مورد این معنای کار، توصیه‌ی عمومی این است که ما کار را گسترش بدهیم؛ به همه توصیه کنیم هر کس هر جا هست، کار کند، کیفیت کار را بالا ببرد، حق کار را اداء کند (بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۵/۲/۸).

البته این دانشجوی عزیز - نماینده‌ی تشکل‌های دانشجویی - نکته‌ی بسیار درستی را ذکر کردند و آن این است که نسبت میان نگاه به فعالیت‌های امروز و نگاه به تکالیف آینده در فعالیت‌های دانشجویی و جنبش دانشجویی باید رعایت شود؛ لیکن اگر ما نگاه کلانی به مسائل کشور، به آینده‌ی کشور و چالش‌هایی که فراروی ملت و کشور قرار دارد، نداشته باشیم، نه تنها نمی‌توانیم وظایف آینده را ترسیم کنیم، بلکه در فعالیت‌های فعلی هم احتمال سردرگمی وجود خواهد داشت (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۴/۲/۱۹).

مسأله‌ی اول، شکل دادن به یک آرمان سیاسی است که بتواند به فعالیت‌ها و تلاش‌های جوان جهت بدهد؛ چون بدون آرمان، نه می‌شود درست زندگی کرد و نه تلاش انسان، منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت بدهد (بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۴/۲/۱۹).

مگر می‌شود چنین وضعیتی را برنامه‌ریزی کرد؟! این، ایمان مردم بود. این، شور و شوق مردم بود. این، امید مردم بود (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۲/۸/۳۰).

این‌جا یک نکته وجود دارد و آن این است که ملت ایران - جمعیت و توده مردم - همیشه بوده است. اما چرا در ادوار دیگر تاریخ، این اتفاق نیفتاد که در مقابل حوادث عظیم اجتماعی این‌طور مردم یکسره بریزند و با حضور خود، یک معضل عظیم اجتماعی را حل کنند؟ البته نمی‌گوییم در گذشته، هیچ وقت اتفاق نیفتاده است. چرا! وقتی که حادثه مهلکی پیش آمده است، غالباً مردم ما، وقتی احساس کرده‌اند که این تکلیف دینی است - که البته این تکلیف دینی را هم بایستی رهبران دینی و علمای دین به آنها می‌گفتند - راه افتاده‌اند و دفاع کرده‌اند. ما قضایای متعددی را در تاریخ گذشته - چه در ماجرای مشروطه، چه قبل از آن، چه بعد از آن و چه در جنگ‌ها - داریم. اما چرا یک حضور همگانی از همه جای کشور، با این استقامت، با این روشن بینی؛ آن‌هم به مدت چند سال، در گذشته دیده نشده بود؟ چرا در طول این یکی دو قرن گذشته - شاید از دویست سال پیش به این طرف - ایران در همه جنگ‌هایی که با همسایگان خود و دیگران داشته، شکست خورده است؛ مگر در همین جنگ تحمیلی هشت ساله که از همه جنگ‌هایی که ملت ایران در این مدت با آن مواجه شد، سخت‌تر و طولانی‌تر بود؟ این، سابقه ندارد. در جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی‌شاه، ما شکست خوردیم. در جنگ هرات شکست خوردیم. در جنگ بین الملل دوم، آن وقت که متفقین وارد کشور ما شدند، شکست خوردیم. در این مدت، هر کدام از همسایگان، در هر جا از این کشور، تحرک و تجاوزی کردند، ما در مقابل تجاوز آنها شکست خوردیم. اما در این جنگ هشت ساله که تقریباً تمام قدرت‌های نظامی دنیا با یکدیگر همدست شدند و کشوری را علیه ما بسیج نمودند و به ما حمله کردند، ما آنها را شکست دادیم. شکست نخوردیم، و پیروز شدیم. چرا؟ عین همین مطلب، در سایر کشورها هم هست. اینها را می‌گوییم تا فکر کنید و پاسخ درست سؤال را پیدا کنیم، تا بشود با یک فهم عقلانی درست، با هدایت عقلانی و محاسبه دقیق، راه آینده را پیدا کرد. همچنان که به فضل الهی، ملت ایران تا امروز، همین‌گونه حرکت کرده است.

به کشورهای دیگر نگاه کنید: مردم سایر کشورهای اسلامی هم مسلمانند. نمی‌شود گفت که مردم فلان کشور، دین و ایمان درستی ندارند. حال اگر در بعضی کشورها، بر اثر بعضی عوامل، مردم دچار سستی ایمان باشند و برخی عادات غیر دینی داشته باشند، این یک حرف دیگر است. اما ایمان مردم، در غالب کشورهای اسلامی، ایمان عمیقی است و می‌شود شواهد این را پیدا کرد. در همین کشورهای آسیای مرکزی، که در آنها حدود هشتاد سال علیه دین کار کردند، باز هم می‌بینید هنوز مردم علاقه دینی دارند. در خیلی از کشورها، نماز مردم، روزه مردم - یعنی چیزهایی را که فهمیده‌اند دین آنها را از آنان می‌خواهد - درست انجام می‌شود. اما همان مردم، در مقابل تهاجم فرهنگی دشمنان، در مقابل تهاجم سیاسی دشمنان، در مقابل تهاجم اقتصادی کمپانی‌های استکباری دنیا و - اگر روزی پیش آید - در مقابل تهاجم نظامی دشمنان، هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید. چرا؟ چرا کشورهای بزرگ و پرجمعیتی که در منطقه خاور میانه هستند و بعضی از همین کشورهای پرجمعیت که با رژیم متجاوز صهیونیست همسایه‌اند، نمی‌توانند این غده سرطانی را علاج کنند.

علت چیست؟ علت، همان چیزی است که موجب شده بود ملت بزرگ ایران با وجود دین و ایمانش، تا قبل از برهه انقلاب - در دوران‌های قبل - در همه قضایایی که برایش پیش آمد، دچار ناکامی شود. علت، در همه جا، یکی است. علت این است که ملت ما از آن خصایص ممتازی که در طول این هشت سال از آنها برخوردار بود، در گذشته برخوردار نبود. امروز هم متأسفانه بسیاری از کشورهای مسلمان دیگر، از آن برخوردار نیستند. اما ملت ما، در طول سال‌های بعد از انقلاب، از آن برخوردار بود. آن چیست؟

این، یک نکته اساسی است. این، عامل پیروزی‌های بزرگ و کامیابی ملت ایران است. یعنی ارتباط این توده عظیم مؤمن - این جوانان، این مردان و زنها و قشرهای مختلف - با آن مرکزیت و رهبری الهی ایمانی که با همه وجود در راه هدف‌های اسلامی تلاش میکرد و مردم را در آن راهی که بایستی حرکت می‌کردند، هدایت می‌کرد. وجود یک رهبری، یک مرکزیت و یک دستگاه هدایت، که در امام بزرگوار ما - آن مرد حکیم و معنوی - متجسم شده بود. او بود که به این توده عظیم مسلمان مؤمن متعهد ما راه نشان می‌داد. به مردم می‌گفت که باید با چه کسی مبارزه کنند. مردم را دعوت می‌کرد به این که دلشان را با خدا مرتبط کنند و به خدا توکل نمایند. به مردم هشدار می‌داد که چگونه در مقابل دشمن خود را مجهز و آماده نگهدارند که دشمن نتواند آنها را فریب دهد. هر وقت لازم بود، آنچه را که دانستن آن برای مردم لازم بود به مردم می‌گفت. پشت سر امام هم، دستگاه اداره کننده کشور، یعنی نظام جمهوری اسلامی بود. اما قضیه، به شخص امام منحصر نمی‌شود. مبدا کسی خیال کند که در نظام جمهوری اسلامی، توده‌های عظیم مردم، فقط باید با شخص رهبر در ارتباط باشند و دستگاه اداره کننده کشور به عنوان یک پدیده، در جذب و هدایت و راهنمایی و راهاندازی نیروی مردم و پشتیبانی آنها نقشی ندارد! نه؛ این اشتباه است. برای همین بود که شما می‌دیدید که امام بزرگوار، بارها و بارها از مسؤولین رسمی کشور حمایت و پشتیبانی می‌کرد (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۲/۸/۳۰).

در همه‌ی این سال‌های انقلاب، حضور دانشجویان در این صحنه‌ها، حضور فعال و مؤثری بوده. دانشجویها گفتمان‌ساز بوده‌اند، فضای فکری ساخته‌اند، گفتمان‌های سیاسی و انقلابی را در جامعه حاکم کرده‌اند، که در موارد زیادی این وجود داشته (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

حضور یکپارچه‌ی مردم، که این هم جز با انگیزه‌ی دین و با پیشوائی روحانیت مبارز و مرجعی مثل امام بزرگوار امکانپذیر نبود (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

یک نوبت که در حدود پنجاه روز یا دو ماه بود و هر روز و شبی موشک‌های دشمن به این شهر فرود می‌آمد، این نماز جمعه با اجتماعی عظیم - شاید بشود گفت بیش از سایر اوقات - مملو از جمعیت می‌شد. چون خطر بود و مردم احساس می‌کردند که حضورشان در این‌جا خطرپذیری است و برای خداست، لذا برای ثواب مضاعف شرکت می‌کردند (بیانات در خطبه نماز جمعه، ۱۳۷۷/۸/۸).

بسیج، یعنی حضور در میدان‌هایی که نظام اسلامی، وظیفه‌ی انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدان‌ها لازم می‌داند و او را به آنها فرا می‌خواند. بسیجی، هر یک از احاد ملت است که در هر جایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون، ۱۳۸۰/۸/۲۱).

عنصر دوم، وحدت و اتحاد ملت بوده است. من به شما عرض می‌کنم که عزیزان من! ملت ایران به برکت وحدت کلمه، هم در جنگ، هم در بسیج نیروها برای میدان‌های دفاع مقدس، هم در همه میدان‌های گوناگونی که برای این ملت مطرح بود و هم در خود انقلاب، پیروز شد. اگر وحدت کلمه نبود؛ اگر ملت ایران دچار اختلافات و دودستگی‌ها و شکاف‌ها و شقاق‌ها می‌شد - که دشمن می‌خواست این کار را بکند، ولی بحمدالله موفق نشد - ناموفق می‌ماند. این وحدت را باید حفظ کنید (بیانات در دیدار مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴).

یک بخش دیگر از مظاهر وحدت، وحدت میان ملت و مجریان است. امروز یکی از مشکلات بزرگ کشورها، این بخش قضیه است. در کشورهای مختلف، بین عموم و یا بخش‌های عمده‌ای از مردم و دستگاه‌های اجرایی، اختلافات عمیقی وجود دارد و همه چیز مردم قربانی این اختلافات می‌شود (بیانات در دیدار مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴).

آنچه به نظر این حقیر، کمتر به آن پرداخته شده است و باید پرداخته بشود، مسئله‌ی عقبه‌ی فکری و پشتوانه‌ی فکری بسیج است. بسیج یک اندیشه است، یک فکر است، یک منطق است، یک منظومه‌ی فکری است. علت این هم که همه می‌بینند که



تحصیل کرده، نخبه، نابغه، از رشته‌های مختلف مجذوب بسیج می‌شوند، این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست؛ یک منطق قوی پشت سر بسیج وجود دارد؛ این منطق، این علم، وقتی با عمل همراه می‌شود، این غوغا را درست می‌کند؛ این حوادث شگفت‌آور را خلق می‌کند. پایه‌ی این تفکر چیست؟

من چند جمله‌ی کوتاه درباره‌ی این تفکر - تفکری که قاعده‌ی بسیج است، پشتوانه‌ی بسیج است، عقبه‌ی فکری بسیج است - عرض می‌کنم. دو نکته را من در این مورد عرض می‌کنم، [که] جای فکر کردن و بحث کردن و کار کردن دارد.

پایه‌ی این تفکر، اعتقاد به مسئولیت انسان است؛ مسئولیت انسان. انسان موجودی است مسئول. نقطه‌ی مقابل این فکر، حالت احساس بی‌مسئولیتی، «ولش کن»، «برو خوش باش»، «به خودت بپرداز» است. پایه‌ی فکری بسیج این مسئولیت الهی است که حالا عرض می‌کنم مبانی دینی مستحکمی دارد. نه فقط مسئولیت در برابر خود و در برابر خانواده‌ی خود و نزدیکان خود - که این هست - بلکه مسئولیت در قبال حوادث زندگی؛ در قبال سرنوشت جهان، سرنوشت کشور و سرنوشت جامعه، چه مسلمان، چه غیر مسلمان. این احساس مسئولیت فقط نسبت به انسان‌های هم‌عقیده و مسلم و مؤمن نیست بلکه حتی نسبت به غیر مسلمین و غیر مؤمنین هم احساس مسئولیت می‌کند. نقطه‌ی مقابل همان دم‌غیمتی، ولش کن و حالت تنبلی و حالت گریز از مسئولیت و مانند این‌ها است. پایه‌ی اصلی بسیج، این احساس مسئولیت است. این تفکر مسئولیت انسان، جزو بیانات اسلام است. یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند در این تردید بکند که اسلام، انسان را این‌جور موجودی می‌داند: موجودی که مسئول است، کار از او خواسته شده است... دومین پایه که در کنار این هست که مکمل پایه‌ی اول است، عبارت است از بصیرت، روشن‌بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۹/۶).

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «نهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه القاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۲).

البته معنای اینکه ما می‌گوییم حفظ انقلاب و پاسداشت انقلاب را امام به جوان‌ها داد، این نیست که غیر جوان‌ها مأموریت ندارند؛ چرا، این مأموریت همه است؛ از پیرمرد هشتادساله و بالاتر از هشتادساله تا نوجوان، از مرد تا زن، از نخبه تا غیر نخبه و مجموع آحاد ملت و کشور مأموریت دارند انقلابشان را حفظ کنند؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ اما جوان پیش‌ران است، موتور حرکت است. اگر نسل جوان نمی‌بود و نمی‌خواست و اقدام نمی‌کرد، حرکت متوقف می‌شد؛ اندیشه‌ی پیران و فکر و تجربه‌ی آنها آن‌وقتی به کار می‌آید که حرکت جوانانه‌ی جوانان وجود داشته باشد؛ پیش‌ران این حرکت، جوان‌ها هستند. بنابراین امروز، شما جوان‌هایی که امام را ندیده‌اید مخاطب امامید، امام با شما حرف زده است، امام با شما صحبت کرده است. مراجعه کنید به مطالب امام. این یک نکته (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

یکی این است که بسیج صرفاً یک حرکت احساسی نیست، بسیج متکی است به دانستن و فهمیدن، متکی است به بصیرت. واقعیت بسیج هم همین است و در این جهت باید پیش برود. اگر صرفاً احساس بود، احساس با یک اندک چیزی تغییر پیدا می‌کند (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

نکته‌ی دیگر؛ در بسیج هم‌افزایی لازم است. یعنی بایستی قشرهای مختلف مردم در بسیج حضور داشته باشند؛ همین بسیج افسار. دانش‌آموز و دانشجو و کارگر و استاد دانشگاه و کاسب و حقوق‌دان و غیره و غیره و همه باید باشند. این گستره‌ی بسیج

به صورت افقی است. البته شرطش این است که اینها با همدیگر هماهنگی بکنند. یکی از کارهای لازمی که بنده توصیه می‌کنم - همین‌جا هم می‌گویم، مسئولین هم تشریف دارند- و باید انجام بگیرد، [ایجاد] یک سازوکار قطعی است برای هماهنگی و همکاری و هم‌افزایی این سطح وسیع افقی. بنابراین بسیج خطّ افقی دارد (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳).

هر چه نگاه می‌کنید می‌بینید در انتقال و جابه‌جائی قدرت‌ها، مردم کشور ما نقشی نداشتند؛ جانب‌داری‌ای نداشتند؛ حضور مؤثر و فعالی نداشتند. تنها در انقلاب اسلامی است که وقتی صلاهی انقلاب از سوی رهبر بی‌نظیر ما به گوش رسید، ملت حرکت کرد. مسئله، مسئله‌ی این نبود که خواصی از جامعه، جریانی از جامعه، گروهی از ابعاد و اشخاص جامعه بیابند وسط میدان؛ اقیانوس به تلاطم درآمد، اقیانوس ملت. وقتی هم که نوبت دفاع مقدس رسید، باز تنها نیروهای مسلح مرسوم نبودند که احساس وظیفه کردند، آحاد مردم حرکت کردند؛ هر جا دل آماده‌ای بود، هر جا انگیزه و نشاط و ایمان برتری بود، آمد وسط میدان (بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

آنچه که برای ما لازم است، این است که آحاد مردم، مسئولین، غیر مسئولین، بخصوص جوان‌ها، بخصوص کسانی که سخن و حرفشان تأثیر دارد، احساس مسئولیت حضور در صحنه را از دست ندهند. هیچ کس نگوید من تکلیفی ندارم، من مسئولیتی ندارم؛ همه مسئولند (بیانات در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۶).

نکته دوم [که باید] توجه کنند برادران و خواهران عزیز من، در مورد راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن است. بعضی هستند که با محاسبه جمعیت‌ها را محاسبه می‌کنند یا با دوربین‌ها و وسایل گوناگون مقدار جمعیت را حدس می‌زنند؛ امسال همه‌ی کسانی که در این زمینه‌ها فعال بودند و همه‌ی کسانی که این راهپیمایی را با دقت زیر نظر داشتند، به ما گزارش دادند که جمعیت راهپیمایی در تهران و در شهرهای بزرگ و معروف از سالهای قبل، هم بیشتر بود، هم پرشورتر بود یعنی شعارهای مردم، شعارهای پرمغز و پرمعنا و پرشور بود. چرا؟ تحلیلگرانی که مسائل گوناگون را تحلیل می‌کنند، این جور فهمیدند و به نظر ما درست فهمیدند؛ علت این بود که امسال عوامل مؤثر در سیاستهای استکباری، لحنشان نسبت به ملت ایران بی‌ادبانه‌تر و توهین‌آمیزتر بود. چون در زمینه‌ی مسائل هسته‌ای مذاکرات انجام گرفته بود، سیاستمداران آمریکا اظهار نظر کردند که معلوم می‌شود ملت ایران از حرف خود برگشته است، از اصول خود صرف‌نظر کرده است! با این زمینه، لحنشان نسبت به ملت ایران، لحن بی‌ادبانه و توهین‌آمیز بود؛ مردم اینها را شنیدند، دانستند. وقتی دشمن با چهره‌ی واقعی خود یا نزدیک به چهره‌ی واقعی خود در میدان حضور پیدا می‌کند، مردم انگیزه بیشتری و همت بلندتری برای حضور پیدا می‌کنند؛ مردم چون دیدند آمریکایی‌ها نسبت به آنها بی‌ادبی می‌کنند و نسبت می‌دهند که از نظام جدا شده‌اند، خواستند در بیست‌ودوم بهمن نشان بدهند که نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و پرچم برافراشته اسلام با همه‌ی وجود دل‌بسته‌اند. این نشان‌دهنده‌ی حساسیت مردم ما و غیرت مردم ما در برابر دشمنی و شرارت دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ایران است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

امام یک جذّابیت‌های شخصی داشت، یک جذّابیت‌هایی در شعارهای امام وجود داشت؛ این جذّابیت‌ها آن قدر قوی بود که توانست قشرهای مختلف مردم و از جوانها را وارد میدان کند (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

از جمله‌ی مبانی مطرح‌شده‌ی به‌وسیله‌ی امام و شعارهای امام بزرگوار، مسئله‌ی مردم‌سالاری بود؛ یعنی اختیار حاکمیت کشور در دست مردم باشد؛ مردم انتخاب کنند، مردم بخواهند، مردم اراده کنند؛ در همه‌ی عرصه‌های زندگی. یکی از شعارهای امام مسئله‌ی خودباوری ملت بود؛ یعنی اینکه به مردم میگفت و تکرار می‌کرد که شما می‌توانید، شما قادرید؛ در علم، در صنعت، در کارهای اساسی، در اداره‌ی کشور، در مدیریت بخش‌های مهم کشور، در اقتصاد و غیره، شما قادر هستید خودتان روی پای خودتان بایستید. اینها جذّابیت‌های شخصیت امام بود که توانست جوان‌ها را جذب کند. و جوان‌ها آمدند به نهضت امام بزرگوار پیوستند، انقلاب به پیروزی رسید (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

در این نوبت نیز ملت ایران، با آگاهی و بصیرت، میدان را با حضور مبارک خود مزین ساخت و به دشمنان که برای دلسردکردن مردم از هیچ تلاش سیاسی و تبلیغاتی فروگذار نکرده بودند، پاسخی قاطع و پرمعنی داد (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۵/۱۲).

به مردم هم باید واقعاً میدان داده شود. البته در بیانات دوستان به برخی از این حوادثی که ناشی از پیگیری مفسدین اقتصادی و مفساد اقتصادی است، اشاره شد. واقعاً نمی‌شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفساد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. همان چند سال پیش هم که من راجع به این قضیه بحث کردم و مطالبی را به مسئولین کشور گفتم، به همین نکته توجه داشتم، که تصور نشود ما می‌توانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفساد اقتصادی (بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲).

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتواند ان‌شاءالله مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱).

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگوئی کنند. به آن‌ها انتقاد شد، آن‌ها در مقام پاسخگوئی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه‌ها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گوئی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاست‌هایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پابندی‌هایشان کدام است، تا چه حد است؛ این‌ها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه‌ی نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقت‌ها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم می‌خواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره‌ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره‌های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و آن‌ها تشخیص دادند، وارد میدان شدند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹).

انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت‌جوی مردم در اداره‌ی کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دل‌بستگی مردم به نظامشان (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹).

حضور مردم در صحنه‌ها توانست دشمن را مأیوس کند. اگر مردم در این سی سال در انتخابات‌ها شرکت نمی‌کردند، در راه‌پیمائی‌های بیست و دو بهمن و روز قدس شرکت نمی‌کردند، در مراسم گوناگون، حضور خودشان و این حجم عظیم ملت ایران را به رخ دشمن نمی‌کشیدند، مسلماً هیبت ملت ایران، آن‌چنان که امروز هست، نمی‌بود. این حضور را حفظ کنید (بیانات در دیدار مردم بیجار، ۱۳۸۸/۲/۲۸).

اکنون که در نخستین ماه‌های سال همبستگی ملی و مشارکت عمومی، ملت ایران فصلی درخشان را رقم زدند، از همه و به‌ویژه از عناصر سیاسی و دارندگان جایگاه‌های هدایت افکار عمومی و رسانه‌ها و دیگران می‌خواهم که همچنان روحیه‌ی همبستگی و مشارکت را تقویت کنند و از هر کار و گفتار تفرقه‌انگیز و دلسردکننده بپرهیزند (مصاحبه با خبرنگار صدا و سیما پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۳/۲۷).

امروز در کشور ما بحمد الله هم اتحاد هست، هم ایمان هست، هم آگاهی و شور هست؛ البته تلاش می‌کنند که نگذارند. در همین قضایای انتخابات که مردم حقیقتاً با شور و شعور و انگیزه شرکت می‌کنند، حضور مردمی کاملاً پیداست (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۳/۱۰/۱۹).

وحدت کلمه، رمز پیروزی هر ملتی است. رمز پیروزی انقلاب ما هم واقعاً وحدت کلمه بود. رمز پیروزی در جنگ هم وحدت کلمه بود. رمز پیروزی در دوره‌های بعد از جنگ تا امروز هم که دوره‌ی سازندگی است، باز وحدت کلمه است. ما اگر وحدت کلمه نداشته باشیم، اگر نقطه‌ی توافق عظیم ملی نداشته باشیم، همه‌ی دستاوردهای این ملت از دست خواهد رفت. خوشبختانه این را داریم و مردم گرد آن متحدند. شما ببینید در راه‌پیمایی‌ها، در اجتماعات عظیم مردمی، آنجایی که شعارهای مشترک و آرزوهای عمومی مردم مطرح می‌شود، مردم چطور از همه‌ی قشرها شرکت می‌کنند و هیچ اختلافی هم با همدیگر ندارند (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

این مردم مؤمن، وفادار، هوشمند، آگاه و سیاست فهم، آنجا که لازم بود- در ۲۲ بهمن، روز قدس، تشییع جنازه‌ی فرزند امام و مراجع بزرگ تقلید- حضور پیدا کردند. این مردم، به مسئولین کشورمان و به مردم ساریو، فلسطین، لبنان و مناطق گوناگون عالم؛ به زلزله‌زدگان، مهاجرین جنگی و پناهندگان کشورهای دیگر، کمک مالی کردند. مردم ما، واجبات جانی، مالی و سیاسی را خوب انجام دادند. هر جا که انقلاب این ملت را صدا زد، به آن جواب داد (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۴/۱/۳).

کلمه کلمه‌ی همین مطالبی که آقای وزیر بیان کردند، باید دنبال بشود؛ بایستی کار انجام بگیرد برای هر کدام از اینها. حرکت باید انجام بگیرد؛ [باید] همه احساس مسئولیت بکنند تا این حقایق تحقق پیدا کند. بنابراین همه مسئولند؛ هم دولت مسئول است، هم کارفرما مسئول است، هم کارگر مسئول است، هم کارآفرین مسئول است؛ همه در حدی مسئولیت دارند. اگر مسئولیت‌ها انجام بگیرد، کار، درست انجام خواهد شد (شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۶/۲/۱۰).

این حرف زدن و این گفتن، برای این است که یک تفکر عمومی به وجود بیاید، یک خواست عمومی به وجود بیاید و همه بخواهند که این مقاصد تحقق پیدا بکند. این اسم سال که گذاشته میشود، عنوان «اقتصاد مقاومتی» که تکرار می‌شود، برای این است که این خواست عمومی، در دل‌ها، در زبان‌ها، در عمل‌ها خودش را نشان بدهد و همه به این سمت حرکت بکنند. وقتی یک چیزی به صورت یک گفتمان عمومی درآمد و خواست عمومی شد، طبعاً تحقق پیدا میکند؛ یعنی مسئولین هم در همان جهت حرکت می‌کنند (شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه، ۱۳۹۶/۲/۱۰).

دوم اینکه ببینید، آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی پیدا خواهد کرد که این فکر شما، این جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود. [شما] در این مجموعه‌ی دوازده هزار [گروهی] که ایشان می‌گویند، ده درصد جوان‌های کشور، یا مثلاً پانزده درصد جوان‌های کشور هستید؛ آن ۹۰ درصد یا ۸۵ درصد دیگر چرا باید از این حرکت جهادی مبارک، از این کار محروم بمانند؟ سعی کنید ترویج کنید و این ترویج در صورتی آسان خواهد شد که به گفتمان تبدیل بشود. ما در طول گذشته‌ی خودمان، در مسائل گوناگونی این را داشته‌ایم که حالا مثال‌هایش در ذهنم هست و دیگر نمی‌خواهم [بگویم]. شما می‌توانید با ترویج این گفتمان عده‌ی خودتان را افزایش بدهید؛ همچنان که کیفیت خودتان را زیاد می‌کنید، کمیّت خودتان را هم می‌توانید افزایش بدهید که یکی از وسایلی همان است که به ایشان گفتیم؛ [یعنی] کار تبلیغاتی است؛ تبلیغات درست، تبلیغات هنری (بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی، ۱۳۹۸/۵/۱۰).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ‌سازی و ایجاد گفتمان رایج و فراگیر را برای اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ضروری خواندند و خاطر نشان کردند: باید محورهای اصلی این سیاست‌ها با استدلال صحیح و منطقی برای مردم بیان شوند تا به تدریج در بخش‌های مختلف جامعه رسوخ پیدا کند و به یک مطالبه عمومی تبدیل شود (بیانات در جلسه با سران قوا، ۱۳۹۲/۱۲/۶).

وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینش‌های مردم، در جهت‌گیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. بنابراین شما یک گام جلو آمدید (بیانات در دیدار دانشجویان نخبه و نفرات برتر کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۷/۱۷).

یکی از صحنه‌های بسیار مهم دیگری که مردم عزیز ما در آن نقش ایفاء کردند و کسی هم تصور نمی‌کرد که این صحنه اینجور برای نقش‌آفرینی ظرفیت داشته باشد، عرصه‌ی علم و فناوری است. کی خیال می‌کرد جوانان ما اینجور وارد این میدان شوند؟ بمجرد اینکه نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری با نخبگان و زبندگان دانشگاهی مطرح شد، آنچنان حرکت عظیمی به وجود آمد که شد یک گفتمان عمومی، شد یک حرکت همگانی. امروز در سرتاسر کشور، در استان‌های مختلف، در شهرهای کوچک و بزرگ، بخصوص در مراکز علمی و حساس، جوان‌های ما کارهای حساس بزرگی را از لحاظ علمی و فناوری دارند انجام می‌دهند (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

نکته‌ی چهارم، گفتمان‌سازی است؛ ببینید در صحبت‌های آقای دکتر ستّاری، بر مسئله‌ی علم و اقتصاد دانش‌بنیان و شرکت‌های دانش‌بنیان و مانند این‌ها تکیه شد و تأکید شد - بعضی دوستان دیگر هم اشاره کردند - این ناشی از یک گفتمان ده دوازده ساله است. یعنی وقتی که بحث شکستن خطوط مقدم علمی و نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مطرح می‌شود، دنبال می‌شود، گفته می‌شود در دانشگاه‌ها و تبدیل به گفتمان می‌شود، نتیجه این می‌شود که بنده گاهی اوقات که اینجا می‌نشینم و مثلاً مجموعه‌ی دانشگاهی - چه دانشجو، چه استاد - می‌آیند، می‌بینم همان حرف‌هایی را که ما مثلاً گفتیم، این‌ها دارند همان حرف‌ها را به عنوان مطالبه بیان می‌کنند؛ این می‌شود گفتمان، این گفتمان است، این خوب است؛ وقتی این جور شد، آن وقت این پیشرفت‌های علمی پیش می‌آید. ما امروز در مسائل فضایی، در مسائل هسته‌ای، در نانو، در فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفت‌های زیادی داریم، پیشرفت‌های مهمی داریم؛ این پیشرفت‌ها ناشی از همین گفتمان‌سازی است. وقتی گفتمان‌سازی شد، آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کانه یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگ‌راهی به وجود می‌آید که همه میل می‌کنند از این بزرگراه حرکت کنند؛ بنابراین گفتمان‌سازی خیلی مهم است. البته با تکرار کلمه‌ی «اقتصاد مقاومتی» گفتمان‌سازی نمی‌شود، نباید کاری کرد که این کلمه حرف را همین‌طور این قدر تکرار کنیم که از ذهن بیفتد؛ نه، بلکه با تبیین و با توضیح و مانند این‌ها بیان بشود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳).

اگر چنانچه ایستادگی کردید - همان‌طور که قبلاً هم گفتم - گفتمان‌سازی کردید، ذهن‌ها را آماده کردید، آن وقت در هنگام لازم به دردتان می‌خورد. یعنی می‌توانید ذهن مردم را بسیج کنید به سمت یک حقیقتی تا آن را مطالبه کنند. وقتی مطالبه کردند، مسئولین ناچارند انجام بدهند. پس ایستادگی لازم است (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

می‌خواهیم عرض بکنیم تبلیغ باید جریان ساز باشد، تبلیغ باید گفتمان ساز باشد، تبلیغ باید فضا ایجاد کند؛ گفتمان ایجاد کند. گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه. آنوقت، این می‌شود گفتمان جامعه. این، با کارهای جدا جدا برنامه‌ریزی نشده، حاصل نخواهد شد؛ این کار احتیاج دارد به برنامه‌ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته‌ی در وسیله‌ی فشاری است که می‌تواند آب یا مایه‌ی حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه‌ریزی احتیاج دارد.

این گفتمان سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه‌ی دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه‌ی دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند. فرهنگ صحیح، معرفت صحیح، در مواردی بیدارباش، در مواردی هشدار؛ اینها کارکردهای تبلیغ است؛ آثار و نتایج است که بر تبلیغ مترتب می‌شود (بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸/۹/۲۲).

من یک جمله‌ای را نسبت به آن بحث قبلی عرض بکنم که نسبت به این قضیه هم آن جمله صادق است و آن این است که وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوین مهم اساسی انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، این را باید تبدیل بکنید به گفتمان؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عده‌ی کثیری از آقایان، ائمه‌ی جمعه هستند یا شخصیت‌های برجسته‌ی استانها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، می‌توانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ تکرار بکنید، بگویید، تا گفتمان بشود. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه‌ی عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه‌ی عمومی شد و گفتمان شد، به‌طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد. این قضیه هم همین‌طور [است] (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۶/۳۰).

مسئله‌ی معیشت البته مهم است - شکی نیست - اما مسئله‌ی منزلت معلم، اگر از مسئله‌ی معیشت مهم‌تر نباشد، قطعاً کمتر نیست. این [منزلت] فقط با گفتن هم حاصل نمی‌شود؛ حالا [اگر] بنده بگویم «معلمی یک چنین مقام والایی است یا مقام انبیا است»، این ذهنیت عمومی را در کشور شکل نمی‌دهد؛ با صرف گفتن انجام نمی‌گیرد، [بلکه] کار لازم دارد. باید جا بیفتد در ذهن جامعه که معلم یک مرجع است، معلم یک شخصیت والا است، معلمی یک کار مقدس است؛ این را با کار هنری، با نوشتن کتاب، با ساختن فیلم، با ساختن شعر، با انواع و اقسام شیوه‌های تأثیرگذاری، بایستی برنامه‌ریزی کرد و انجام داد؛ تا حالا این کارها نشده است. یکی از کارهای اساسی‌ای که باید هم در خود محیط آموزش و پرورش، هم در محیط‌های مربوط دیگر - در محیط‌های فرهنگی، در صداوسیما و جاهای دیگر - حتماً دنبال بشود، این مسئله است؛ یعنی معلوم بشود که معلمی چه جایگاهی دارد و تکریم معلم تحقق پیدا کند؛ در کتاب درسی باید بیاید، در داستان باید بیاید، در رمان نویسی باید بیاید (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۲/۱۹).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مراسم با ابراز خرسندی از شکفتن گل‌های قرآنی در بوستان بزرگ ایران، گفتند: بذر مبارک قرآن در این سرزمین پاشیده شده است و امروز فضای عمومی کشور با قرآن آشناست و کودکان و نوجوانان در نقاط مختلف کشور با قرآن انس دارند، درحالی‌که در دوران طاغوت، فضای عمومی کشور با قرآن بیگانه بود (بیانات در محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۶/۳/۶).

امروز هم ما احتیاج داریم به همین اقتدار ایمانی و همین تکیه‌ی بر حقانیت خودمان؛ چون در راه حق داریم حرکت می‌کنیم، به این باید در مقابل دشمنی دشمنان و دشمنی استکبار تکیه کنیم و الحمدلله تکیه هم می‌کنیم؛ از این جهت، ملت ایران، افکار عمومی، سرجمع گرایش‌های مردمی کشور ما همین است که چون حقند، چون در راه درست دارند حرکت می‌کنند، یک اطمینان عمومی‌ای بحمدالله وجود دارد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۶/۱۵).

یکی از برادران مثال گلخانه را زدند که مثال درستی نیست. فضای عمومی کشور بایستی فضای ترویج، تولید، گسترش و تحقیق علم و پرورش عالم و محقق باشد. وقتی فضای عمومی این‌طور شد، معنایش این نیست که لزوماً در همه خانه‌ها یا در هر نقطه‌ای از جامعه بایستی علم به‌وجود آید؛ نه، بلکه علم لازم است در نقطه مناسب خودش به‌وجود آید. فضا، فضای علمی خواهد بود؛ فضای تحقیقی خواهد بود؛ منتها بدیهی است که وقتی فضای علمی در کشور به‌وجود آید، این علم و تحقیق در نقطه مناسب و متناسب رشد خواهد کرد؛ مثلاً در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و از این قبیل مراکز. بنابراین بحث گلخانه‌سازی و فضای گلخانه‌ای درست کردن اصلاً وجود ندارد. گلخانه به درد این می‌خورد که یک چیز زینتی درست کنند که وقتی گلی بیرون آمد، چند ساعتی

- بیست و چهار یا چهل و هشت ساعت - روی میزی بماند؛ و آلا آن گل دیگر به درد نمی خورد. فضا باید فضایی باشد که بشود این محصول را حفظ کرد و از آن بهره برد (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱).

در تمامی حوادث عالم چند عنصر را باید در کنار هم دید: یکی نگاه به عوامل اولی، یعنی عوامل بالادستی حادثه است؛ انگیزه‌ها، هدف‌ها، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های جغرافیایی و جغرافیای سیاسی؛ اینها چیزهایی است که در شناخت حادثه تأثیر دارد. در حادثه‌ی انقلاب ما، آن عنصر اول عبارت است از همان ایمان مردم، مبارزات آزادی‌خواهانه و جرقه‌های این مبارزات - که در مشروطیت و در تحریم تنباکو به وسیله‌ی میرزای شیرازی و در نهضت ملی شدن صنعت نفت و در حوادث گوناگون دیگر، این زمینه‌های تاریخی وجود پیدا کرد - و بیداری روحانیت مبارز و شخص امام بزرگوار که از این زمینه‌ها بهترین استفاده را کرد و این حرکت به راه افتاد. این، آن پیش‌زمینه است.

عنصر دوم نگاه کردن به میداندار و صاحب حادثه است. عنصر میداندار و میداندار در این حادثه مردم بودند؛ مردم! حادثه‌ی عظیم بی‌نظیر تاریخی انقلاب اسلامی را مردم رقم زدند. انکار نقش مردم و بیاعتنائی به حضور مردمی - که متأسفانه امروز در بعضی از نگاه‌های شبه‌روشنفکرانه، انسان مشاهده می‌کند - خطاست. وقتی مردم به یک سمتی گرایش پیدا می‌کنند، کسانی که از این گرایش خود را منتفع نمی‌بینند، اسمش را می‌گذارند حرکت پوپولیستی و حرکت عوامگرایی! این خطاست. انقلاب را همین اراده‌های مردمی و همین حضور مردمی - که متکی به ایمان آنها بود - توانست بوجود بیاورد و به پیروزی برساند. ملت ایران با ایمانش، با احساساتش، با غرور ملیاش، با افتخار به گذشته‌ی تاریخی و موارث عظیم فرهنگیاش، توانست این حرکت عظیم را بوجود بیاورد... عنصر سوم در هر حادثه‌ای عوامل معارض و مزاحم با آن حادثه یا با آن حرکت است که هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند. در ماجرای انقلاب اسلامی هم همین‌جور است؛ از اول عنصر معارض وجود داشت. این معنایش این است که ملت ایران استقلال و آزادی را با سعی و تلاش خود بدست می‌آورد؛ اما هزینه‌ی آن را هم باید بپردازد و می‌پردازد. هر انسانی که بخواهد برای آن چیزی که به دنبال آن هست هزینه‌ای نپردازد و زحمتی را بر دوش نگیرد، هرگز به آن هدف نخواهد رسید. با نشستن و عاقبت‌طلبی و به دنبال تلاش و خطر نرفتن، هرگز انسان به آرزوهایش نمی‌رسد. ملت‌ها هم همین‌جورند. آن ملتی به عزت و سربلندی دست پیدا می‌کند که با شجاعت وارد میدان بشود، کار را تعقیب کند و هزینه‌های آن را هم با رشادت تمام بپردازد و ملت ایران این کار را کرد (بیانات در دیدار مردم شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۱).

یکی از توقعات این است که جوانهای عزیز ما واقعاً دنبال کار باشند و بی‌حالی و بی‌مسئولیتی وجود نداشته باشد. یکی از کارهایی که واقعاً بر عهده‌ی عموم مردم است، همین مسئله‌ی احساس مسئولیت است؛ باید احساس مسئولیت بکنند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱).

مردم ایران فهمیدند که کارهای هستند، میتوانند در اوضاع کشورشان اثر بگذارند، آن هم این‌جور اثری، و ریشه‌ی سلطنت به قول آن‌ها ۲۵۰۰ ساله را از اعماق زمین بکنند، بیندازند در مزبله؛ مردم این را احساس کردند و این، اعتمادبه‌نفس داد به ملت ایران. این اعتمادبه‌نفس ملی با نیروی ایمان همراه بود؛ ما مثل بعضی از کشورهای دیگری که انقلاب کردند، بی‌خدا، بی‌توکل، بی‌معنویت نبودیم که وسط راه بمانیم؛ ایمان، ما را نگه داشت، ما را حفظ کرد، ما را هدایت کرد، ما را پیش برد؛ این ایمان گوهر ذی‌قیمتی بود؛ روحی بود در کالبد این حرکت عمومی؛ روح امید را ایمان در ما زنده کرد؛ روح ایثار و فداکاری را ایمان در ما زنده کرد (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۷/۴/۹).

این یک سؤال است که چطور امام توانست این حرکت عظیم را به پیروزی برساند و این پیروزی را حفظ کند؛ سرش به حسب موازین ظاهری این است که البته اراده‌ی الهی بود لکن اسباب ظاهری این پیروزی عبارت بود از اینکه امام توانست جامعه‌ی کشور را، همه‌ی آحاد مردم و بخصوص جوان‌ها را وارد صحنه کند. در هر حرکتی، در هر کشوری که آحاد مردم وارد میدان بشوند و در

میدان بایستند و مقاومت کنند، هدف آنها محقق خواهد شد؛ این بربرگرد ندارد؛ خلاف این هم در هیچ برهه‌ای از تاریخ اثبات نشده؛ امام این هنر بزرگ راه، این کار عظیم را توانست انجام بدهد که احاد جامعه و بخصوص جوانها را وارد میدان کند و اینها را در میدان نگه دارد.

از کجا یک چنین توانایی‌ای را امام بزرگوار به دست آورد؟ این، آن نکته‌ای است که من بر روی آن می‌خواهم تکیه کنم و برای امروز من و شما درس‌آموز است. امام یک جذابیتهای شخصی داشت، یک جذابیتهایی در شعارهای امام وجود داشت؛ این جذابیتهای آن قدر قوی بود که توانست قشرهای مختلف مردم و از جوانها را وارد میدان کند. با اینکه جوان، هم در دوران مبارزات و هم در دهه‌ی اول پیروزی انقلاب با جاذبه‌ها، با حرف‌ها، با فکرهای مختلفی مواجه بود، افکار چپ و افکار وابسته‌ی به اردوگاه سرمایه‌داری بود، اینها هم حرف‌های رنگینی می‌زدند، اینها هم حرف‌های گوناگونی می‌زدند، علاوه بر این جذابیتهای زندگی معمولی هم وجود داشت در مقابل جوانها و جوان می‌توانست آنها را انتخاب بکند؛ اما جوان، امام را انتخاب کرد، راه امام را انتخاب کرد، نهضت راه، مبارزه راه، انقلاب را انتخاب کرد؛ چرا؟ به‌خاطر همین جذابیتهایی که در امام وجود داشت (بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۶/۳/۱۴).

حضور مردم را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج [دشمن]، ایمان مردم است، ایمان جوانان است (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

عامل اصلی پیروزی (ما)، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست (بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۶/۲۵).

امید به آینده اگر نباشد، دل ناامید و افسرده وارد میدان انتخاب نمی‌شود - حضور مردم، حضور جوانها، نشانه‌ی امیدواری آنهاست (بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۵/۱۲).

مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد (بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا، ۱۳۸۸/۱/۱).

در مشروطیت، نقش علما نقشی نیست که قابل مقایسه با نقش دیگران باشد. در سال‌های پیش از مشروطیت - یعنی سال‌های سلطنت مظفرالدین شاه - انجمن‌های پنهانی تشکیل می‌شد و نشست‌های گوناگونی بود که هم علما، هم غیرعلما بودند و آثار آنها در مشروطیت منعکس بود؛ منتها آن چیزی که مشروطیت را به ثمر رساند، این انجمن‌ها نبود؛ آن حضور مردمی‌ای بود که جز با فعالیت و تأثیر علما امکان‌پذیر نبود؛ یعنی اگر فتوای آخوند نبود، فتوای آشیخ عبدالله مازندرانی و امثال اینها نبود، اصلاً امکان نداشت این حرکت در خارج تحقق پیدا کند. علاوه بر این که در همان کارهای دسته‌جمعی خاصی - نه عوامی - هم باز علما نقش غالب را داشته‌اند. شما نگاه کنید ببینید در همان وقتی که انجمن‌های مشروطیت - یعنی انجمن‌های بعد از فرمان - تشکیل شد، مؤثرترین آدم‌ها در مهم‌ترین مراکز کشور، علما بودند. انجمن تبریز را ببینید، انجمن مشهد را ببینید، انجمن رشت را ببینید؛ اینها جاهای حساسند که عناصر اصلی و مؤثرشان، علما هستند. بنابراین، نقش روحانیت در مشروطیت، اولاً نقشی نیست که قابل انکار باشد، ثانیاً قابل مقایسه باشد با نقش دیگرانی که بودند؛ روشنفکرها، و در مرحله‌ی بعد، بعضی از صاحبان قدرت و متنفذان دولتی (بیانات در دیدار شورای مرکزی و کمیته‌های علمی همایش صدمین سالگرد مشروطیت، ۱۳۸۵/۲/۹).

انگیزه‌ی مردم، برخاسته‌ی از دین، از احساس مسئولیت و از احساس تکلیف ملی و دینی است؛ لذا وارد میدان می‌شوند (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۵/۱۲).

مردم، مردمی آماده‌اند. مهم‌ترین کاری که امام بزرگوار ما کرد، این بود که به انگیزه‌ها و احساسات مردم میدان داد؛ حضور مردم را ممکن کرد (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷).



ارزشها و شعارهای انقلابی، ابزارهای حرکت و تضمین‌کننده‌ی حضور آحاد این ملتند (بیانات در خطبه‌های نمازجمعه، ۱۳۷۴/۱۱/۲۰).

با همت عمومی ملت ایران، این انقلاب الگوسازی کرده است. عزیزان من! فشارهایی که در طول این سی و سه سال بر ایران اسلامی، بر جمهوری اسلامی وارد شد، شاید بشود گفت علت اصلی همین بود که نگذارند یک الگو در مقابل چشم مردم مسلمان منطقه به وجود بیاید؛ چون بدون الگو، حرکتها دشوار است؛ با وجود الگو، حرکتها آسان است. وقتی یک ملتی الگو شد، یک حرکتی الگو شد، تشویق میکند، استعدادها را به حرکت درمی‌آورد (بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷).

یک کار بزرگی هم در این زمینه داریم، که اگرچه جزو اندیشه‌های راهبردی نیست، اما جزو کارهای راهبردی است و ان‌شاءالله باید دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، می‌دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم بخصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بیجاگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی‌بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت‌های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات اینجور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران سرعت پدید آمده‌ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظزاده و دیگران، درباره‌ی ادامه‌ی کار این نشست در مورد مسئله‌ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه‌ی مسائل نظریه‌پردازی کارهای مهمی ان‌شاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه‌ی گفتمان‌سازی، و هم در زمینه‌ی نزدیک کردن این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. یعنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همه‌ی آن‌ها برطرف می‌شود. گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است (بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

نظام پادشاهی در ایران پوک شده بود. به خاطر چه؟ به خاطر حضور مردم. مردم به چه خاطر به میدان آمدند؟ به خاطر دین. چون شعار، شعار اسلامی بود؛ چون پیشوایان، پیشوایان اسلامی و روحانیون مورد اعتماد مردم بودند.

در بین مردم، کسان زیادی بودند که به روحانیون کمک می‌کردند و به آنها مشورت می‌دادند. حتی در بعضی از شهرها، روحانیون را راهنمایی می‌کردند. اما عامه مردم و توده‌های میلیونی در سرتاسر کشور، چون می‌دیدند در رأس علمای بزرگ و روحانیون موجه، امام بزرگوار قرار دارند، که هم مرجع تقلید و هم روحانیای در سطح عالی دینی‌اند، به صحنه می‌آمدند. این انقلاب استثنایی، این گونه پدید آمد و به پیروزی رسید. به تعبیری دیگر، انقلاب ما به برکت حضور مردم شکل گرفت؛ مردمی که حضورشان در صحنه، ناشی از اعتقادات دینی بود (بیانات در خطبه‌های نمازجمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴).

برنامه‌ریزی در صدا و سیما باید با جهتگیری به سمت وحدت ملی، ایجاد امید، نشان دادن افق‌های روشنی که در پیش روی ملت ماست، شجاعت دادن به مجموعه‌ی مبتکر و محقق و فن‌ان کشور، شجاعت دادن به اداره‌کنندگان و مسؤولان و تصمیم‌گیران کشور در زمینه‌های مختلف، ترغیب مردم به حضور در صحنه - که حلال همه‌ی مشکلات حضور و اراده‌ی مردمی و تصمیم مردمی است - باشد. البته جانمایی همه‌ی این‌ها هم ایمان قلبی و دینی است (بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸).

بدون هنر، حرف عادی جای خودش را حتی در ذهن کسی پیدا نمی‌کند، چه برسد به این که جذابیت داشته باشد و جایگیر و ماندگار شود. هنر مهمترین وسیله است برای گسترش یک فکر درست یا نادرست. هنر، وسیله، ابزار و رسانه است؛ رسانه‌یی بسیار مهم (بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸).

امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین‌کننده هستند. رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان مؤثر باشند؛ می‌توانند در گسترش صلح و امنیت جهانی مؤثر باشند؛ می‌توانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان‌ها مؤثر باشند و می‌توانند انسان‌ها را خوشبخت‌تر کنند (بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۲/۲۶).

آن اصل اساسی در باب اداره‌ی رادیو و تلویزیون این است. این هدف‌ها روشن است: دینی شدن مردم، یکی از هدف‌هاست؛ ارتباط مستحکم مردم با نظام و مبانی اصلی نظام، یکی از هدف‌هاست؛ حفظ روحیه و شور انقلابی در مردم و دچار نشدن آنها به یأس و دلمردگی و سرخوردگی، یکی از این هدف‌هاست؛ حفظ ارتباط و اعتماد مردم به دولتی که بر سر کار است - هر دولتی که سر کار است و مورد قبول مردم و مجلس و رهبری قرار گرفته - یکی از هدف‌هاست. البته طبیعی است که حفظ اعتماد مردم به دولت هدف اولی نیست؛ اما یک هدف ثانوی است که در خدمت هدف‌های اولی قرار می‌گیرد. امکان ندارد که ما بخواهیم مملکت را به شکل درستی بسازیم، درعین حال اجازه بدهیم که ارتباط فیما بین مردم و دولت گسسته بشود. اگر این اعتماد گسسته شد، کدام عنصری خواهد توانست مملکت را اداره کند و به سمت اهداف پیش ببرد؟ آیا جز دولت کس دیگری را برای این کار داریم؟ (بیانات در دیدار مدیران مراکز سازمان صدا و سیما در استان‌ها، ۱۳۷۰/۱۲/۷).

آماج دوم مردمنده باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها [جایگزین شود]. این‌ها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

انسان وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند آگاهی مردم، بصیرت مردم، احساس مسئولیت مردم در قبال نظام اسلامی، حقیقتاً بی‌نظیر است. با این احساس مسئولیت، با این احساس آماجگی، یقیناً اگر امروز یک حادثه‌ای مثل حادثه‌ی دفاع مقدس در کشور ما پیش می‌آید، کسانی که وارد میدان می‌شدند، از آن روز که در دفاع مقدس جوان‌های ما می‌آمدند، بیشتر خواهد بود و کمتر نخواهد بود. انسان این را از این حرکت عظیم مردمی احساس می‌کند (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶).

مدیریت اقتصادی دو رکن مهم دارد؛ یکی این است که ما میدان را باز کنیم برای فعالیت فعالان سالم اقتصادی؛ میدان باز بشود برای این‌ها و کمک‌شان بکنیم... بخش دوم هم مبارزه‌ی با مفسد و بستن منافذ فساد است؛ چشم باز مدیران؛ آنچه نیاز است این است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

ما بتوانیم به کسانی که فعال هستند از گروه‌های مردمی کمک کنیم، میدان را برای آنها باز کنیم، موانع را از سر راه آنها برداریم (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

این حرکت، حرکتی است دارای مانع. این موانع را بایستی شناخت، این موانع را باید علاج کرد. این حرکت دشمن دارد؛ دشمنش کیست؟ حالا بعضی خواهند گفت که بله دیگر، معلوم است، تا فلانی می‌گوید دشمن، مقصودش آمریکا و صهیونیست‌ها و مانند این‌ها است و توهم توطئه [دارد]؛ نه، توهم توطئه نیست، شناخت توطئه و دیدن توطئه است. وقتی من توطئه را می‌بینم و مشاهده می‌کنم، که نمی‌توانم از شما پنهانش بکنم، باید بگویم به شما. یک عده‌ای تا ما می‌گوییم دشمن، می‌گویند چقدر فلانی مدام می‌گوید دشمن دشمن! خب نگوییم دشمن؟ خدا در قرآن این‌همه اسم شیطان را آورده. خب یک بار شیطان را گفت، تمام شد

رفت، چرا مرتب تکرار میکند؟ برای اینکه من و شما فراموش نکنیم این دشمن را. دشمن را باید دائم در نظر داشت. برای خاطر اینکه دشمن که بیکار نمی‌نشیند؛ دشمن دائماً دارد حرکت می‌کند. اگر بتوانند، این حرکت علمی را متوقفش می‌کنند؛ اگر ببینند نمی‌شود متوقفش کرد، آن را منحرف می‌کنند. ما ممکن است بر اثر ناشی‌گری‌های خودمان به این انحراف کمک کنیم (بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸)

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به بروز برخی موانع جدید درونی و بیرونی در مقابل انقلاب اسلامی افزودند: مصرف‌زدگی، تجمل‌پرستی و مسابقه‌ی اشرافی‌گری که متأسفانه امروز در جامعه وجود دارد، از جمله موانع درونی است که باید با همت بیشتر مردم، مسئولان و رسانه‌ها این مشکلات حل شود (بیانات در دیدار هزاران نفر از استادان و دانشجویان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

عزیزان من! انقلاب یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. یک مرحله‌ی انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است؛ اما در طول زمان، انقلاب باید تحقق پیدا کند. این تحقق چگونه است؟ این تحقق به آن است که آن بخش‌هایی که عقب مانده و تحول پیدا نکرده است، تحول پیدا کند و روز به روز راه‌های جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روش‌های جدید، در چارچوب و بر پایه‌ی آن ارزش‌ها در جامعه به وجود بیاید و پیش برود، تا آن ملت بتواند با نشاط و با قدرت به سمت هدف خودش حرکت کند. برگشت، غلط است؛ عقب‌گرد، خسارت است؛ اما ایستادن هم غلط است؛ باید حرکت کرد و به جلو رفت... این تکامل، تمام شدنی هم نیست؛ یعنی هر ده سال، بیست سال یکبار، اگر انسان به کشور نگاه کند، خواهد دید که در بخش‌های مختلف، پیشرفت و ترقی ایجاد شده است.

آینده‌ی بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ای که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد، و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت این آینده حرکت کرده‌ایم و به اعتقاد من، قسمت‌های سخت‌ترش را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌گوییم بدون تحمل زحمت می‌شود به آن آینده رسید؛ اما می‌گوییم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه‌ی حرکت، می‌توان به آن دست یافت. عمده این است که ما یاد و راه و هدف‌های امام (ره) را همیشه در خاطر داشته باشیم و آن‌ها را حفظ کنیم (بیانات در مراسم بیعت مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۶۸/۴/۷).

\* تحمیل فشارهای خارجی (جنگ، تحریم و...) برای کند کردن حرکت نظام به سمت آرمان‌ها

اگر دشمن توطئه نمی‌کرد؛ اگر دشمن به رهبری استکبار جهانی و در رأسش امریکای پلید و خبیث، علیه این مملکت فعالیت نمی‌کرد، خیلی از این کارها انجام شده بود. ما چند سال عقبیم؛ اما دیر نیست. این ملت، تواناست. متکی به خود و متوکل به خداست. مسئولین دلسوز و علاقه‌مندی هم دارد؛ کارشناس و کاردان هم کم ندارد؛ بازوی کار هم فراوان دارد. می‌تواند خانه‌ی خود را چنان بسازد که هیچ نیازی به بیگانگانی که این ملت از قیافه‌ی آن‌ها بیزار است، نداشته باشد (بیانات در حسینیه‌ی «عاشقان کربلا» ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲).

ما در خلاً که زندگی نمی‌کنیم، ما در یک واقعیاتی داریم زندگی می‌کنیم؛ این واقعیات چقدر برای رسیدن به این هدف‌ها کمک بود یا مزاحمت بود؟ یقیناً اگر مزاحم‌هائی که حالا می‌شمارم، وجود نداشت، رسیدن به این هدف، زمان زیادی نمی‌خواست. شاید در طول پنج سال، ده سال یک گروه متشکل قوی می‌توانستند این اهداف را برآورده کنند؛ منتها در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می‌بخشد و اسمش می‌شود جهاد؛ و الاً اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم... باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروائی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت این‌ها برویم؛ این اساس کار ماست... اگر ما قدم‌به‌قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزشها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۸/۶).

اعتماد به مردم، عقیده‌ی واقعی به مشارکت مردم. بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند؛ اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند؛ اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

روزمره‌ی شخصی، آن‌ها نه - هرچور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

عناصر اقتدار برای کشور چه چیزهایی است؟ من چند موردش را می‌شمرم: یکی ایمان اسلامی است، ایمان دینی است. ایمان دینی جزو مهم‌ترین عناصر مقاومت و تحرک این کشور است؛ مال امروز هم نیست، از ۱۳۰ سال، ۱۴۰ سال پیش به این طرف، هر حرکتی در این کشور انجام گرفته است که اثرگذار، جریان‌ساز و مؤثر بوده است، عنصر ایمان دینی حرف اول را در آن می‌زده است. شما از قضیه‌ی تنباکو شروع کنید، قضیه‌ی تنباکو که یک حرکت عظیم مردمی در کشور بود، عنصر دینی داشت؛ مرجع تقلید حکم کرد، مردم بر طبق حکم او به‌خاطر ایمان دینی عمل کردند و یک خیانت بزرگ را که برای سالهای متمادی پدر این ملت را درمی‌آورد، از سر این ملت دور کردند (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

خب، جامعه‌ی مدّاح یک کار بزرگی بر عهده دارد و آن عبارت است از مدیریت شادی و عزای جامعه؛ شما در حقیقت شادی‌های معنوی و عزاهای اساسی و قلبی و عمیق را مدیریت میکنید، جهت میدهید، هدایت میکنید... فرهنگ‌سازی به این وسیله انجام میگیرد و شما بهترین کسانی هستید که میتوانید در میان مردم فرهنگ‌سازی کنید و به معنای واقعی کلمه جریان را به سمت اسلام برگردانید (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶).

## عوامل موثر بر مردمی شدن فعالیت‌ها

|                                      |
|--------------------------------------|
| فعال شدن قشرهای اثرگذار              |
| امید به آینده                        |
| کار کردن روی فهم درست مسائل          |
| اعتماد و تکیه به مردم                |
| ترویج محصولات                        |
| بصیرت و آگاهی                        |
| ایجاد سازوکار ورود مردم به فعالیت‌ها |
| الگوسازی                             |
| گفتمان‌سازی                          |
| انگیزه و تشویق                       |
| احساس مسئولیت و تعهد                 |
| وحدت کلمه/ در یک جهت حرکت کردن       |
| علم و دانش                           |
| رسانه (تبلیغات جریان‌ساز)            |
| تدین و ایمان                         |
| دیدن صحنه‌ی مسائل                    |
| آرمان‌گرایی                          |
| واقع‌بینی                            |
| اتحاد و همدلی                        |
| مبارزه با فساد                       |
| داشتن هدف و چشم‌انداز مشخص           |
| تبیین                                |
| تبدیل نقشه کلان به برنامه اجرایی     |
| زمان‌بندی                            |
| ارائه تصویر درست                     |
| پایش و اطلاع‌رسانی                   |
| شناخت موانع                          |
| عقیده به مشارکت دادن مردم            |
| توجه به ایستار جامعه                 |
| وجود رهبر مورد اعتماد مردم           |
| جذابیت در شخصیت و شعار رهبر          |
| ارائه ارزش و شعار انقلابی            |
| فضاسازی عمومی                        |
| پذیرش درست بودن حرکت در افکار عمومی  |
| مشارکت دادن ذهن و فکر مردم           |
| کار هنری                             |
| احساس مسئولیت و تکلیف ملی و دینی     |
| واژه‌سازی                            |
| ثبات در قوانین                       |
| وجود عقبه و پشتوانه فکری             |

**اقتدار و مجموعه‌های اثر گذار**



## نقش دولت در مردمی‌سازی

شما در زمینه‌ی اقتصاد هم معتقدید که اقتصاد دست مردم باید باشد؛ ما هم عقیده‌مان همین است و در تفسیر اصل ۴۴ این معنا را تبیین کردیم. خوب، معنای آن این نیست که دولت اجازه می‌دهد یک نفری فعالیت اقتصادی بکند و یک انحصاری را در اختیار بگیرد که این انحصار در نهایت به ضرر مردم است؛ جلوی او را می‌گیرید شما؛ جلوی انحصارات را می‌گیرید، جلوی تجاوز را می‌گیرید، جلوی فساد مالی را می‌گیرید، جلوی سوءاستفاده از منابع دولتی و عمومی را می‌گیرید؛ یعنی جلوی این مزاحمت‌ها را می‌گیرید. درحالی‌که اقتصاد را معتقدیم که [نباید دولتی باشد] - بنده از قدیم معتقد بودم، یعنی همان زمانی هم که دولتی‌های ما دنبال اقتصاد دولتی بودند، بنده عقیده‌ای نداشتیم؛ برایشان برای این معنا مثال‌هایی هم می‌زدیم اما درعین‌حال نظارت دولت را همه قبول دارند؛ [حتی] یک جاهایی دخالت دولت هم لازم است. فرض بفرمایید شما می‌بینید که به فلان کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی رغبتی وجود ندارد، سرمایه‌دار نمی‌خواهد در این زمینه سرمایه‌گذاری کند؛ شما به‌عنوان دولت چه کار می‌کنید؟ سرمایه‌گذاری می‌کنید دیگر. فرض کنید یک ماده‌ای در کشور مورد نیاز است، سرمایه‌گذار - به‌عنوان یک تاجر، با نگاه اقتصادی - دنبال این کار نمی‌رود؛ برایش زحمت دارد، صرف نمی‌کند. شما چه کار می‌کنید؟ شما وارد می‌کنید، شما تولید می‌کنید. بنابراین مثل همه‌ی جاها که نواقص را دولت تکمیل می‌کند، کجی‌ها را دولت راست می‌کند، انحراف‌ها را جلوگیری می‌کند، البته در زمینه‌ی فرهنگ این معنا بمراتب بیشتر از مسئله‌ی اقتصاد [است] (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

اما این موجب نمی‌شود که اگر شما یکجا دیدید که فرض بفرمایید یک حرکتی دارد در همین کارهای مردمی انجام می‌گیرد که دارای آسیب اجتماعی است، داخل نشوید و بگویید من دخالت نمی‌کنم؛ نه، اینجا لازم است دخالت بشود، هدایت بشود، کار بشود (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکانات‌شان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سال‌های متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ درعین‌حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار می‌شود که من می‌بینم از اینها هم غافل بودیم. این‌قدر عناصر آماده‌ی به‌کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها می‌توانند توان خودشان را به‌کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

یک نکته هم این است که ظرفیت‌های مردمی را واقعاً فعال کنیم؛ این را بارها عرض کرده‌ایم و الان هم من تکرار می‌کنم - این هم به خاطر آشنایی و معرفتی است که بنده نسبت به وجود این ظرفیتها بحمدالله پیدا کرده‌ام و می‌دانم - که ما ظرفیت مردمی وسیعی داریم، جوان‌های خوبی داریم؛ جوان‌های فاضل، تحصیل‌کرده، کارآفرین، خوشفکر، مبتکر در بخش‌های مختلف که به اینها باید اعتماد کنیم؛ از اینها باید دعوت کنیم، فراخوان بدهیم برای کارهای مختلف روی یک نقطه؛ مثلاً فرض کنید دولت در مسائل اقتصادی روی یک مسئله، من باب مثال روی مسئله‌ی ارزش پول ملی تمرکز کند و از این جوان‌ها بخواهد بیایند، بنشینند، فکر کنند، تلاش کنند، کار کنند، راه حل بدهند، اقدام کنند؛ این‌ها ظرفیت است. و توکل به خدا؛ با توکل به خدای متعال این کارها را انجام بدهید، به نظر من انجام می‌گیرد (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

چه کار کنیم که کارگر این توانایی را پیدا کند که کیفیت کار را بالا ببرد؟ یک مقدار از این الزامات بر عهده‌ی دولت است، یک مقدار بر عهده‌ی مدیران است، یک مقدار بر عهده‌ی مردم است، یک مقدار هم بر عهده‌ی خود کارگر است. یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد تا کارگر بتواند کیفیت کار را بالا ببرد مهارت‌افزایی است؛ همین فنّی حرفه‌ای که ایشان گفتند؛ بنده سال‌ها است

هر وزیر آموزش و پرورش، هر وزیر کاری که بر سر کار آمده است، روی مسئله‌ی فنی حرفه‌ای‌ها تکیه کردم، تأکید کردم؛ این را باید جدی گرفت، این یک کار اساسی است. مهارت کارگر را باید بالا برد؛ کارگر ساده که نمی‌تواند صرفاً با تجربه‌ی خودش پیش برود؛ خب، البته تجربه هم مؤثر است اما آموزش لازم است. مهارت کاری بر عهده‌ی مسئولان است؛ همین فنی حرفه‌ای‌ها و انواع کارهای دیگری که می‌شود انجام داد برای مهارت‌افزایی کارگر؛ کارفرما هم مؤثر است، دولت هم مؤثر است (بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۲/۸).

یکی مسئله‌ی مداخلات غیر لازم دستگاه‌های حکومتی در امر اقتصاد است؛ این هم یکی از مشکلات ما است. اصلاً سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که این باب بسته بشود؛ کارهایی هم شده لکن نه، آن کاری که باید انجام بگیرد در این زمینه، انجام نگرفته. دولت نقش نظارت و مراقبت و هدایت باید داشته باشد در فعالیت‌هایی که لزوم [ندارد وارد بشود]؛ حالا در بعضی از فعالیت‌ها ناگزیر دولت باید وارد بشود و کسی غیر دولت نمی‌تواند، اما در بسیاری از اینها هم [لازم نیست]؛ یکی این است (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

یکی، مسئله‌ی تخریب فضای کسب و کار است؛ این پیچ و خم‌ها و دلان‌های عجیب و غریب دستگاه‌های دولتی هم که موجب می‌شود که فضای کسب و کار در جامعه تخریب بشود، یکی از مشکلات ما است. من شنیدم که در بعضی از کشورهای دنیا برای راه انداختن یک کار تولیدی، یک نصفه‌روز مثلاً وقت لازم است؛ در اینجا خیلی مشکلات وجود دارد؛ حالا این دست دولت و دست مجلس و دست مسئولین است، بایستی فضای کسب و کار را [تسهیل کنند]. حالا من بعد راجع به تولید عرض خواهم کرد که چقدر این مسئله اهمیت دارد (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

یک مسئله‌ی سوم که آن هم جزو چیزهای اساسی است، مسئله‌ی فضای کسب و کار و افزایش سهولت کسب و کار است که قبلاً اشاره کردم. یعنی واقعاً این قدر مقررات گوناگون و متناقض در این دستگاه، آن دستگاه [وجود دارد که] تولید مشکل می‌شود (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴).

بنده سال‌های متمادی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ در عین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار می‌شود که من می‌بینم از اینها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها می‌توانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

برطرف کردن موانع «قانونی، اجرایی، حقوقی و قضایی» از سر راه اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ششمین وظیفه‌ای بود که رهبر انقلاب متوجه سران قوا دانستند.

ایشان تأکید کردند: باید موانع مزاحم برداشته شود تا فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران و دانشمندان، با آرامش به این میدان روی آورند و احساس کنند با موانع غیرمعقول روبرو نیستند.

رهبر انقلاب، گفتمان‌سازی و ارائه تصویری درست از اقتصاد مقاومتی را وظیفه صدا و سیما، رسانه‌ها، مسئولان، دلسوزان و صاحبان فکر و اندیشه خواندند و خاطرنشان کردند: دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف پیشرفت ایران، تلاش می‌کنند با ایجاد شبهه و اشکال‌تراشی، سیاست‌های ابلاغ شده را بی‌اهمیت جلوه دهند اما اگر تصویر درستی از این حرکت بزرگ و پیشتانزانه ارائه شود و گفتمان‌سازی صورت گیرد، مردم به آن معتقد می‌شوند و از مسئولان مطالبه می‌کنند که در این صورت کارها به پیش خواهد رفت (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).



هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده باشد. اهدافی وجود دارد؛ نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال می‌کند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطه‌ی تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله‌گذاری است، قطعه قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین می‌کنند، هدف‌گذاری می‌کنند، حرکت جمعی آغاز می‌شود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی [است]. این را همه‌ی فعالان عرصه‌ی سیاست و مدیریت کلان کشور باید همواره به یاد داشته باشند (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

نکته سوم؛ نه در اقتصاد و نه در هیچ برنامه‌ی دیگری، بدون هدف‌گذاری نمی‌شود حرکت کرد، باید هدف‌گذاری بشود. اگر در هر کاری بدون هدف‌گذاری مسئولان دولتی حرکت کنند و پیش بروند، کار به روزمره‌گی خواهد رسید؛ به نتیجه نمی‌رسد. هدف‌گذاری مشخص و ثابتی باید وجود داشته باشد که به سمت آن هدف، همه‌ی دستگاه‌ها را و همه‌ی امکانات را بسیج کنند. به نظر بنده آن چیزی که امسال و سال‌های بعد از این باید به عنوان هدف اقتصاد مورد توجه باشد، عبارت است از سرمایه‌گذاری بر روی تولید داخلی. همه‌ی تلاش‌ها از سوی همه باید برای تقویت تولید داخلی بسیج بشود. از همه‌ی مسئولانی که در زمینه‌های اقتصادی فعالیت دارند و از همه‌ی آحاد مردم باید مطالبه بشود که به مسئله‌ی تقویت تولید داخلی کمک کنند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱).

تدبیر مسئولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌ی همه‌ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقف مانده اما غالباً یا متوقف یا کند [شده]؛ اگر متوقف نمانده است، کند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند - که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می‌کنند، خودشان فکر می‌کنند، خودشان تلاش می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند - روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آن‌هایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزش‌های اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ اینها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام می‌گیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما می‌توانند تلاش کنند، کار کنند. جوانان عزیز! کشور مال شما است، فردا مال شما است، امروز هم مال شما است؛ بدانید شما اگر در میدان باشید، شما اگر با ایمان به خدا و توکل به خدا حرکت کنید، شما اگر باور به خود داشته باشید، آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱).

هر جایی از کشور، [از جمله] همین آذربایجان شما و تبریز شما - که آقای امام جمعه‌ی محترم الان گفتند و درست گفتند - دریایی از ظرفیت‌های گوناگون اقتصادی و علمی و اجتماعی و هنری و بقیه‌ی جنبه‌های زندگی است؛ دریایی است از ظرفیت؛ این ظرفیت‌ها باید شناخته بشود و از آنها استفاده بشود؛ چه کسی باید بکند این کار را؟ ما مسئولین؛ به عهده‌ی ما مسئولین است. البته اینکه می‌گوییم ما مسئولین، معنایش این نیست که تکلیف از گردن جوان‌ها برداشته است. معنای آتش به اختیاری که ما گفتیم، این است: یعنی همه‌ی جوانها، همه‌ی گروه‌های مؤمن در زمینه‌های مختلف، هر کاری که برایشان میسر است، و مطابق با قوانین کشور و مصلحت کشور [است]، باید انجام بدهند و معطل کسی نباید بمانند (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۹).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ششمین توصیه‌ی خود را به موضوع «لزوم حفظ و تقویت روحیه‌ی مردمی و پرهیز از اشرافی‌گری»، اختصاص دادند، و در بیان توصیه‌ی هفتم افزودند: به حرکت‌های مردمی که غالباً خودجوش است اعم از فرهنگی، اقتصادی و خدماتی همچون گروه‌های جهادی یا فرهنگی، کمک و مساعدت کنید (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۶/۶/۴).

مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم ان‌شاءالله این روند روزبه‌روز توسعه پیدا کند. البته رسانه‌ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، می‌توانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند ان‌شاءالله مسئله‌ی اقتصادی را پیش ببرند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱).

فراهم کردن زمینه‌ی جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و جلب مشارکت مردم و گسترش پوشش بیمه در همه‌ی فعالیت‌های این بخش (بیانات در دیدار اعضای گروه تفحص شهدا، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰).

هدف‌های کلان ما [صدا و سیما] در این زمینه چیست؟ اول، ارتقاء معرفت دینی روشن‌بینانه. من روی عنوان «روشن‌بینانه» تکیه می‌کنم. معرفت دینی باید ارتقاء و گسترش پیدا کند؛ اما یک معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه.

دوم، رفتار دینی مخلصانه. باز روی کلمه‌ی «مخلصانه» می‌خواهم تکیه کنم. رفتارهای دینی می‌تواند ریاکارانه و متصنعانه و ظاهرسازانه باشد، می‌تواند مخلصانه باشد. ما باید مردم را به رفتار و عمل دینی - یعنی عمل صالح - بکشانیم و این عمل، مخلصانه از آنها صادر شود.

سوم، ریشه‌دار کردن شناخت و باور به ارزش‌ها و بنیان‌های فکری انقلاب و نظام اسلامی. صرف این که ما در زمینه‌ی انقلاب و نظام، چیزهایی را کلیشه‌ای و شعاری تکرار کنیم، کافی نیست؛ باید نسبت به این شعارها در مردم باور حقیقی به وجود بیاید؛ این، کار رسانه‌ی ملی است.

چهارم، مصونیت دادن به ذهن جامعه از تأثیر مخرب تهاجم فرهنگی و ارزشی دشمن، که اشاره شد.

پنجم، باور به کارآمدی نظام.

ششم، ایجاد همگرایی عمومی و فضای همکاری و محبت و وحدت در درون کشور و میان مردم. باید روحیه‌ی محبت، وحدت، همگرایی و ارتباط و پیوند در میان مردم تقویت شود.

هفتم، آگاه‌سازی نسبت به مقوله‌های حساس؛ مثل علم. مسأله‌ی علم در کشور خیلی مهم است. با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه، انسان به چند سرفصل معدود می‌رسد، که یکی از آنها علم است. ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر که مطرح شد، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله‌ی علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکارِ گره‌گشا و پیشبرنده و مقولاتی از این قبیل حساس کنید (بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱)

خب، اینها هدف‌های تعیین شده است. اگر حضور مردم در این راه‌ها و برای این هدفها تأمین شود، این هدفها حتی زودتر از دورانی که در نظر گرفته شده است، حاصل خواهد شد. حضور مردم چه جوری است؟ این، همان نکته‌ی اصلی است. اینجاست که مسئولین باید زمینه‌ها را، مدل‌ها را، فرمول‌های عملی و قابل فهم عموم را، فرمول‌های اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی می‌شود این کارها را کرد. هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه، هم قوه‌ی مقننه به شیوه‌ی خاص خود می‌توانند این را تأمین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند -

می‌توانند استفاده کنند؛ این جزو کارهایی است که باید ان‌شاء‌الله با سازوکار شفاف از سوی مسئولین انجام بگیرد (بیانات در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

اگر چه در این ایام ملت عزیز ما به خاطر حوادث سیل دچار گرفتاری است و در بخشی از موارد، مردم مصیبت‌زده‌اند؛ تلفات جانی یا خسارات، که امیدواریم ان‌شاء‌الله به توفیق الهی، به کمک پروردگار، مسئولین محترم با پشتیبانی‌های عظیم مردمی که بحمدالله تا امروز وجود داشته است، بتوانند بار سنگین این حادثه را از دوش مردم ایران بردارند (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۸/۱/۱۴).

یک مسئله‌ی دیگر، ایجاد مجاری درست کار است؛ که این یک حرف است، یک کلمه است، منتها کار خیلی بزرگ و مهمی است؛ مجاری کار را بایستی ما به‌وجود بیاوریم. وقتی راجع به کار و اشتغال انسان صحبت می‌کند و تشویق می‌کند -همین‌طور که عرض کردم- طرف مقابل می‌گوید خب، آقا من بیکارم، چه کار کنم؟ راه‌های جستجوی کار را ما بایستی به مردم نشان بدهیم (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴).

نکته‌ی دیگر این است که بخش‌های بیرون از دولت دیده بشوند؛ حالا شما در مورد وزارت‌ها و بخش‌های دولتی ممکن است ابلاغ کنید؛ [اما] بخش‌هایی وجود دارند خارج از دولت؛ این‌ها می‌توانند در اقتصاد مقاومتی نقش ایفا کنند، از جمله بسیج؛ من یک گزارشی [هم] دیدم. خیلی لازم است به نظر من -اگر وقت کنند آقای رئیس‌جمهور یا لااقل آقای جهانگیری- که بخواهید و ببینید مجموعه‌ی بسیج در مورد اقتصاد مقاومتی چه کارهایی می‌توانند انجام بدهند و ظرفیتش را دارند؛ ظرفیت خیلی خوبی است. بسیج چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست؛ بسیج یک مجموعه‌ی عظیم و آماده‌به‌کاری است؛ اینها را بخواهید، ببینید چه کار می‌توانند بکنند؛ اینها می‌آیند امکانات خودشان را عرضه می‌کنند و می‌گویند این کارها را هم کرده‌ایم. به نظر من امکانات [خوبی هست]. حالا از جمله من بسیج را مثال زد؛ بخش‌های گوناگونی هستند، افراد اقتصاددان و به‌اصطلاح اقتصادی‌عمل‌کن بیرونی؛ بعضی‌ها هستند که شرکت‌هایی دارند و کارهایی دارند، از ظرفیت‌های اینها می‌شود استفاده کرد. و همه‌ی اینها در آن برنامه‌ی کلی باید بیاید؛ یعنی برنامه‌ی کلی، فقط ناظر به بخشهای دولتی نباید باشد. پس قدم اول، ایجاد این برنامه بود با این خصوصیات (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴).

قدم بعدی این است که یک ستاد قوی و هوشمند و نافذالکلمه تشکیل بشود. من البته اطلاع دارم که آقای رئیس‌جمهور شورایی را تشکیل داده‌اند، خود ایشان هم شرکت می‌کنند، بسیار هم کار خوبی است؛ اما این آن ستاد فرماندهی نیست. خب آقای رئیس‌جمهور کارهای فراوان دیگری هم دارند که باید به آنها هم برسند، نمی‌شود که همه‌ی وقت و همه‌ی همت، صرف این کار بشود. یک ستادی لازم است -مثل ستادهای فرماندهی که ما در دوره‌ی جنگ داشتیم و در بعضی از کارهای دیگر هم یک ستادهای فرماندهی ایجاد شده که خود شما آقای دکتر روحانی در این مسائل تجربه دارید- یک ستاد فرماندهی لازم دارد که به‌طور دائم رصد کند، نگاه کند، ببیند کدام دستگاه توانسته و پیش رفته، کجا مشکل وجود دارد. چون حرف زدن آسان است، برنامه‌ریزی هم خیلی مشکل نیست، ولی [عمل کردن با اینها فرق دارد؛ خب آدم بخواهد در میدان وارد بشود و پیش برود، گاهی اوقات یک موانعی پیش می‌آید که قبلاً پیش‌بینی نشده، بعضی پیش‌بینی هم شده لکن موانعی است که پیش می‌آید؛ بایستی آن ستاد بتواند به‌صورت ضربتی آن موانع را برطرف کند، راه را باز کند و پیش برود؛ و نافذالکلمه [باشد]، یعنی باید گوش کنند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴).

بحمدالله همه‌تان [رؤسای سه قوه و مسئولان کشور] جایگاهی برای گفتن و تأثیرگذاری دارید و منبرهایی در اختیار شما هست؛ از اینها استفاده کنید برای اینکه در جامعه و در چشم‌نخبگان کشور مسئله‌ی فرهنگ را در جایگاه واقعی و شایسته‌ی خود بنشانید؛ این خیلی مهم است. فرهنگ هویت یک ملت است. ارزشهای فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹)

رهبر انقلاب اسلامی در بیان آخرین انتظار خود از مسئولان موضوع پایش و اطلاع رسانی دقیق را مطرح کردند.

ایشان افزودند: باید مرکزی قوی و بینا برای رصد و پایش دقیق فعالیتها وجود داشته باشد.

گردآوری و پردازش اطلاعات، استنتاج، تعیین شاخص برای هر بخش و اطلاع رسانی به مردم از جمله وظایفی بود که ایشان برای این مرکز برشمردند.

(بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

یک مسئله‌ی مهم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی که مناسب است بنده تذکر بدهم، بحث مدیریت اقتصادی است؛ دولت باید مدیریت کند اقتصاد کشور را. مدیریت را با تصدیگری نباید اشتباه کرد؛ تصدیگری دولت در امر اقتصاد به ضرر کشور تمام می‌شود؛ این را ما عملاً در انقلاب تجربه کردیم و می‌دانیم که تصدیگری دولت خوب نیست. اصلاً سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که این تصدیگری انجام نگیرد؛ [پس] آن را بکلی از حوزه‌ی فکر خارج کنیم، یعنی این مدیریتی که من می‌گویم، مطلقاً اشتباه نشود با تصدیگری در مسئله‌ی اقتصاد.

مدیریت اقتصادی دو رکن مهم دارد؛ یکی این است که ما میدان را باز کنیم برای فعالیت فعالان سالم اقتصادی؛ میدان باز بشود برای این‌ها و کمکشان بکنیم؛ افراد صاحب فکر اقتصادی بنشینند بینند راه‌های کمک کردن به فعال اقتصادی چیست - راه‌هایی وجود دارد - و موانعی که بر سر راه کار درست اینها و پیشرفت اینها وجود دارد چیست؟ آن موانع را بردارند؛ من حالا یکی دو مثال عرض خواهم کرد؛ یک رکن مدیریت این است. یک رکن دیگر هم این است که دستگاه دولتی، هوشمندانه، هوشیارانه، با چشم باز، مراقب فعالیت مضر اقتصادی باشد؛ یعنی یک فعال اقتصادی‌ای که حرکت مضر میکند، مورد توجه قرار بگیرد، جلوی گرفته بشود، جلوی منافذ فساد بسته بشود و گرفته بشود. مدیریت اقتصادی یعنی این، هیچ ربطی به تصدیگری ندارد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

رهبر انقلاب با اشاره به اینکه معنای سیاست‌های اصل ۴۴ جایگزین شدن بخش خصوصی به جای بخش دولتی نیست، افزودند: این دو بخش باید به هم کمک کنند و مزاحم هم نباشند؛ مثلاً اگر بخش خصوصی می‌تواند کاری را انجام دهد، بخش دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی خود را رقیب بخش خصوصی ندانند و به آن کار ورود نکنند و اگر هم فعالیت دارند، کنار بکشند.

ایشان در عین حال افزودند: البته بخش دولتی نباید بکلی از فعالیت‌های اقتصادی دست بردارد، زیرا کارهایی وجود دارد که جز بخش دولتی یا بخش‌های عمومی غیردولتی کس دیگری نمی‌تواند آنها را انجام بدهد (بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

## نقش دولت در مردم‌سازی

|  |
|--|
| جلوگیری از انحصاری شدن                                   |
| جلوگیری از سوءاستفاده از منابع دولتی و عمومی             |
| حذف مقررات متناقض و دست و پاگیر                          |
| تکمیل کردن نواقص و فعالیت‌هایی که در توان بخش مردمی نیست |
| جلوگیری از انحراف  |
| هدایتگری   |
| زمینه‌سازی برای حضور و نقش‌پذیری                         |
| مبارزه با فساد   |
| گردآوری و پردازش اطلاعات                                 |
| فعال کردن ظرفیت‌های مردمی                                |
| اعتماد کردن به ظرفیت‌های مردمی                           |
| دعوت و فراخوان برای کارهای مختلف روی یک نقطه             |
| مهارت‌افزایی و توانمندسازی                               |
| نظارت و مراقبت   |
| ایجاد احساس آرامش جهت ورود مردم به فعالیت‌ها             |
| مشخص کردن اهداف  |
| معین کردن نظام صحیح حرکت منطقی                           |
| حمایت  |
| شناخت ظرفیت‌های گوناگون                                  |
| دادن اطلاعات   |
| ایجاد سازوکار شفاف جهت مشارکت مردم                       |
| تسهیلگری   |
| تشکیل ستاد قوی و هوشمند برای رصد پیشرفت‌ها و مشکلات      |
| شناساندن جایگاه واقعی مسائل در چشم نخبگان و جامعه        |

## موانع مردمی شدن

مدیریت را با تصدیگری نباید اشتباه کرد؛ تصدیگری دولت در امر اقتصاد به ضرر کشور تمام می‌شود؛ این را ما عملاً در انقلاب تجربه کردیم و می‌دانیم که تصدیگری دولت خوب نیست. اصلاً سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که این تصدیگری انجام نگیرد؛ [پس] آن را بکلی از حوزه‌ی فکر خارج کنیم، یعنی این مدیریتی که من می‌گویم، مطلقاً اشتباه نشود با تصدیگری در مسئله‌ی اقتصاد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

حضور دشمن را در پشت پرده فرهنگ و سیاست جدی بگیرید. این یک واقعیت است و هرچه می‌گذرد، این حقیقت که دشمن در مقاصد پلید خود، امید زیادی به مقوله فرهنگ و مسائل سیاسی دارد، بیشتر واضح و آشکار می‌شود. نباید غافلانه و ساده‌لوحانه بعضی از پدیده‌ها را جدای از علت و بریده از عامل اصلی‌اش تلقی کرد و به این و آن نسبت داد. حقیقتاً دشمنان می‌خواهند از فضای فرهنگی کشور علیه انقلاب، نظام و دولت استفاده کنند. باز مجدداً تأکید می‌کنم: هم به مردم اطلاع‌رسانی کنید، خبر دهید و پیشرفت‌ها را بگویید؛ هم اگر واقعاً موانعی وجود دارد، آن‌ها را هم شفاف با مردم در میان بگذارید. صرف این که ما بگوییم موانعی در کار هست، مردم را قانع نمی‌کند و آن‌ها نمی‌پذیرند. اگر واقعاً موانعی وجود دارد و کسانی هستند و جریانی موجود است که نمی‌گذارد شما کار کنید، این را شفاف و صریح به مردم بگویید. یا این است که حقیقتاً معلوم می‌شود این شخص یا این افراد یک حرکت مجرمانه انجام می‌دهند و نمی‌گذارند مسئولان یا دولت کار کنند، که در این صورت باید به این جرم رسیدگی شود، یا این است که آن طرف هم منطقی دارد. بالاخره یا باید او را متقاعد کرد یا او شما را متقاعد کند. این را در معرض افکار عمومی بگذارید و صریح و روشن و شفاف با مردم در این زمینه‌ها صحبت کنید. به نظر من این به پیشرفت کار کمک می‌کند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۱/۶/۴).

می‌خواهند نگذارند نظام اسلامی کار کند. راه نگذاشتن چیست؟ در درجه اول، ایجاد ائتلاف و تضعیف نیروهایی است که می‌خواهند برای استقلال و سربلندی این کشور کار کنند. ایجاد فساد - که فساد در ارکان هر جامعه‌ای به وجود بیاید، در حرکت آن اختلال ایجاد می‌کند - و نابود کردن منابع کشور، جزو کارهایی است که دشمن روی آنها برنامه‌ریزی می‌کند. همیشه در هر جمعیت و هر کشوری عناصری پیدا می‌شوند که دشمن بتواند روی اینها سرمایه‌گذاری کند و اینها را مثل ابزار خود در دست گیرد (بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان ۱۳۸۰/۱۰/۱۲).

یأس‌پراکنی، خیلی بد است. مخاطبان حقیقی این سخن، اساتیدند و شما آقایانی که مدیران مراکز آموزشی هستید؛ کسانی هستید که باید اساتید را برای این کار بسیج و فعال کنید؛ به آنها امکانات بدهید؛ باور کنید که اینها می‌توانند؛ و فراخور این باور، برایشان کار کنید، برنامه‌ریزی کنید، بسترسازی کنید (بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

امروز سیاست مشترکی در همه‌ی دنیا، به وسیله‌ی مراکز معینی دنبال می‌شود. این سیاست عبارت است از این که جوانان را تا خرخره در شهوات و غرایز جنسی و فساد اخلاقی غرق کنند. این یک سیاست رایج در دنیا است و شامل شرق و غرب می‌شود؛ هر منطقه‌ای آن را با هدفی خاص دنبال می‌کند. مراکزی که این سیاستها را طراحی می‌کنند، وسایل و ابزار آن را هم به‌طور فراوان فراهم می‌کنند. این مراکز به‌طور عمده شامل مراکز اقتصادی صهیونیستی و قدرت‌طلبان بین‌المللی است که چشم به سرچشمه‌های ثروت در کشورهای دوخته‌اند که غالباً عقب‌افتاده و فقیر و ضعیفند و منابع ثروت بسیاری دارند. برای به چنگ آوردن این منابع ثروت، مهم‌ترین مانع، اراده‌ی ملت‌هایی است که این منابع متعلق به آنهاست. برای فلج کردن ملت‌ها، بهترین راه، فلج کردن جوانان است؛ چون جوانان نیروی فعال هر کشورند. برای فلج کردن جوانان بهترین راه آلوده و زمینگیر کردن آنها به وسیله‌ی سکس، فحشا، مستی و مواد مخدر است (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

سیاست امروز، سیاست اندلسی کردن ایران است! موضوعی که من با شما در میان می‌گذارم شکل موعظه ندارد؛ بلکه موضوعی اساسی است که با بهترین عناصر یک ملت - که شما جوانان باشید - در میان گذاشته می‌شود. فقط شما مخاطب من نیستید؛ این سخن را جوانان سراسر کشور هم خواهند شنید. نسل جوان کشور که بیش از نیمی از ملت و جمعیت کشور است، باید بدانند در مقابل آرزوهای بزرگ، آرمان‌های بلند و هدفهای مقدس و قابل قبول و موجه او چه موانعی وجود دارد (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

بدانید کسانی که شما را به واگرایی از دین، ملت و کشور سوق می‌دهند، دشمنند و دوست نیستند. کسانی که شما را به اختلافات داخلی سوق می‌دهند، دشمنند. کسانی که سعی می‌کنند دل‌ها را نسبت به هم چرکین کنند، دشمنند. کسانی که سعی می‌کنند آرمان‌های انقلاب اسلامی را دست‌نیافتنی و نظام اسلامی را ناتوان از رسیدن به آنها جلوه دهند، دشمنند.

گاهی افرادی که دشمن نیستند هم، این حرف‌ها را تکرار می‌کنند؛ آن‌ها غافلند (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶).

این موانع چه بودند؟ ما دو نوع موانع داشتیم: یکی موانع درونی، یکی موانع بیرونی. موانع درونی یعنی چه چیزهایی؟ یعنی آن چیزهایی که در درون خود ما انسان‌ها - چه تصمیم‌گیرانمان، چه آحاد مردمان، چه ناظرین بیرون از گود مبارزه و انقلاب - وجود دارد؛ اینها موانع درونی است. موانع درونی، ضعف‌هاست؛ ضعف‌های فکری است، ضعف‌های عقلانی است، راحت‌طلبی است، آسان‌گرایی است، آسان‌پنداری است؛ این گاهی اوقات خودش یکی از موانع تحقق آن چیز است. باید برآورد و تقویم نسبت به کار و مشکلات کار، مطابق با واقع یا لاقط نزدیک به واقع باشد. آسان‌پنداری هم مثل آسان‌گیری و سهل‌انگاری است؛ آن هم یکی از موانع راه است. گریز از چالش هم یکی از ضعف‌های درونی ماست. به گریز از چالش، بغلط می‌گویند عافیت‌طلبی. عافیت‌طلبی چیز خوبی است. عافیت یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی است؛ «یا ولیّ العافیة نستلک العافیة؛ عافیة الدنیا و الآخرة». عافیت به معنای پنجه نیفکندن نیست؛ به معنای درست عمل کردن، بجا قدم گذاشتن، بجا ضربت زدن و بجا عقب کشیدن است. عافیت از بلا، مثل این است که بگوئیم عافیت از گناه. بنابراین عافیت‌طلبی چیز بدی نیست؛ لیکن بغلط به گریز از چالش می‌گویند عافیت‌طلبی؛ یعنی در واقع همان راحت‌طلبی، مواجهه‌ی با مشکلات را زشت و ناپسند دانستن، آماده نبودن برای مواجهه‌ی با مشکلات. این‌ها ضعف‌های درونی ماست (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

یکی دیگر از ضعف‌های درونی عبارت است از تربیت‌های اجتماعی موجود و عادت‌های تاریخی، که اینها در ما ملت ایران در آغاز انقلاب بود... توسری خوری، شنیدن زور، دیدن فسق در کسانی که از آنها جامعه توقع عدالت و انصاف و طهارت و پاکیزه‌دامنی دارد، عادت شده بود... این جزو عاداتی بود که در جامعه‌ی ما وجود داشت. این‌ها همان موانع درونی است؛ این‌ها آن چیزهایی است که در مقابل رسیدن به یک هدف و مقصود والا عایق ایجاد می‌کند. خشم و شهوت‌های بی‌مهاری و تربیت نشده، دلبستگی به عادات و عقاید خرافی میراثی، و بد فهمیدن دستور دین جزو ضعف‌های درونی است. بعضی‌ها خیلی از چیزها را نمی‌فهمیدند. مبارزه می‌کردیم (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش‌زمینه‌های تاریخی و تربیت‌های غلط فائق بیاید و فائق آمد. البته در بعضی‌اش هم هنوز فائق نیامدیم، که آن انگیزه‌های دیگری دارد - مثل این مصرف‌گرایی و اسراف و این چیزها که حالا گفتند - این جزو میراث‌های ما از گذشته است و متأسفانه این میراث را نگه داشتیم. ما ملت ایران باید این جامعه‌ی ناساز بیاندام زشت را از تمنان بیرون بیاوریم. ما خیلی مصرف‌زده هستیم؛ باید این را حلش کنیم. همه باید دست به دست هم بدهند و این قضیه را حل کنند. البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد. خوب، اینها عوامل درونی بود (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

اختلاف بین مسئولان افکار مردم را مغشوش می‌کند، آشفته می‌کند، آنها را نگران می‌کند، مضطرب می‌کند... این مجادلات رسانه‌ای واقعاً یک چیز خیلی بدی است (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۷/۶/۷).

وقتی راه واردات بی‌رویه باز بشود و هرچه خواستید بیاورید، سهل‌گرایی انسان، انسان را می‌کشاند به سمت تبلی، بیکارگی. این هم یک طرف قضیه است (بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۲/۹).

دو سه نکته پیرامون مسئله‌ی نشاط عمومی جوانها باید عرض کنیم. نکته‌ی اول این است که این شور و نشاط را باید حفظ کرد؛ نباید گذاشت و اجازه داد که عوامل گوناگون و مؤثرات گوناگون، این شور و نشاط همگانی را ضعیف کند یا از بین ببرد. مطمئناً یک نقطه‌ی مورد نظر دشمنان پیشرفت این کشور این است که به ملت ما حالت خمودگی بدهند؛ یعنی همین شور و نشاط را خاموش کنند، این شعله را فروبشانند. نباید تسلیم این خواست مغرضانه و خصمانه‌ی دشمنان شد. اینکه شما مشاهده می‌کنید صدها مرکز رادیویی و تلویزیونی، بعلاوه‌ی صدها مراکز گوناگون سایبری و محیط مجازی در نقاط مختلف دنیا دارند تلاش میکنند تا پیام یأس و ناامیدی را به اذهان ملت ما تلقین کنند، به خاطر همین است. وقتی ناامیدی به وجود آمد، وقتی یأس وجود داشت، نشاط از بین می‌رود و شور و تحرک خاموش می‌شود (بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

ایشان در تشریح موانع درونی انقلاب به مشکلاتی همچون ضعف‌های فکری و عقلانی، راحت‌طلبی، آسان‌گیری، آسان‌پنداری، گریز از چالش، آماده نبودن برای مقابله با مشکلات، برخی عادات و تربیت‌های غلط باقی‌مانده از دوران ستم‌شاهی نظیر خودکم‌بینی و ظلم‌پذیری، بد فهمیدن دستورها و مفاهیم دینی از جمله در باب مبارزه با ظلم، و در موضوع مهدویت و برخی عقاید خرافی میراثی اشاره کردند و افزودند: بسیاری از موانع با تلاش مردم و مسئولان برطرف شده، اما برخی دیگر همچنان باقی است (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

یکی از این موانع باور نداشتن بعضی از مسئولین ما به همین ظرفیت‌ها است؛ یا باور ندارند یا به اینها اهمیت نمی‌دهند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

به نظر من مهم‌ترین چالش کشور ما یک چالش ذهنی است، یعنی همین که افکار عمومی نمی‌دانند چقدر ثروت در اختیار کشور هست؛ بعضی از مسئولین ما هم متأسفانه نمی‌دانند چقدر ثروت - ثروت انسانی و ثروت طبیعی - در اختیار کشور هست؛ دشمن هم از همین دارد استفاده می‌کند. دشمن می‌خواهد بگوید که شما نمی‌توانید یا ندارید؛ بنده اصرار دارم به مردم بگویم که ما می‌توانیم و ما دارا هستیم و امکاناتمان فراوان است. مسئولین ما باید به قدرت جوانان و به توانایی جوانان ایمان بیاورند و اهمیت بدهند؛ جوانان ما هم باید از کار خسته نشوند، از ابتکار خسته نشوند، از قدرشناسی‌ها دلسرد نشوند. بعضی جوان‌ها به ما شکایت می‌کنند که «ما این کار را کردیم یا می‌توانستیم بکنیم یا می‌توانیم بکنیم؛ [اما] به ما اعتنائی نمی‌شود»؛ خیلی خب، دلسرد نباید بشوند؛ باید دنبال کنند کار را، ابتکار را؛ مسئول هم وظیفه دارد، خود جوان هم وظیفه دارد؛ این یکی از موانع (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

یک مانع دیگر کم‌کاری‌ها است. بعضی از افرادی که در بخش‌های مختلف مسئولند، متأسفانه دچار تبلی و کم‌کاری بوده‌اند و هستند. وضع کشور اقتضا می‌کند کار پرتوان و پرتلاش را؛ مسئولین و مدیران در هر جا که هستند، بایستی تلاش را افزایش دهند (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

یکی از موانعی که موجب شده ما از این ظرفیت‌ها استفاده نکنیم، اعتماد کردن به نسخه‌ی بیگانگان بوده. عرض کردم؛ مردم ما در مقابل بیگانگان منفعل نیستند. بعضی از مسئولین ما در گوشه‌وکنار کشور به نسخه‌ی بیگانگان اعتماد بیشتری دارند تا به نسخه‌ی داخلی! و این هم خطای بزرگی است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).



به درون‌زایی در اقتصاد بی‌توجه بودن. جزو سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و خصوصیات اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی است؛ درون‌زایی یعنی تولید ثروت به‌وسیله‌ی فعالیت درونی کشور انجام بگیرد؛ چشم به بیرون نباشد، نگاهمان به بیرون نباشد (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

یکی از موانع پیشرفت ما، قبیله‌گرایی سیاسی یا جناحی است؛ [یعنی] «این کار را اگر چنانچه شما بکنید خوب است، اگر جناح مقابل شما بکند بد است»؛ این اشکال کار ما است. گرفتار جناح‌گرایی و قبیله‌گرایی سیاسی هستیم؛ این را باید کنار بگذاریم. کار خوب را اگر کسی انجام داده است که دشمن شما هم هست، وقتی مدیریت دست شما است، تصمیم‌گیری با شما است، آن کار خوب را باید ترویج کنید، باید دنبال بکنید؛ [اینکه] «چون فلانی کرده است، پس ما نمی‌کنیم؛ چون جناح مقابل کرده است، نمی‌کنیم»، این خطا است؛ این غلط است. یکی از مشکلات ما این است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

یکی از مشکلات ما، عدم مبارزه‌ی جدی با فساد است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

یکی از موانع مهم، عیوب اساسی در سبک زندگی ما است؛ این دیگر مربوط به مسئولین نیست، مربوط به خود ما و شما آحاد مردم است. ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم؛ یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشکلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی است؛ یکی از مشکلات ما اشرافیگری است (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۷/۱/۱).

موانعی هم وجود دارد؛ یک عده از این موانع، موانع درونی خود ما است؛ حالا می‌گویند که فلانی همه‌ی اشکالات را می‌اندازد گردن آمریکا و غیره؛ البته خدا لعنت کند آمریکا و انگلیس خبیث را، خیلی از مشکلات ما ناشی از آن‌ها است؛ اما نه، من بیشترین اشکالات را به خودمان می‌کنم؛ موانع ما، عمدتاً موانع درونی است؛ آنها هم دارند از این موانع درونی سوءاستفاده می‌کنند؛ موانع درونی وجود دارد.

یکی درست نفهمیدن مسئله است؛ عدم فهم درست مسائل کشور و مسئله‌ی کشور، مسئله‌ی انقلاب؛ این، شما دانشجویان را و عناصر فکری را موظف می‌کند که روی این مسئله کار کنید. یکی از برادران عزیز به من گفتند که «سفارش کنید عناصر فکری با دانشجویها کار کنند»؛ بله، حتماً لازم است این کار انجام بگیرد؛ چه از حوزه، چه از دانشگاه، عناصر مؤمن انقلابی صاحب فکر؛ و خود شماها دنبالش بروید و خود شماها فکر کنید؛ بنابراین درست نفهمیدن مسئله یکی [از موانع است].

درست نشناختن محیط؛ این هم یکی از موانع کار است. بعضی‌ها هستند محیط را درست نمی‌شناسند؛ وقتی ما محیط را نشناختیم، احتمال خطا و اشتباه برایمان زیاد است؛ وقتی که جنگاور و رزم‌آور ندانست کجا قرار دارد، دشمن کجا است، دوست کجا است، ممکن است سر اسلحه‌اش را به طرف دوست بگیرد، به خیال اینکه دارد به دشمن شلیک می‌کند؛ محیط را باید شناخت، جبهه‌بندی‌ها را باید دید، باید شناخت. بعضی از کارهایی که بعضی‌ها می‌کنند، مثل همین شخصی است که گفتم در سنگر خوابش برده، حالا بیدار شده و میبیند صدای تق‌توق می‌آید، نمی‌داند دشمن کدام طرف است، دوست کدام طرف است، همین‌طور بی‌هوا توپخانه را یا خمپاره را یا تفنگ را آتش می‌کند به یک سمتی؛ اتفاقاً به سمت دوست شلیک می‌شود. بعضی‌ها کارشان این‌جوری است؛ نمی‌فهمند با چه کسی دارند مبارزه می‌کنند؛ بنابراین شناخت محیط خیلی لازم است.

یکی از موانع، بی‌ارادگی است؛ یکی از موانع، تنبلی است؛ یکی از موانع، بی‌صبری است. بی‌صبری؛ باباجان! این غذا را وقتی شما سر بار گذاشتید، نمی‌شود که بمجرد اینکه آتش زیر غذا را روشن کردید، بنا کنید پا به هم کوفتن که من غذا می‌خواهم! خوب باید صبر کنید تا بپزد. گاهی اوقات این‌جوری است؛ بعضی از فعالیت‌هایی که برادرها و خواهرهای خوب انقلابی یک جاهایی انجام می‌دهند، ناشی از صبور نبودن است؛ صبوری لازم است؛ صبر هم یکی از خصلت‌های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم اما صبر انقلابی هم داریم. مظهر اتم و اکمل عدالت، امیرالمؤمنین است دیگر، از او عادل‌تر که نداریم، اما امیرالمؤمنین هم یک

جاهایی صبر کرد؛ تاریخ زندگی امیرالمؤمنین را می‌بینید دیگر. یک جا می‌گوید: فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدِّي وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا؛ یک جا هم در مقابل فشار خوارچ و مانند اینها در جنگ صفین صبر می‌کند و به حکمیت تن می‌دهد؛ پس یک جاهایی صبر ضروری است، لازم است؛ یک جاهایی صبر، [از روی] ناچاری است، یک جاهایی هم نه، ناچاری نیست اما لازم است که انسان این صبر را انجام بدهد.

یکی از موانع، سرگرمی به چیزهای خراب‌کننده و ویران‌کننده و گمراه‌کننده است؛ مثل اختلافات سر چیزهای بی‌خودی. اختلافات کوچک و بهانه‌های کوچک، گاهی مایه‌ی اختلافات بزرگ می‌شود؛ مثل حواشی‌ای که وجود دارد. سال گذشته به نظر من در همین جلسه بود یا یک جلسه‌ی شبیه این در ماه رمضان بود که به یک حاشیه‌ای اشاره کردم که مال آن وقت بود. حاشیه‌ای که امروز به نظر من بیشتر از متن، ماها را به خودش سرگرم کرده، همین مسئله‌ی فضای مجازی و فلان شبکه‌ی پیام‌رسان و از این [قبیل] چیزها است؛ اینها «حاشیه‌ای» است. خب یک کاری باید انجام بگیرد، یک کاری هم دارد انجام می‌گیرد؛ این پرداختن افراطی و زیاده به آن -از آن طرف یک جور، از طرف مقابل یک جور- همان حواشی است؛ غافل شدن از کار اصلی است. بنابراین این‌ها موانع درونی است.

موانع بیرونی هم داریم؛ عمده‌ی موانع بیرونی، تزریق نومییدی، القای ناتوانی و مانند این‌ها است. اینکه «نمی‌شود، فایده ندارد، نمی‌توانید» الان مرتباً دارد -به قول شماها من نمی‌خواهم تعبیرات فرنگی به کار ببرم، اما اینجا ناچارم- پمپاژ می‌شود، به‌طور دائم دارد تزریق می‌شود؛ هم احساس ناامیدی، هم احساس ناتوانی.

تبیین‌های دروغ؛ مسائلی را تبیین می‌کنند، تبیین‌های خلاف واقع. تحریف حقایق تاریخی؛ البته این مال حالا نیست، چند سال است یک حرکت مودیان‌ای شروع شده در تطهیر رژیم طاغوت، رژیم پهلوی. حالا ای کاش یک چیزی بود که قابل تطهیر بود، قابل تطهیر هم نیست! همان‌هایی هم که چیز می‌نویسند راجع به شخصیت‌های آن‌ها، با اینکه خب خیلی سعی می‌کنند اطرافش را جمع بکنند، درعین حال ناچار به یک چیزهایی اعتراف می‌کنند. یک رژیمی که هم فاسد بود، هم ضعیف بود، هم وابسته بود، هم منحرف بود، هم بشدت غیر مردمی بود، هم بشدت افراشد و اشخاصش سودطلب شخصی بودند، قابل دفاع است؟ هویدا قابل دفاع است؟ محمدرضا قابل دفاع است؟ خب، شما آن دوره را که ندیده‌اید؛ یک حرکتی در این زمینه دارد انجام می‌گیرد و هدفش این است که یک جوان امروز بگوید «عجب! اینها آدم‌های بدی نبودند، اوضاع بدی نبود؛ پس چرا انقلاب کردید؟»؛ اصلاً همه برمی‌گردد به مسئله‌ی زیر سؤال بردن انقلاب؛ این‌ها از خارج دارد انجام می‌گیرد.

ایجاد موانع عملی برای حرکت به سمت آرمان‌ها؛ مثل تحریم -هم تحریم مواد، هم تحریم فناوری- کارشکنی‌های گوناگون، پیروزی‌ها را شکست معرفی کردن، ضعف‌های کوچک را بزرگ جلوه دادن، ضعف‌های مدیریتی را منتسب به نظام کردن. فلان مدیر فلان تشکیلات یک ضعفی نشان می‌دهد، یک کار غلطی را فرضاً انجام می‌دهد، این را علم می‌کنند برای اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام انقلابی را زیر سؤال ببرند! این کاری است که دشمن دارد می‌کند؛ باید بشدت به آن توجه داشته باشید (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷)

بخش سوم، الزامات و انتظارات است. خب، حالا این طرح بزرگ، این نقشه‌ی راه همه‌جانبه و وسیع، مطرح شد؛ صرف مطرح کردن سیاست‌ها که مشکلی را حل نمی‌کند؛ این آغاز راه است. کارهایی باید انجام بگیرد:

در درجه‌ی اول، عزم جدی مسئولان و مدیران اصلی و فعالان مردمی است؛ باید تصمیم بگیرند مسئولین کشور - در درجه‌ی اول، قوه‌ی مجریه، مسئولان دولت؛ و نیز قوه‌ی مقننه؛ و قوه‌ی قضائیه؛ و بخش‌های گوناگونی که ارتباطی با مسائل اقتصادی دارند - و حتماً بایستی در این مسئله، عزم جدی و راسخ داشته باشد. بدون تصمیم جدی و راسخ، کار پیش نخواهد رفت.

دوم، ورود در میدان عمل [است] عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هر کسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه‌ی راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد. ما امسال را گفتیم سال حماسه‌ی سیاسی و حماسه‌ی اقتصادی، بحمدالله حماسه‌ی سیاسی به وجود آمد؛ حماسه‌ی اقتصادی متأسفانه تأخیر افتاد؛ لکن حالا در پایان سال، این سرآغازی برای حماسه‌ی اقتصادی خواهد بود که قطعاً باید ان شاءالله در سال ۹۳ با جدیت کامل از سوی مسئولین دنبال بشود و در عمل باید شروع بشود.

مسئله‌ی سوم، تبدیل به برنامه و سیاست‌های اجرایی است که دستور این کار از سوی رؤسای سه قوه داده شده؛ هم رئیس جمهور محترم، هم رئیس محترم قوه‌ی مقننه، هم رئیس محترم قوه‌ی قضائیه دستور داده‌اند به زیرمجموعه‌ی خودشان که برنامه‌های اجرایی را در هر بخشی تهیه کنند؛ منتها من می‌خواهم تأکید کنم بر روی زمان‌بندی؛ باید زمان‌بندی کنید. من بخشنامه‌هایی که آقای معاون اول برای دستگاه‌ها فرستاده بودند، دیدم؛ باید زمان‌بندی بشود، مشخص بشود که چقدر کار پیش رفت و تا کی انتظار تحقق این برنامه‌سازی و بعد اجرا را باید داشت؛ باید شتاب بگیرد؛ سهم هر قوه‌ای معین بشود. در قوای مختلف - بخصوص قوه‌ی مجریه - سهم هر دستگاهی مشخص بشود؛ شاخص‌ها - بخصوص شاخص‌های زمانی - معین بشود که بتوان نظارت کرد و بتوان پیشرفت کار را و صحت مسیر را فهمید.

چهارم، هماهنگی میان بخش‌های گوناگون است که البته سازوکار این هماهنگی را باید رؤسای قوا معین کنند. هماهنگی کمک خواهد کرد، هماهنگی بین مجلس و دولت، بین مجلس و دولت و قوه‌ی قضائیه. در بخش‌هایی بدون هماهنگی نمی‌شود حرکت کرد؛ در بخش‌هایی هم هماهنگی دارای تأثیر است ولو نه به آن اندازه؛ به هر حال هماهنگی لازم است. سازوکار هماهنگی را باید رؤسای سه قوه ان شاءالله تهیه کنند.

مسئله‌ی پنجم، نظارت در همه‌ی سطوح است؛ باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان شاءالله. بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است.

مطلب ششم، رفع موانع است. موانعی وجود دارد که اینها را می‌شود برداشت: موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتیم "قانون روی قانون آمدن" کار را مشکل می‌کند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس می‌تواند انجام بدهد؛ والا ما حالا قوانینی داریم، [اگر] باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل‌تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ این‌ها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند.

الزام هفتم و کار لازم هفتم، گفتمان‌سازی است؛ باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چنجه دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اشکال‌تراشی، مانع‌تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها می‌کنند. نقطه‌ی مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.

آخرین نکته‌ای هم که در این زمینه عرض می‌کنم و عرایضم را تمام می‌کنم، پایش و اطلاع‌رسانی است. بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کند، پردازش کند، استنتاج کند، احياناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند. این مجموعه‌ی عرایضی است که ما به شما برادران و خواهران عزیز می‌خواستیم عرض کنیم (بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

من، چندی قبل عرض کردم: علت شکست‌های گوناگون در تاریخ، این است که مردم، گاهی قدرت تحلیل را از دست می‌دهند. هر جا مردم نتوانستند درست تحلیل کنند، آن‌جا نقطه خطرناکی است. آن‌جا، جایی است که ممکن است دشمن ضربه را وارد کند (بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان، ۱۳۷۲/۸/۳۰).

امروز تبلیغات تبلیغاتی‌های خارجی روی این نقطه‌ها متمرکز است؛ مردم را نسبت به انتخابات دلسرد، بی‌اعتماد و بی‌اعتنا کنند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی که برای ملت و کشور ما مهم است (بیانات در دیدار مردم کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱).

شجاعت در برابر هیبت دشمن، جزو شاخص‌هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولین کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که دلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده‌ی علت این بود که مسئولان - پیشروان قافله‌ی ملت - شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند. گاهی در بین آحاد مردم عناصر مؤمن، فعال، فداکار، آماده‌ی به جانبازی هستند، منتها مسئولین و رؤسا وقتی خودشان این آمادگی را ندارند، نیروهای آنها هم از بین می‌رود و این ظرفیت هم نابود می‌شود. آن روزی که شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلطان حسین مورد غارت قرار گرفت و مردم قتل عام شدند و حکومت باعظمت صفوی نابود شد، خیلی از افراد غیور بودند که حاضر بودند مبارزه و مقاومت کنند؛ اما شاه سلطان حسین ضعیف بود. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود (بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

اول من به شما عرض کنم که هدف دشمن از این دو جریان تبلیغاتی چیست. چرا می‌خواهد وضع را از لحاظ اقتصادی تیره و تار نشان دهد و چرا می‌خواهد وضع را از لحاظ انقلابی و فرهنگی دچار هزینه‌ی قلمداد کند. علت چیست؟ در یک کلمه، علت این است که با این کار می‌خواهند نور امید را از دل ملت ایران و بخصوص دل جوانان محو کنند؛ فروغ امید را در دل‌ها خاموش و مردم را ناامید نمایند.

عزیزان من! امید، بزرگترین قوه محرکه انسان است. امید به پیروزی، امید به پیشرفت و امید به موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار میکند. اگر شما بخواهید هر انسان فعال و سرزنده و شادابی از حرکت بیفتد، کافی است او را ناامید کنید. اگر ناامید کردید، دست‌های فعال سست خواهد شد؛ زنان فعال و استوار به لرزه خواهد افتاد. می‌خواهند ملت ایران را ناامید کنند. چرا؟ چون می‌بینند که ملت ایران امروز به سوی یک آینده خوب و روشن که در آن، هم دنیای مادی او تأمین است و هم عزت و سربلندی و ایمان و نفوذ او در سطح دنیای اسلام تأمین می‌شود، حرکت می‌کند (بیانات در دیدار مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴).

تهدیدهایی که متوجه آینده درخشان ماست، دو نوع است: تهدیدهای خارجی؛ تهدیدهای داخلی. من ابتدا این یک کلمه را بگویم که اگر از داخل، این ملت دشمن نداشته باشد؛ عامل نفوذی نداشته باشد و دو چهرگان در مسائل کشور تخریب نکنند؛ دشمن خارجی نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. البته توجه کنید که بعضی از تهدیدها از درون خود ما و در میان نفس خود ماست. من می‌گویم هر چیزی که به سلامت و ایمان و عزم و نشاط لطمه بزند و کار و کوشش و تحصیل جوانان را معوق بگذارد، تهدید است. ولنگاری تهدید است؛ بیبندوباری تهدید است؛ مواد مخدر تهدید است؛ بیاهمیتی به علم و درس و کار تهدید است؛ سرگرم شدن

به مناقشات اجتماعی بیهوده تهدید است؛ درگیری‌های داخلی تهدید است؛ بی‌اعتمادی به نظام و مسؤولان تهدید است؛ البته غفلت مسؤولان هم تهدید است؛ برنامه‌ریزی دشمن بیرونی هم تهدید است. یک ملت بیدار، یک ملت آگاه، یک ملت زنده، یک ملت جوان، یک ملت انقلابی مثل ملت ما، باید همه این تهدیدها را از سر راه خود بردارد (بیانات در دیدار با جوانان در مصالای بزرگ تهران، ۱۳۷۹/۲/۱).

مسأله دیگری که از موجبات واگرایی و دلسرد شدن مردم است، تبعیض‌ها و فرصت‌های اختصاص داده شده به اشخاص است که گاهی مشاهده می‌شود. بالاخره مردم مطلع می‌شوند و دشمن هم که جنگ روانی با ما دارد، از این مسائل استفاده می‌کند. من البته نمی‌خواهم مثال بزنم و خودِ شما امثله فراوانش را می‌بینید. هر جا هستید، نگذارید این تبعیض‌های مَبان و فرصت‌های اختصاصی که برای بعضی‌ها پیش می‌آید، وجود پیدا کند؛ به نظر من درست نیست (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۶/۵).

از عوامل دیگری که باعث واگرایی مردم است، تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است. متأسفانه تبلیغات گوناگونی از جناح‌های متخالف کشور وجود دارد که انسان از این رنج می‌برد (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۶/۵).

دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹).

به نظر من آنچه که امروز بیش از هر چیز مورد توجه آن‌هاست - تا قبل از انتخاباتی که چند ماه دیگر در پیش داریم - مسأله آفریدن التهاب سیاسی است. مردم را از لحاظ سیاسی دچار التهاب کردن، نگران کردن، سرگرم مسائل کوچک کردن، به جان همدیگر انداختن جناح‌ها، مسائل کوچک را بزرگ کردن. این جزو برنامه‌هاست؛ می‌خواهند کاری کنند که فضای کشور، فضای تب‌آلود شود. مبارزه‌ی با این برنامه، سعی در آرام نگه داشتن فضای عمومی و فضای سیاسی کشور است. همه باید در این جهت حرکت کنند. به هیچ‌یک از حرکات و اظهاراتی که به معنای التهاب‌آفرینی باشد، نباید میدان داده شود. بخصوص مطبوعات باید به این نکته توجه کنند. دستگاه‌های مختلف و قوای سه‌گانه باید حیثیت، شخصیت و حدود قانونی هم را حفظ کنند و همدیگر را تضعیف نکنند؛ که متأسفانه گاهی در گوشه و کنار چیزهایی در این زمینه دیده می‌شود. البته به گمان زیاد، ناشی از غفلت است؛ اما باید توجه داشت که این غفلت‌ها بسیاری از اوقات در اختیار و مورد استفاده دشمنان قرار می‌گیرد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۷).

البته این را هم عرض بکنم که فقط اینها هم دشمن نیستند، علاوه‌ی بر اینها یک دشمن دیگری وجود دارد و او درون خود ما است. خود ما یعنی چه؟ یعنی من، شما، فلان مسئول، فلان جوان. آن دشمن درونی چیست؟ آن دشمن درونی عبارت است از بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌حالی، بی‌نشاطی، تنبلی؛ اینها دشمن ما است (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

«کُند کردن حرکت عمومی کشور با ایجاد یأس»، یکی دیگر از گناهان ماست. مردم را مأیوس کنیم، نیروی محرکه را مأیوس کنیم و افق را در چشم آن کسانی که بایستی با شوق و امید جلو بروند، تیره و تار نشان بدهیم؛ این کُند کردن حرکت مردم است؛ این یک گناه بزرگی است. یکی از چیزهایی که حرکت کشور را کُند می‌کند، تفرقه، اختلاف و دست به گریبان شدن است؛ این ایجاد اختلاف یا دامن زدن به اختلاف، جزو گناهان مخصوص طبقه‌ی ماها مجموعه‌ی مسؤولان و سیاستمدارها - است. یا فساد اقتصادی؛ چه دست داشتن در فساد اقتصادی، چه چشم بستن بر فساد اقتصادی، چیزهایی است که حرکت عمومی کشور را کُند می‌کند (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۷/۱۸).

مأیوس شدن مردم موجب می‌شود که در صحنه حضور نداشته باشند (بیانات در دیدار مردم کاشان و آران و بیدگل، ۱۳۸۰/۸/۲۰).

راحتی خیالی ناشی از احساس پیروزی و به دنبال آن کم شدن انگیزه‌ها و سست شدن عزم‌ها، نخستین خطر است. و آنگاه این خطر مهیب‌تر می‌شود که اشخاص در صدد تصاحب سهم ویژه در غنیمت به دست آمده باشند (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

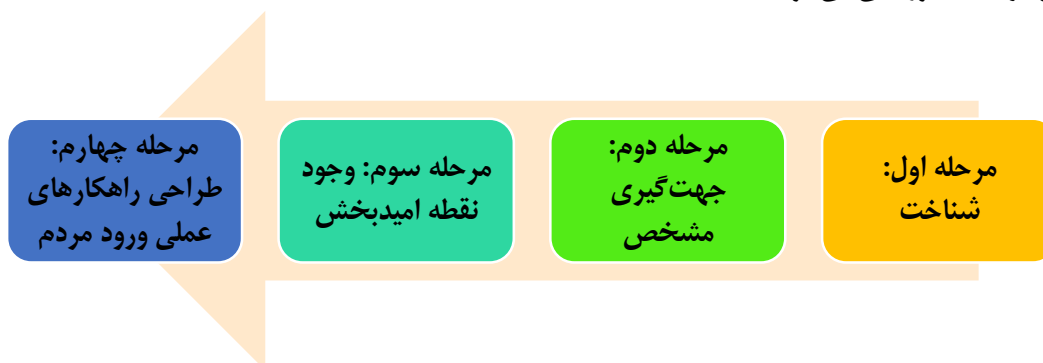
## موانع مردم‌سازی

|   |
|---|
| عدم فهم درست مسائل / عدم اطلاع افکار عمومی              |
| درست نشناختن محیط                                       |
| بی‌ارادگی   |
| تنبلی / بی‌نشاطی  |
| سرگرمی به مسائل حاشیه‌ای و مناقشات اجتماعی بیهوده       |
| ناامیدی   |
| بزرگ جلوه دادن مسائل کوچک                               |
| تبلیغ ضعف مدیریت کشور و نبود اقتدار                     |
| بی‌انگیزگی / دل‌سرد شدن                                 |
| راحتی خیال ناشی از احساس پیروزی                         |
| تصدی‌گری دولت   |
| اختلافات داخلی  |
| عوامل نفوذی در داخل کشور                                |
| تلقین یاس و ناامیدی به اذهان مردم                       |
| باور نداشتن به توانایی مردم                             |
| غرق شدن در فساد اخلاقی / واگرایی ملت از دین             |
| ضعف‌های فکری و عقلانی                                   |
| گریز از چالش  |
| تربیت اجتماعی غلط (عادت‌های غلط تاریخی)                 |
| آشفته شدن افکار عمومی                                   |
| اختلافات بین مسئولین / مجادله‌های رسانه‌ای              |
| خودکم‌بینی  |
| بد فهمیدن دستورها و مفاهیم دینی (از جمله مبارزه با ظلم) |
| عدم اطلاع مسئولین از ظرفیت‌های مردمی                    |
| قبیله‌گرایی جناحی / تبعیض                               |
| عدم مبارزه با فساد                                      |
| سبک زندگی معیوب (رفاه‌طلبی، مصرف‌گرایی و...)            |
| صرفاً مطرح کردن سیاست‌ها                                |
| از دست دادن قدرت تحلیل                                  |
| بی‌اعتمادی  |
| بی‌اعتنایی  |
| هجوم تبلیغاتی دشمن                                      |

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که گذشت، در این مطالعه سعی شده است از شکل اول نظریه استفاده و نظریه به صورت الگوی کدگذاری بصری بیان شود. در این الگو، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌ای را از مرحله‌های پیش انتخاب می‌کند و آن را در مرکز فرآیندی که در حال تحلیل آن است، به عنوان پدیده مرکزی و محوری قرار می‌دهد.

با توجه به توضیحات، مقوله «فرآیند مردمی‌سازی فعالیت‌ها» به عنوان مقوله محوری به دست آمد. ذیل این مقوله، چهار مفهوم «شناخت»، «جهت‌گیری مشخص»، «نقطه امیدبخش» و «طراحی راهکارهای عملی ورود مردم» قرار گرفت که به ترتیب، چهار گام تحقق فرآیند مذکور تلقی می‌شوند.



توضیح اینکه، طبق نتایج این پژوهش، برای مردمی شدن کارها، در گام اول باید در مردم یک شناخت و آگاهی رخ دهد. اگر به‌همراه شناخت، یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول وجود داشته باشد، به تدریج در مردم همت و انگیزه در جهت تحقق مردمی شدن کارها شکل می‌گیرد که در صورت وجود شرایط و بسترهای لازم، منجر به مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف فعالیت خواهد شد.

مقام معظم رهبری برای مشارکت مردم به طی مسیری قائل‌اند که به طور کلی از چهار گام شناخت، جهت‌گیری مشخص، وجود نقطه امیدبخش و طراحی راهکارهای عملی ورود مردم تشکیل شده است. شناخت و آگاهی، مهم‌ترین و اولین گامی است که باید برای دستیابی به وضعیت مطلوب صورت گیرد. این شناخت باید نسبت به چند چیز صورت گیرد: شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت ظرفیت‌های کشور و خود مردم و شناخت وسیله‌ای که در مقابله با موانع باید به کار برد.

عناصر اصلی برای ایجاد این آگاهی و شناخت عبارتند از: دولت، فعالان و مدیران کلان کشور، صدا و سیما (رادیو و تلویزیون)، اساتید دانشگاه، علما، روحانیت، روشنفکران، هنرمندان متعهد، صاحبان اندیشه و فکر، مداحان، قشرهای علمی، دانشمندان، دانشجویان، دستگاه‌های تبلیغی، ائمه جمعه، نشریات، زنان جامعه، مسئولین دلسوز و علاقه‌مند و مدیران مراکز آموزشی.

برای تحقق مقوله محوری (مردمی‌سازی فعالیت‌ها) که توضیحات آن گذشت، شرایطی لازم است. این شرایط ذیل دو دسته جای می‌گیرند: شرایط علی و شرایط زمینه‌ای. در این مدل، شرایط علی شرایطی هستند که به عنوان علل و عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در فعالیت‌ها از آن‌ها یاد شده است و به عنوان شرایط اولیه و پیشینی، برای مردمی شدن فعالیت‌های مدنظر باید وجود داشته باشند و تقویت شوند. این شرایط از یک سو در ایجاد آگاهی مردم نقش ایفا می‌کنند و از سوی دیگر، مردم را به سمت مشارکت در عرصه‌های مختلف فعالیتی جهت می‌دهند. این علل و عوامل عبارتند از: فعال شدن قشرهای اثرگذار، امید به آینده، کار کردن روی فهم درست مسائل، اعتماد و تکیه به مردم، ترویج محصولات، بصیرت و آگاهی، الگوسازی، گفتمان‌سازی، انگیزه و تشویق، احساس مسئولیت و تعهد، وحدت کلمه (در یک جهت حرکت کردن)، علم و دانش، رسانه (تبلیغات جریان‌ساز)، تدین و ایمان، دیدن صحنه‌ی مسائل، آرمان‌گرایی، واقع‌بینی، اتحاد و همدلی، داشتن هدف و چشم‌انداز مشخص، تبیین، تبدیل نقشه کلان به



برنامه اجرایی، زمان‌بندی، ارائه تصویر درست، شناخت موانع، وجود رهبر مورد اعتماد مردم، جذابیت در شخصیت و شعار رهبر، ارائه ارزش و شعار انقلابی، فضاسازی عمومی، پذیرش درست بودن حرکت در افکار عمومی، مشارکت دادن ذهن و فکر مردم، کار هنری و احساس مسئولیت و تکلیف ملی و دینی و واژه‌سازی.

شرایط زمینه‌ای نیز در این الگو، به شرایطی اطلاق می‌شود که شرایط ثانویه و به عنوان مکمل شرایط اولیه مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر، زمانی که فرآیند مردمی‌سازی به عنوان مقوله محوری و تحت عملکرد و سازوکار شرایط علی به وقوع پیوست، آنگاه شرایط زمینه‌ای دخالت کرده، راه مشارکت مردم را فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، وجود شرایط علی را می‌توان به گونه‌ای به عنوان شرایط لازم و وجود شرایط زمینه‌ای را می‌توان به گونه‌ای، به عنوان شرایط کافی مطرح کرد. تحقق این شرایط، نیازمند بسترسازی‌هایی است که باید از سوی دولت صورت گیرد و سیر تحقق مشارکت مردم را تسهیل کند. وظایفی که دولت در این جهت بر عهده دارد، در سه دسته جای می‌گیرد: فراهم کردن زمینه‌های مشارکت مردم در فعالیت‌ها، حمایت از مردم و تقویت آن‌ها برای ورود به عرصه‌های مختلف فعالیت و نظارت و کنترل کلان امور و جلوگیری از انحرافات.

مشارکت مردمی با توجه به توضیحاتی که گذشت، در هر حوزه و عرصه‌ای که کشور احساس نیاز کند و مردم توانایی آن را داشته باشند، می‌تواند صورت پذیرد. از جمله حوزه‌های راهبردی که مقام معظم رهبری به صراحت به آن‌ها اشاره دارند، عبارتند از: علم و تحقیق، سیاسی (عرصه‌های بین‌المللی)، ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه، تربیت نیروی انسانی، اعتقادی، اجتماعی، نظامی (آن وقتی که لازم باشد)، سازندگی، فقرزدایی، هنر، عزاداری‌ها، احیا کردن حقایق، مقابله با فتنه‌های داخلی، صحنه‌های استکبارستیزی، فعالیت‌های نیکوکاری و خدمت‌رسانی در حوادث.

طبق بررسی‌های این پژوهش، در اندیشه مقام معظم رهبری، تحقق مردمی‌سازی موجب رشد خودباوری و روحیه «ما می‌توانیم»، شکوفایی استعداد و توانایی مردم، فائق آمدن بر مشکلات، ایجاد نشاط و امیدواری، پیشرفت و رشد کشور در همه صحنه‌ها، ارزش آفرینی، انسان‌سازی، آسیب‌ناپذیری کشور، ایجاد اعتماد متقابل میان مردم و نظام، تغییر معادلات سیاسی و... دنیا، تقویت روحیه مسئولین برای مقابله با فشارها، افزایش مصونیت و اقتدار کشور، آسان شدن کارهای دشوار، استحکام کشور در مقابله با چالش‌های گوناگون، زمینه‌ای برای کسب مهارت‌های گوناگون، ایجاد پشتوانه حرکت عظیم جهانی (انقلاب)، پیروزی و پیشروی قطعی، نقش آفرینی مردم در پیشبرد توسعه و آبادانی، خنثی شدن توطئه‌های دشمن، حرکتی با سرعت و موفقیت، رسانه‌ای فراگیر از وضعیت کشور، آوردن مردم از حاشیه به متن مدیریت کشور، تثبیت و نهادینه‌شدن مردم‌سالاری دینی، کوتاه شدن زمان‌های طولانی کار، حل شدن همه‌ی مشکلات کشور، تقویت عوامل قدرت و قوت در درون کشور می‌شود.

جزء نهایی این الگو، موانع مردمی‌سازی فعالیت‌هاست. همواره برای تحقق هر امری، وجود موانع همانند سد، مانع حرکت طبیعی آن می‌شود. لذا شناخت این موانع، می‌تواند گامی برای برطرف کردن آن باشد. در این مطالعه، عدم فهم درست مسائل، عدم اطلاع افکار عمومی، درست نشناختن محیط، بی‌ارادگی، تنبلی و بی‌نشاطی، سرگرمی به مسائل حاشیه‌ای و مناقشات اجتماعی بیپه‌وده، ناامیدی، بزرگ جلوه دادن مسائل کوچک، تبلیغ ضعف مدیریت کشور و نبود اقتدار، بی‌انگیزگی و دلسرد شدن، راحتی خیال ناشی از احساس پیروزی، تصدی‌گری دولت، اختلافات داخلی، عوامل نفوذی در داخل کشور، تلقین یاس و ناامیدی به اذهان مردم، باور نداشتن به توانایی مردم، غرق شدن در فساد اخلاقی و واگرایی ملت از دین، ضعف‌های فکری و عقلانی، گریز از چالش، تربیت اجتماعی غلط (عادت‌های غلط تاریخی)، آشفته شدن افکار عمومی، اختلافات بین مسئولین، مجادله‌های رسانه‌ای، خودکم‌بینی، بد فهمیدن دستورها و مفاهیم دینی (از جمله مبارزه با ظلم)، عدم اطلاع مسئولین از ظرفیت‌های مردمی، قبیله‌گرایی جناحی و تبعیض، عدم مبارزه با فساد، سبک زندگی معیوب (رفاه‌طلبی، مصرف‌گرایی و...)، صرفاً مطرح کردن سیاست‌ها، از دست دادن قدرت تحلیل، بی‌اعتمادی، بی‌اعتنایی و هجمه تبلیغاتی دشمن به عنوان موانع مردمی‌سازی فعالیت‌ها در اندیشه مقام معظم رهبری برداشت شد.